

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ماهنامه

هدایت

«نشریه تحلیلی سیاسی»

«ویژه هادیان سیاسی»

معاونت سیاسی

نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

شماره ۱۷۰، سال ۱۳۹۵

«هدایت»

«ماهنامه تحلیل سیاسی»

صاحب امتیاز: نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

مدیر مسئول: الماس نصر دهزیری

سردبیر: عباسعلی بیگدلی

تایپ و صفحه آرایی: شهلا مهدوی

طرح جلد: عباس رستمی

ویراستار: غلامرضا گودرزی

مخاطبان: هادیان سیاسی بسیج

همکاران این شماره:

- ۱- علیرضا فاطمی نیا ۲- علی مرادزاده ۳- فرشاد ساعدی ۴- خالد ساعدی پور
- ۵- هادی رجبی ۶- علی آزر می ۷- سید رحیم نعمتی ۸- علیرضا داداشی جوکندان
- ۹- ابوالقاسم اثنی عشری ۱۰ میلاد رحمتی طولارود

شمارگان: ۷/۵۰۸

نشانی: تهران - صندوق پستی ۳۶۴ - ۱۷۸۴۵

تلفن و نمابر نشریه: ۳۳۲۳۹۶۷۳-۶

رایانامه هادی (ایمیل): E-mail: ssb۱۱۰@chmail.ir

نشانی ما روی شبکه: www.hadinews.ir

سامانه پیامکی: ۶۶۰۰۰۰۰۸۰

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه

خوانندگان ارجمند:

- ✓ ماهنامه هدایت متعلق به هادیان سیاسی است؛ بنابراین بخشی از مقالات نشریه به مطالب ارسالی هادیان سیاسی اختصاص دارد. انتظار می‌رود هادیان، عزیز ما را یاری فرمایند.
- ✓ انتقادات و پیشنهادهای ارسالی هادیان سیاسی، موجب غنای مطالب این نشریه خواهد شد.
- ✓ مقالات و مطالب ارسالی برای نشریه، مسترد نخواهد شد.
- ✓ نشریه هدایت در اصلاح، ویرایش، تلخیص و چاپ مطالب آزاد است.
- ✓ نقل مطالب با ذکر مأخذ، بلامانع است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	سفن هدایت.....
۵.....	کلام نور.....

بخش سیاسی

۹.....	* اقدامات اندیشکده های امریکایی علیه انقلاب اسلامی ایران.....
۲۱.....	* بازنگری آمریکا در تجاوز نظامی آل سعود به یمن.....
۲۵.....	* صورت شیطنانی استکبار در قرآن.....
۴۲.....	* تغییر مسیر آنکارا به سوی دمشق.....
۴۷.....	* یارکشی های سیاسی در تحولات سوریه.....

- * کشورهای آمریکای لاتین ویتامین "استراتژی درازمدت" ۵۰
- * آسیب‌شناسی انتخابات در کشور مدعی دموکراسی ۵۷
- * چگونگی تحقق جهاد کبیر در فضای مجازی ۶۱
- * روزنه‌های تقلب در انتخابات آمریکا ۷۷
- * وظایف و اختیارات ریاست جمهوری در قانون اساسی ۸۱

بخش اقتصادی

- * اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل ۸۹

چرایی لزوم افزایش توان دفاعی جمهوری اسلامی ایران

اهمیت افزایش توان دفاعی کشورها بر کسی پوشیده نیست و بارها درباره این موضوع سخن به میان آمده است. اما؛ زمانی که رهبر یک کشور اسلامی مانند جمهوری اسلامی ایران بر این موضوع تأکید می‌کنند، اهمیت موضوع دو چندان می‌شود و لازم است که از زوایای مختلف به آن پرداخته شود.

مهم اینکه؛ مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در دیدار با مسئولان وزارت دفاع اظهار کردند: نیروی هوا فضای سپاه باید کارها و برنامه‌های خود را با دقت به پیش برد و به حد کنونی راضی نباشد. از سویی دیگر ایشان تأکید کردند که این موضوع یک وظیفه است و همه مسئولان نظامی باید در این جهت تلاش کنند و مسئولان دولت نیز پشتیبانی از این موضوع را باید جزو وظایف اصلی خود بدانند.

تأکید موکد امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در مورد لزوم افزایش توان دفاعی جمهوری اسلامی ایران از چند منظر قابل بررسی است. اول اینکه؛ سخنان مقام معظم

سخن
هدایت

رهبری درباره مسائل مهم کشوری همواره مشخص کننده سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی است و به همین دلیل به دقت از سوی رسانه‌های مختلف داخلی و خارجی رصد و تحلیل می‌شود. در همین ارتباط می‌توان به بازتاب گسترده سخنان ایشان در رسانه‌های خارجی درباره لزوم افزایش توان دفاعی ایران اشاره کرد.

موضوع بعدی این که؛ جمهوری اسلامی ایران کشوری است که نوعی نظام سیاسی نوین را در منطقه و جهان به نمایش گذاشته است که در آن اسلام و دموکراسی اختلاط پیدا کرده و این سیستم سیاسی نوین تا کنون موفقیت‌های زیادی در عرصه‌های مختلف در جهان کسب کرده است. به همین دلیل، انقلاب اسلامی ایران از همان ابتدای پیروزی با دشمنی‌ها و کارشکنی‌های متعدد روبرو بوده است و همین موضوع مبین اهمیت افزایش توان دفاعی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

از سویی دیگر؛ امروز ما در منطقه شاهد زورگویی‌های قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا و برخی کشورهای غربی هستیم و جمهوری اسلامی ایران نیز از قاعده مداخله برای این کشورها مستثنی نیست و تنها یک عامل موجب می‌شود که کشورهای زورگو خیال تعرض به کشور ما را از سرشان بدر کنند و آن هم توان دفاعی جمهوری اسلامی و احتمالاً توان تهاجمی ایران (در صورت مورد تعرض واقع شدن) است. نمونه تعرض قدرت‌های بزرگ به ایران که بر اثر عدم توانایی نظامی ایران رخ داد را می‌توان در سال ۱۹۲۰ و در جنگ جهانی اول مشاهده کرد. چه بسا اگر توان دفاعی و نظامی ایران و قدرت بازدارندگی آن در ابتدای قرن بیستم به اندازه فعلی بود کشور عرصه تاخت و تاز اجنبی‌ها قرار نمی‌گرفت.

از سویی دیگر، این موضوع نیاز به توضیح دارد که افزایش توان دفاعی و حتی تهاجمی ایران به معنای جنگ‌طلبی جمهوری اسلامی ایران نیست، بلکه ضرورت جهان و نظام بین‌الملل معاصر ایجاب می‌کند که تمامی کشورها

و به ویژه کشوری مانند جمهوری اسلامی ایران که شرایط حساسی دارد، به افزایش توانایی‌های نظامی خودش مبادرت نماید. ناگفته پیداست که صرف هزینه‌های گزاف در عرصه نظامی برای کشورهای مختلف ضررهایی دارد و به نفع هیچ یک از واحدهای نظام بین‌الملل نیست، امّا؛ در جهان معاصر، سیاست‌های مداخله‌جویانه کشورهای قدرتمند و البته زورگو مانند ایالات متحده و برخی کشورهای غربی لزوم افزایش توان دفاعی و تهاجمی تمامی کشورها را مطرح کرده است. در همین ارتباط می‌توان به تحلیل بجای مقام معظم رهبری مبنی بر اینکه، اگر قدرت‌های سلطه‌گر اقتدار کشور را احساس نکنند امنیت تأمین نخواهد شد، اشاره کرد. اینگونه اظهارات به خوبی مبین لزوم افزایش توانایی‌های نظامی برای تأمین امنیت ایرانیان است.

نکته دیگر که باید به آن اشاره کرد و همواره از سوی رهبر مقام معظم انقلاب مورد تأکید قرار گرفته، این است که افزایش نظامی جمهوری اسلامی بدون قید و شرط نیست. در این زمینه ایرانیان با توجه به آموزه‌های دینی خود محدودیت‌هایی دارند و یکی از مهمترین آنها، عدم امکان دستیابی و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی همچون سلاح‌های شیمیایی و هسته‌ای است. البته، با توجه به اینکه دشمنان قسم خورده جمهوری اسلامی مانند آمریکا، رژیم صهیونیستی، برخی کشورهای غربی و... به سلاح‌های کشتار جمعی مجهز هستند، ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی برای ایران در بخش تهاجمی است و افزایش توان جمهوری اسلامی در بخش‌های دفاعی در برابر حمله شیمیایی لازم است.

موضوع بعدی این است که در دنیای معاصر و با وجود اهمیت یافتن مباحثی مانند اقتصاد در نظام بین‌الملل، هنوز مسائل نظامی و قدرتمندی کشورها در این زمینه از اهمیت زیادی برخوردار است. شواهد موجود و دست‌درازی‌های ایالات متحده به کشورهای مختلف به بهانه ایجاد دموکراسی در آنها، نشان می‌دهد که کم اهمیت دانستن مسائل نظامی اشتباهی بزرگ

است و می‌تواند خطراتی را برای موجودیت و استقلال کشورها به دنبال داشته باشد.

افزایش توان دفاعی جمهوری اسلامی ایران که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) نیز به آن تأکید کرده‌اند، دو کاربرد اساسی دارد، اول جلوگیری از حمله به ایران و دوم مقابله با حملات احتمالی. هر دو جنبه موضوع نیز اهمیت دارد و به افزایش اعتبار بین‌المللی جمهوری اسلامی منجر می‌شود. در وهله اول، افزایش توان دفاعی ایران موجب می‌شود تا به لحاظ روانی شرایطی به وجود بیاید که کشورهای دیگر خیال دست‌درازی به جمهوری اسلامی را نداشته باشند و به نظر می‌رسد که این بعد از توان دفاعی، جنبه پیشگیرانه دارد و به همین لحاظ مهم است. در مرحله دوم و در صورتی که حمله به کشور با وجود تقویت جوانب پیشگیرانه صورت گیرد، توان نظامی در بحث مقابله عملی با حملات و دفع آنها و چه بسا انجام ضد حملات اهمیت می‌یابد.

در پایان باید خاطرنشان کرد که به استناد اظهارات سردار حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوا فضای سپاه، امروز توان موشکی ایران در رتبه اول منطقه و هفتم جهان قرار دارد. در همین ارتباط، یک روزنامه الجزایری نوشت: سامانه موشکی ایران قادر است در دقایق نخست درگیری، تمام قسمت‌های ناوگان دریایی آمریکا را در خلیج فارس متلاشی و به لاشه کشتی و ناو جنگی تبدیل کند. قدرت نظامی و دفاعی ایران در حدی است که تا کنون توانسته است از حمله احتمالی دیگر کشورها به ایران جلوگیری کند. این اظهارات نشان دهنده قدرت و اقتدار نظامی جمهوری اسلامی است، اما؛ تمامی این مسائل موجب نمی‌شود که جمهوری اسلامی از لزوم افزایش بیش از پیش توان دفاعی خود غفلت نماید، چرا که دشمنان ایران و اسلام به چنان جنگی همه‌جانبه و همیشگی علیه جمهوری اسلامی ایران دامن زده‌اند که گریزی جز افزایش توان مقابله ایران وجود ندارد.

بیانات امام خامنه‌ای «مدظله‌العالی»

مصیبت بزرگ امت اسلامی

چرا در کشورهای دیگر، دولت‌ها، خانواده‌ها، ملت‌ها عکس‌العمل نشان ندادند نسبت به این حادثه (حادثه منا)؟ این چه بلای بزرگی است که جان امت اسلامی را فراگرفته؟ این، مصیبت بزرگ است. دولت‌ها دچار رودربایستی سیاسی‌اند، دولتمردان کشورهای مختلف احیاناً اسیر پول و قدرت و روابط سیاسی و مانند اینها هستند، [اما] دانشمندان‌شان چرا ساکت ماندند؟ علمایشان چرا حرف نزدند؟ فعالان سیاسی چرا صحبت نکردند؟ روشنفکرانشان چرا مقاله ننوشتند، اعتراض نکردند، حرف نزدند؟ برای دنیای اسلام، بلا این است، مصیبت این است؛ حساس نبودن در مقابل یک حادثه به این عظمت در خانه خدا که در جوار بیت الهی، کسانی با پرویی و با وقاحت تمام، یک حادثه سنگین ننگین را از سر بگذرانند، بدون اینکه از دنیای اسلام

حتّی عذرخواهی هم نکنند (۱۳۹۵/۰۶/۱۷)، بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای (منا).

کسانی که دل به سازمان های بین المللی بسته اند بفهمند که...

یک جا یک نفری با یک اتّهامی در یک کشوری فرض بفرمایید اعدام می‌شود یا زندانی می‌شود، شما می‌بینید سروصداهای حقوق بشری بلند شد [اما] اینجا چند هزار نفر به خاطر بی‌کفایتی و بی‌تدبیری و سوء عمل یک دولت جان می‌بازند و این دستگاه‌های حقوق بشری و دولت‌های مدّعی حقوق بشر سکوت مرگ می‌گیرند و حرف نمی‌زنند! این کسانی که دل به دستگاه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی می‌دهند و به آنها امید می‌بندند، ببینند این حقیقت را، بفهمند این واقعیت را. (۱۳۹۵/۰۶/۱۷)، بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای (منا).

جنایت‌ها، همه با پشتیبانی آمریکا است

این حکام بدعمل، به پشتیبانی قدرت آمریکا و همراهی آمریکا است که می‌توانند این جور وقیحانه در مقابل دنیای اسلام بایستند و این گناه بزرگ را مرتکب بشوند و حتّی یک کلمه عذرخواهی هم نکنند؛ به پشتیبانی آنها است، پس آنها شریکند؛ همچنان‌که در قضیه یمن هم، در قضایای گوناگون دنیای اسلام هم -در قضیه سوریه، در قضیه عراق، در قضیه بحرین- اگر لطمه‌ای و ضرری به مسلمان‌ها می‌خورد، آمریکایی‌ها شریک در جرم و جنایتند (۱۳۹۵/۰۶/۱۷)، بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای (منا).

توجه به ظرفیت سیاسی همه کشورهای جهان

ما توان دیپلماسی خودمان را در سطح دنیا درست توزیع کنیم؛ یعنی سهم آسیا به تناسب وسعت و توانایی آسیا باید به آسیا داده بشود، سهم

آفریقا همین‌جور، سهم آمریکای لاتین همین‌جور؛ پس بنابراین [باید] دیپلماسی‌مان را خوب توزیع کنیم، متناسب توزیع کنیم (۱۳۹۵/۰۶/۰۳، بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت).

دولتی که در مقابل صهیونیست‌ها بایستد برای ما مغتنم است

در مورد عراق، در مورد سوریه، در مورد یمن، در مورد بحرین، در مورد لبنان، در مورد همه‌ی کشورها معتقدیم تصمیم‌گیر، خود ملت‌های آن کشورهايند؛ از بیرون، نه ما و نه غیر ما حق نداریم تصمیم بگیریم نسبت به سرنوشت ملت‌ها؛ خودشان باید تصمیم بگیرند سیاست استکبار در قبال سوریه این است که بنشینند، بیرون از اراده‌ی ملت، این دولتی را و این ملتی را که شناخته شده است که در مقابله با صهیونیست‌ها قرص و محکم ایستاده بگویند این دولت نباشد. ما می‌گوییم نه، دولتی که شعارش، هدفش و نیتش ایستادگی در مقابل صهیونیست‌ها است، این دولت برای دنیای اسلام مغتنم است. ما هیچ نفع خاصّ شخصی‌ای در سوریه یا در عراق نداریم؛ ما به فکر دنیای اسلامیم، ما به فکر امت اسلامی هستیم؛ مواضع ما با استکبار این‌جور در مقابل هم قرار دارد (۱۳۹۴/۰۴/۲۷، بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی).

قلب‌ها همانند جسم‌ها در کنار هم

حادثه عجیبی بود حادثه‌ی امسال اربعین کربلا. این راه را دشمنان اسلام و دشمنان اهل‌بیت به خیال خود مسدود کرده بودند. ببینید چه حرکت عظیمی اتفاق افتاد! وقتی حتی جسم‌ها در کنار هم قرار می‌گیرند، این‌جور انعکاس پیدا می‌کند. اگر ما با هم باشیم، کشورهای اسلامی، ملت‌های مسلمان - سنی و شیعه و فرق مختلف تسنن و تشیع - با یکدیگر دل‌هایشان صاف باشد، نسبت به یکدیگر سوءظن نداشته باشند، سوءنیت نداشته باشند،

به یکدیگر اهانت نکنند، ببینید در دنیا چه اتّفاقی خواهد افتاد؛ چه عزّتی برای اسلام درست خواهد شد! وحدت؛ وحدت (۱۳۹۳/۱۰/۱۹)، بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان بیست و هشتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی).

تجربه و شناخت دشمن، عامل اذعان به خباثت آمریکا

بعضی خیال می‌کنند اینکه ما بر روی دشمنی آمریکا با ما تکیه می‌کنیم، ناشی از تعصب است؛ نه، ناشی از شناخت است، ناشی از تجربه است. ما ۳۷ سال است داریم تجربه می‌کنیم این دشمنی‌ها را. از اوّل انقلاب اینها کمر بستند به دشمنی امام بزرگوار ما و حرکت عظیم او؛ از اوّل انقلاب شروع کردند به توطئه، هنوز هم دارند میکنند: سعی کردند اقوام ایرانی را علیه جمهوری اسلامی بشورانند، موفق نشدند؛ سعی کردند عناصر وابسته را علیه مردم بشورانند، تا حدودی هم توانستند اما مردم بر آنها غلبه پیدا کردند؛ تا امروز هم این سعی را دارند می‌کنند اما ملت بیدار است، دولت هشیار است، مسئولین آماده‌اند (۱۳۹۵/۴/۱۶)، بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی).

اقدامات اندیشکده‌های آمریکایی علیه انقلاب اسلامی ایران

دکتر علی آذر می

مقدمه:

انقلاب اسلامی ایران توانست بر استبداد داخل و استعمار خارج پیروز شود و حکومتی بر مبنای اصول اسلامی به وجود بیاورد و این یعنی تولد یک پیشاهنگ برای جنبش‌های اسلامی که سال‌ها بود دچار رکود و درجازدگی بودند و این انقلاب اسلامی ایران بود که به حرکت‌ها و نهضت‌های جهان اسلام امید و انسجام بخشید و به باورهای فکری و نظری این جنبش‌ها عینیت بخشید و به آنان فهماند که مسلمانان نیز می‌توانند. از این مهم‌تر انقلاب اسلامی چیزی را اعلام کرد و به آن پایبند ماند که آرزوی دیرینه جنبش‌های اسلامی بود: اول اینکه جامعه ایرانی بخشی از امت جهان اسلام است. دوم ارائه یک الگو و نمونه جدید حکومتی که شعار آن نه شرقی و نه غربی

سیاسی

بود. سوم محتوای حکومت تشکیل شده اسلامی بود. چهارم استقلال طلبی در سیاست خارجی، پنجم اصول گرایی و دین گرایی در سیاست داخلی، ششم خودکفایی و خوداتکابی در اقتصاد، هفتم مبارزه با دولت های سرکوبگر و فاسد و مبارزه با استکبار و هشتم منادی وحدت و اتحاد مسلمین و تشکیل بلوک اسلامی مستقل در سطح بین الملل.

به طور کلی مهم ترین بخش از پرونده دولت آمریکا در روابط با کشور و ملت ایران، مداخله های غیرمسئولانه و خصمانه دولت های مختلف حاکم بر کاخ سفید است. برخی از مداخلات خصمانه و فریبکارانه در طول نیم قرن گذشته همچون کودتای ۲۸ مرداد که به بازگشت نظام استبدادی منجر شد، و پس از آن بیش از دو دهه به صورت غیرمسئولانه، از استبداد شاهنشاهی حمایت گردید. حمایت از رژیم شاه در اوج انقلاب اسلامی، حمایت از کودتاها و مختلف از جمله کودتای نوژه، در چند سال اول پیروزی انقلاب اسلامی توسط وابستگان به دیکتاتوری پهلوی، از دیگر مداخلات آمریکایی ها در امور داخلی ایران است. مجموعه ای از مداخلات غیرمسئولانه دیگر آمریکا را در جنگ هشت ساله از جمله حمایت همه جانبه از صدام، حمله به سکوها های نفتی ایران، حمله به هواپیمای مسافربری ایران (۱۳۶۷) و ... را ملاحظه می کنیم. نوع اقدامات و طرح های آمریکایی ها با پیچیدگی بیشتر پس از دفاع مقدس ادامه یافت. اساساً از همان آغازین روزهای انقلاب اسلامی جبهه استکبار به سرکردگی آمریکای جنایتکار در صدد ضربه زدن به انقلاب اسلامی برآمدند تا نگذارند مقاومت گرایی در سیاست خارجی، ایشار و از خودگذشتگی و فرهنگ جهاد و شهادت و در یک کلام انقلاب اسلامی ایران و اسلام سیاسی فقهاتی توسعه و گسترش یابد. یکی از مظاهر این دشمنی آشکار آمریکا با انقلاب اسلامی طراحی ها و استراتژی هایی است که در اندیشکده ها و اتاق های فکر این کشور علیه انقلاب اسلامی و مستضعفین

جهان عملیاتی می‌شود.

اتاق‌های فکر در آمریکا مهم‌ترین و عمده‌ترین نهادهای فکری و نظری در دولت آمریکا هستند که تاثیر عمده‌ای در تعیین چارچوب سیاست‌های این کشور در دنیا و به ویژه غرب آسیا دارند. در کشور آمریکا متجاوز از ۲۷۰۰ اتاق فکر وجود دارد. نقش این اتاق‌های فکر این است که مسائل مهم مرتبط با سیاست‌های داخلی و خارجی را مورد مطالعه و بررسی قرار داده و ضمن ارائه جمع‌بندی در مورد موضوعی خاص، به ارائه راهکارها و راهنمایی‌های عملیاتی می‌پردازد. این نهادها عموماً به مدیران اجرایی و دستگاه‌های تصمیم‌گیری متصل هستند و بعضاً هم افرادی که عضو یک اتاق فکر هستند، در هیأت حاکمه نیز حضور داشته و عنصر تاثیرگذاری در ساختار تصمیم‌گیری نظام آمریکا می‌باشد. این نهادها و موسسات، نقش مستقیمی در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان دارند. در سطوح سیاست‌گذاری می‌توان از شورای روابط خارجی آمریکا، نهادهای تحقیقاتی وابسته به پنتاگون و وزارت خارجه و سازمان سیا نام برد. در عین حال در سطوح راهبردی، این موسسات و نهادهای مطالعاتی تحت یک فرماندهی، وظایف خود را انجام می‌دهند.

بسیاری از کارشناسان و تحلیل‌گران ساختار تصمیم‌گیری در آمریکا بر این عقیده هستند که سیستم تصمیم‌گیری و قدرت در آمریکا بر پایه سه ضلع قرار دارد که عبارتند از:

۱- سرمایه‌داران بزرگ و لابی‌های قدرتمند. ۲- اتاق‌های فکر. ۳- نهادهای

رسمی تصمیم‌گیر همچون دولت و کنگره.

اما در خصوص اتاق‌های فکر باید گفت که این اتاق‌های فکر همچنین نگاه ویژه‌ای به انقلاب اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دارند و همواره در تلاش برای طراحی راهبردهایی علیه این نهاد مقدس هستند. اساساً پرونده انقلاب اسلامی به عنوان یکی از اصلی‌ترین محورهای سیاست

خارج ایالات متحده همیشه مورد توجه اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکر آمریکا بوده است.

اندیشکده‌های آمریکا، موسسات مطالعاتی و تحقیقاتی هستند که تاثیر بسزایی در تصمیم‌گیری‌های آمریکا، نه تنها در سطح داخلی بلکه در لایه‌های سیاست‌گذاری خارجی دارند. در حقیقت اندیشکده‌ها نقاط پیوند سیاست‌گذاران با دانشگاهیان هستند. اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکر آمریکا به خصوص در حوزه ایران و برنامه هسته‌ای آن مقاله‌هایی را به سران و تصمیم‌گیران این کشور ارائه داده‌اند. بررسی محتوای این مقاله‌ها ما را با بسیاری از جنبه‌های تصمیم‌گیری در آمریکا آشنا کرده و به درک نقش بازیگرانی چون اندیشکده‌ها در عرصه سیاست‌گذاری آمریکا در قبال ایران کمک بسیاری می‌کند.

شیوه عملی اتاق‌های فکر به روش معمول بدین صورت است که با انجام پژوهش‌ها و ارائه پیشنهادهایی در خصوص مسائل مهم، به انتشار آنها از طریق کتاب یا مقاله و رسانه‌های مجازی اقدام کرده و آن‌گاه به دولت‌ها کمک می‌کنند تا نسبت به جلب نظر نهادهای تصمیم‌گیر به ویژه کنگره اقدام کنند. در این حال اعضای اتاق‌های فکر به عنوان کارشناس حوزه‌های گوناگون وارد شده و مطالب مورد نظر خود و یا دولت‌های حاکم را در کنگره جا می‌اندازند. نفوذ لابی صهیونیستی اپیک در عموم این اتاق‌های فکر کاملاً هویدا و علنی است. آنها سعی می‌کنند که در تدوین و ارائه هر راهبرد و سیاستی، منافع رژیم صهیونیستی را در نظر داشته و اقداماتی را علیه محور مقاومت و به ویژه انقلاب اسلامی ایران ساماندهی می‌کنند.

بنابراین در نوشتار پیش رو به دلایل گوناگون از جمله اینکه دشمن‌شناسی، از دیدگاه اسلام اهمیت بسیاری دارد، چنان که واژه «عدو» به معنای دشمن و مشتقات آن بارها در قرآن کریم آمده و به صورت‌های

گوناگون در آیات متعدد به کار رفته است، می‌پردازیم. قرآن کریم در آیات مختلفی، دشمنان مسلمانان و فعالیت‌های آنان علیه مسلمانان را شناسانده است و از سویی دیگر مقام معظم رهبری نیز بارها به دشمن‌شناسی و افزایش بصیرت توصیه نموده‌اند. همچنین تاکید فراوانی که مقام عظمای ولایت به بحث نفوذ دارند و همگان خصوصاً مسئولان را به هوشیاری در برابر پروژه نفوذ توصیه می‌کنند در صدد برآمده‌ایم تا در دو بخش، اقدامات اتاق‌های فکر و اندیشکده‌های آمریکایی علیه انقلاب اسلامی را معرفی نموده تا بتوانیم با شناخت بیشتر نسبت به این اندیشکده‌ها با هوشیاری کامل و بصیرتی عمیق در برابر آمریکای سفاک ایستادگی کرده و نقشه‌های این جنایتکاران را نقش بر آب کنیم.

اتاق‌های فکر و تدوین سیاست‌های جنگ نرم آمریکا علیه ایران

از دیرباز، هرگاه قدرتی قصد سرنگونی حکومتی را داشت، اگر توان نظامی و قدرت لشکرکشی نداشت یا جنگ را امکان‌پذیر نمی‌دید، می‌کوشید با روش‌های گوناگونی غیر از تهاجم نظامی به هدف خود برسد. امروزه نیز به دلیل پیشرفت‌های شگرف دانش بشری، به وجود آمدن نسل جدیدی از رسانه‌ها، رشد چشمگیر فناوری، و نیز افزایش قدرت دولت‌ها در مقابله با تهاجم نظامی دشمن، رویکرد حکومت‌های استعماری جهان به تهدیدات نرم و جنگ نرم، بیش از پیش تغییر کرده است. مروری بر گزارش‌های اندیشکده‌های آمریکایی و موسسات و نهادهای مربوطه نشان می‌دهد که چگونه برای تحقق جنگ نرم در ایران فعال بوده و نه تنها تصمیم‌های لازم را اتخاذ کرده‌اند، بلکه به صورتی متمرکز، مدیریت و فرماندهی سطوح عالی را برعهده داشته و هزینه‌های لازم را برای عملیاتی کردن آن پرداخت می‌کنند. دشمنان انقلاب اسلامی به ویژه آمریکا نیز تهدیدات نرم علیه ایران را

راهبردی امنیتی معرفی کرده‌اند. نمونه‌ای از این تهدیدات در حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ بر همگان آشکار شد. آگاهی از وجود چنین تهدیدی و نیز آشنایی با شیوه‌های به کار گرفته شده و نیز شناسایی اهداف دشمن در تهدید نرم، سبب افزایش بصیرت سیاسی در همگان می‌شود و آنان را با راه‌های مقابله با آن آشنا می‌سازد. دومین سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های مرتبط با جنگ نرم در ایالات متحده آمریکا، عموماً برعهده نخبگان و اندیشمندانی قرار می‌گیرد که در نهادهایی به نام اتاق فکر حضور دارند و در خدمت اهداف و برنامه‌های صاحبان قدرت که عموماً کارتل‌ها و صنایع بزرگ همچون صنایع پیچیده نظامی، شرکت‌های نفتی بزرگ و احزاب و لابی‌های قدرتمند می‌باشند، قرار می‌گیرند. آمریکا نه تنها به برنامه‌ریزی در حوزه نظریه‌پردازی و نبرد فکری و طراحی جنگ نرم از طریق اتاق‌های فکر اقدام می‌کند، بلکه برای پیاده کردن و عملیاتی کردن آن، وارد عمل شده و موسسات مطالعاتی وابسته به خود را مأمور تهیه و تنظیم راهبردهای لازم و پیاده کردن آن راهبرد می‌کند. اعضای این اتاق‌های فکر در کنگره حضوری فعال پیدا می‌کنند. حضور آنها در جلسات استماع کنگره درباره موضوعی خاص مانند ایران که ماهانه یا دو ماه یکبار برگزار می‌شود، امری عادی شده است و یقیناً نظرات و راهنمایی‌های اعضای برجسته این اتاق‌های فکر در تصمیم‌گیری اعضای کنگره نقش عمده‌ای دارد. در طول سی سال گذشته، حتی یک مورد پیش نیامده است که جلسات استماع کنگره درباره ایران بدون حضور این افراد که همگی در خدمت رژیم صهیونیستی می‌باشند، برگزار شده باشد.

اندیشکده‌های آمریکایی و اقدام علیه انقلاب اسلامی ایران

۱- بنیاد هریتیج:

بنیاد هریتیج در حقیقت در سال ۱۹۷۳ توسط عده‌ای از نمایندگان

محافظه کار کنگره آمریکا تأسیس شد و از آن زمان تاکنون پرچمدار جنبش روشنفکری محافظه کار در آمریکا بوده است. اگرچه منشأ و ریشه این بنیاد به جریان راست جدید بر می گردد، اما نئومحافظه کاران، آزادی خواهان کلاسیک و سنت گرایان محافظه کار در این بنیاد مشغول به فعالیت هستند. بنیاد هریتیج نیز مقالات خود را با رویکردی محافظه کارانه ارائه می دهد.

بنیاد هریتیج همچنین، تمرکز مطالعاتی شدید روی مسائل ایران دارد. به طوری که با اختصاص میزهای متعدد تخصصی در حوزه مطالعات ایران در تدوین سیاست های ضد ایرانی کاخ سفید نقش محوری دارد. بررسی از اسناد منتشر شده توسط بنیاد هریتیج نشان می دهد، از ۱۰۵ مقاله ای که این موسسه در مورد ایران در سال های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ میلادی منتشر کرده است حدود ۹۷ مقاله آن بر افزایش تحریم ها تاکید داشتند یا به حمله نظامی توصیه می کردند و یا براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران را راهکار حل مسئله هسته ای ایران می داند.

پرونده هسته ای ایران، تحریم های سخت علیه ایران و حمایت از فتنه ۸۸ از مهم ترین موضوعات مطالعاتی بنیاد هریتیج است. به طوریکه گفته می شود بخشی از محتوای قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران توسط بنیاد فکری هریتیج تدوین شده است.

هله دیل، کارشناس ارشد دیپلماسی عمومی و ارتباطات استراتژیک در اندیشکده هریتیج، در مقاله خود ضمن تاکید بر کمک به فتنه گران سال ۸۸ و همچنین مبارزه با اسلام گرایان به عنوان وظایف مرکز ارتباطات استراتژیک ضد تروریسم آمریکا، آورده است: ایالات متحده باید طرحی رسمی و ضد اسلامگرایی را شکل دهد که بتواند در بی اعتبارسازی ایدئولوژی اسلامی موثر باشد.

نکته اینکه منظور هله دیل، از ایدئولوژی اسلامی اعتقاد به "جهاد و

شهادت" است که وی تاکید می‌کند باید با آن مبارزه کرد. همچنین، بنیاد هریتیج، لایحه‌ای به نام «روند انتقال دموکراتیک در ایران ۲۰۱۰» به کنگره ارائه کرده است که از تغییر نظام در ایران و کودتای نرم حمایت می‌شود.

۲- موسسه مطالعات سیاسی:

موسسه مطالعات سیاسی آمریکا در مقایسه با بنیاد هریتیج سابقه طولانی‌تری دارد؛ چرا که در سال ۱۹۶۳ یعنی ده سال زودتر از بنیاد هریتیج تأسیس شد. این مؤسسه مطالعاتی در حقیقت به دلیل انتقادهایی که در آن زمان به تحقیقات صورت گرفته در زمینه علوم اجتماعی و سیاست خارجی آمریکا انجام می‌شد، پایه‌گذاری شد. این موسسه رویکردی را دنبال می‌کند که درست در مقابل رویکرد نئومحافظه‌کاری بنیاد هریتیج قرار می‌گیرد. موسسه مطالعات سیاسی آمریکا نظراتش را در غالب اندیشکده‌ای طرفدار دموکرات‌ها ارائه می‌کند. موسسه مطالعات سیاسی نیز از سال ۲۰۱۱ تا ابتدای سال ۲۰۱۲ میلادی در حدود ۱۲۶ مقاله و یا پست اینترنتی در مورد ایران نوشته است که از بین این مقالات تلاش برای تغییر رژیم و افزایش تحریم‌ها را به دولت آمریکا پیشنهاد کرده‌اند.

۳- موسسه خانه آزادی:

یکی از بازیگران غیردولتی ساختار دیپلماسی عمومی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران مؤسسه خانه آزادی است. این بنیاد توسط وندال و یکی در سال ۱۹۴۱ میلادی در واشنگتن بنیان گذاشته شد و خود را به عنوان بازگوکننده ندای راستین دموکراسی و آزادی در کل جهان معرفی کرده است. این موسسه نزدیک به ۸۰ درصد بودجه خود را از دولت آمریکا دریافت می‌کند و الباقی آن را از منابع دیگر مانند بنیاد اسمیت ریچاردسن،

دولت آلمان و دیگر مؤسسات و دولت‌ها تأمین می‌کند. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر مهم‌ترین وظیفه خانه آزادی، مبارزه با اسلام بود در ۳۱ مارس ۲۰۰۶، روزنامه فایننشال تایمز در گزارشی اعلام نمود که خانه آزادی در بین سازمان‌های غیردولتی مختلف مقیم در آمریکا، از سوی وزارت خارجه این کشور به منظور انجام فعالیت‌های مخفیانه و زیرزمینی در داخل ایران انتخاب شده است. از این تاریخ به بعد خانه آزادی به عنوان بخش مهمی از اتاق فکر دستگاه امنیتی آمریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران عمل کرده است.

بر اساس گزارش سالانه ۲۰۰۷، سازمان آزادی، یکی از مهم‌ترین وظایف و اختیارات این سازمان حمایت از ایرانیان مخالف انقلاب اسلامی در جهان است. این سازمان تلاش می‌کند تا از طریق ابزارهای متفاوت ارتباطی همچون اینترنت این افراد را به یکدیگر و یا سایر همفکران خود در خارج از کشور ایران مرتبط سازد. مؤسسه خانه آزادی از چند سال پیش با بودجه ۱۵ میلیون یورویی هلند یک وبسایت و یک مجله اینترنتی را نیز راه‌اندازی کرد. یکی از مهم‌ترین اقدامات خانه آزادی در سال‌های اخیر ترجمه و چاپ برخی کتاب‌ها، مقالات و جزوات در زمینه‌های مختلف همچون اغتشاش، آموزش آموزه‌های انقلاب‌های رنگین و... است. این بنیاد که عمدتاً نزدیک به محافل امنیتی و جمهوری‌خواه است در فتنه ۸۸ در ایران و در حمایت از فتنه‌گران فعالانه عمل کرد.

بنیاد مذکور از طریق برخی ایرانی آمریکایی‌ها و برخی رابطان خود در ایران جزوات آموزشی متعددی را با هدف براندازی نرم در اختیار فتنه‌گران قرار داد. خانه آزادی و وبسایت‌های نزدیک به این بنیاد در سال‌های اخیر نیز به دنبال شبکه‌سازی و حمایت از جریان لیبرال و غرب‌گرا در ایران برآمده‌اند. می‌توان گفت که بخشی از پروژه نفوذ آمریکا در ایران پسا برجام از سوی اتاق فکرهای و رابطان خانه آزادی در ایران و آمریکا هدایت می‌شود.

۴- آمریکن اینترپرایز:

یکی دیگر از اتاق‌های فکر آمریکا، انستیتو تحقیقاتی آمریکن اینترپرایز است که به عنوان اتاق فکر جمهوری خواهان عمل می‌کند. جورج بوش در سال ۲۰۰۷ به این موسسه آمد و در سخنرانی خود در این موسسه گفت: اکنون ۲۰ نفر از اعضای شما عضو ارشد دولت من هستند.

مؤسسه امریکن اینترپرایز در سال ۱۹۴۳ برای تحقیقات در زمینه سیاستگذاری کلان ایالات متحده آمریکا پایه گذارده شد. این سازمان یکی از مهم‌ترین و پرنفوذترین موسسات سیاستگذاری در آمریکا است که با سیاستمداران مرتبط با حزب جمهوری خواه و نومحافظه کار ارتباط گسترده‌ای دارد. اعضای این سازمان که همگی عضو حزب جمهوری خواه می‌باشند از کمک فکری و راهبردی افرادی مثل فرانسیس فوکویاما و ولفوویتز بهره می‌برند. انتخاب جرج دبلیو بوش این سازمان را به رأس قدرت آمریکا نزدیک کرد و اعضای آن و انستیتو اینترپرایز آمریکا در وزارت دفاع و وزارت خارجه مستقر شدند.

مؤسسه امریکن اینترپرایز یکی از مراکز تحقیقاتی در حوزه سیاستگذاری عمومی است. این مرکز که در واشنگتن مستقر است به مدت سه دهه به عنوان یکی از بزرگ‌ترین حامیان و اعضای جامعه نومحافظه کار آمریکا و یکی از مهم‌ترین مراکز سیاستگذاری در این کشور مطرح بوده است.

فعالیت‌های مؤسسه امریکن اینترپرایز از مسائل اقتصادی بازار آزاد تا خط‌مشی‌های امنیتی نظامی را در بر می‌گیرد. این سازمان همواره نگاهی جنگ‌طلبانه به مسائل جهانی داشته و یکی از بزرگ‌ترین حامیان فکری سیاست‌های جنگ‌طلبانه آمریکا طی چند دهه اخیر بوده است. تأثیرگذاری این سازمان با روی کار آمدن جرج دبلیو بوش به اوج خود رسید و اعضای آن بیش از پیش توانستند در سطوح مختلف امنیتی و نظامی دولت آمریکا نفوذ

نمایند. از شخصیت‌های عمده حامی این سازمان می‌توان به جان نگرپونته مسئول سابق امنیت ملی آمریکا، دونالد رامسفلد وزیر پیشین دفاع و جان بولتون سفیر سابق آمریکا در سازمان ملل متحد اشاره کرد. همچنین شخصیت عمده دیگر که حامی این نهاد است دیک چنی، معاون سابق رئیس جمهوری آمریکا در دوره جرج بوش است.

اعضای برجسته اینترپرایز در هنگامی که جمهوری خواهان در حاکمیت هستند به درون دولت می‌روند و زمانی که حزب رقیب به پیروزی می‌رسد، به اتفاق فکر اینترپرایز باز می‌گردند. اتاق فکر "مطالعات واشنگتن" یکی از زیرمجموعه‌های اینترپرایز است که به طور خاص روی ایران کار می‌کند و ترکیبی از عناصر آمریکایی و ایرانی را در خود جای داده است. موسسه امریکن اینترپرایز یکی از این اتاق‌های فکر است که اعضای آن از حامیان سرسخت مقابله با ایران هستند. مایکل لدین از اعضای موسسه مذکور معتقد است که تشنج‌آفرینی در قومیت‌های ایران باید در دستور کار ارتش آمریکا قرار گیرد و ریچارد پرل، رئیس موسسه امریکن اینترپرایز نیز از حمله حساب‌شده به تاسیسات اتمی ایران توسط آمریکا حمایت می‌کند. اما یکی از اقدامات این موسسه علیه انقلاب اسلامی ایران، استفاده از ایرانیان مقیم کشورهای غربی است که معمولاً از مقالات آنان در سایت رسمی خود استفاده می‌کند. برای شناخت دشمنی این موسسه با انقلاب اسلامی ایران همین کافی است بدانیم که بنیامین نتانیاهو در موسسه امریکن اینترپرایز گفت: آمریکا با مبلغ ۳ میلیارد دلار در سال از اسرائیل حمایت می‌کند. اما شما معادل یک و نیم تریلیون دلار در جنگ‌های افغانستان و عراق هزینه کردید و این به ارزش پنج قرن کمک به اسرائیل می‌شود.

مایکل لدین؛ کارشناس مؤسسه امریکن اینترپرایز، لابی و مرتبط سلطنت‌طلبان با کانون‌های قدرت در واشنگتن است. همچنین مایکل لدین

نیز در کتاب‌ها و مقالات متعدد در سایت مؤسسه اینترپرایز مانند مقاله "راهی به تهران" خواستار تغییر رژیم جمهوری اسلامی ایران و حمایت از گروه‌های معارض به ویژه سلطنت‌طلبان شده است.

علی آلفونه یکی از افراد مرتبط با این مؤسسه است. وی به عنوان کارشناس مهمان یکی از مهم‌ترین مقاله‌نویسان مؤسسه امریکن اینترپرایز علیه سپاه پاسداران است که تاکنون مقاله‌های متعددی بر ضد نظام جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نگاشته است. بسیاری از مقاله‌های آلفونه در سایت رسمی مؤسسه امریکن اینترپرایز منتشر شده است. آلفونه هم اکنون عضو مؤسسه امریکن اینترپرایز در مورد مسائل مربوط به سیاست عمومی است و در عین حال در نشریه‌ها و مجلات مختلف از جمله میدل ایست فورم، میدل ایست کوارترلی، نشنال ریویو، رند، واشنگتن تایمز، نیویورک تایمز و اهرام آنلاین مقالاتی علیه سپاه پاسداران منتشر کرده است. وی انتشار مقالات خود علیه ایران را از زمان فتنه ۸۸ آغاز کرد و تاکنون در مقالات متعدد ادعاهای بی‌اساسی بر ضد انقلاب اسلامی مطرح کرده است. دانیل پلتکا، معاون مؤسسه، به همراه افرادی نظیر جان بولتون و دیوید وارمر از دیگر اعضای این مؤسسه می‌باشند که سخنان و مطالب جنگ‌طلبانه آنها علیه ایران همواره در رأس اخبار رسانه‌های نومحافظه‌کاری قرار دارد. همچنین مایکل لدین و روبین دارای روابط نزدیکی با سلطنت‌طلبان هستند.

بازنگری آمریکا در تجاوز نظامی آل سعود به یمن

سید رحیم نعمتی

ایان ماکونهی، سخنگوی نیروی دریایی آمریکا، روز جمعه ۲۹ مرداد کاهش مستشاران آمریکایی در ریاض، پایتخت عربستان سعودی، را اعلام کرد و گفت که در حال حاضر کمتر از ۵ آمریکایی به صورت تمام‌وقت در هسته برنامه‌ریزی مشترک یا همان اتاق عملیات جنگ یمن حضور دارند و این تعداد بسیار کمتر از تعداد نظامیانی است که در زمان اوج خود به ۴۵ نفر رسیده بود و تمام وقت خود را در ریاض یا دیگر پایگاه‌ها می‌گذرانند. احمد عسیری، با اشاره به روابط عربستان و آمریکا گفت که این روابط راهبردی است و «چه بسا واشنگتن تغییراتی در برخی از پایگاه‌ها انجام دهد، اما این تاثیری در روابط مشترک دو کشور ندارد». روشن است که عسیری سعی کرده تا کاهش مستشاران آمریکایی از ۴۵ نفر به ۵ نفر را کم‌اهمیت جلوه دهد، در حالی که این تعداد قابل توجه کاهش پیمای روشن به عربستان در مورد تجاوز نظامی‌اش به یمن است.

پیام آمریکایی

آدام استامپ، سخنگوی پنتاگون آمریکا، در همین موقع و البته به صورت روشن‌تری پیام آمریکا به آل سعود را بیان کرد؛ وقتی که او گفت: «همکاری‌ای که ما از آغاز درگیری با عربستان داشته‌ایم حداقلی بوده و چک سفید امضا نیست» و از نگرانی‌ها مربوط به جنگ یمن و نحوه اداره آن گفت که به قول وی؛ «در بحث‌هایی که با ائتلاف تحت رهبری عربستان داشته‌ایم، بر لزوم به حداقل رساندن تلفات غیرنظامیان تاکید کرده‌ایم». معلوم است که واشنگتن چندان نگران تلفات غیرنظامیان یمنی در تجاوز نظامی آل سعود به

این کشور نیست؛ چرا که کشتن غیرنظامیان و حمله آل سعود به مراکزی مثل بیمارستان‌ها، مدارس، مساجد و کارگاه‌های تولیدی چیز تازه‌ای نیست و از ابتدای این تجاوز و با سلاح‌های اهدایی آمریکا انجام می‌شد، اما به نظر می‌رسید که وضعیت تجاوز نظامی آل سعود به یمن به جایی رسیده که واشنگتن ناچار شده این پیام را به ریاض بدهد. هنوز زود است که بتوان در معنای پیام آمریکا با اطمینان نظر داد و گفت که واشنگتن از ریاض می‌خواهد تجاوز نظامی خود به یمن را خاتمه بدهد، اما باید گفت که نگرانی‌های جدی در این موضوع نیز دارد و نمی‌تواند بار هزینه‌های آن را تحمل کند.

هزینه‌های جنگ

روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز در سرمقاله اخیر خود این هزینه‌ها را به روشنی برشمرده است: «یک باب بیمارستانی که سازمان پزشکان بدون مرز در آن مشغول به کار بود، یک باب مدرسه، یک کارگاه تولید چیپس سیب زمینی، هیچ‌یک از این مراکز از منظر قوانین بین‌الملل هرگز یک هدف نظامی نبودند که هدف حمله قرار بگیرند. اما همه این مراکز در روزهای اخیر به دست هواپیماهای جنگی ائتلاف به رهبری عربستان هدف قرار گرفتند و در اثر آن بیش از ۴۰ غیر نظامی از بین رفتند. آمریکا هم در این قتل عام و خونریزی آلوده است.» نیویورک تایمز به طور مستقیم باراک اوباما، رییس جمهور آمریکا، و دولت او را مورد خطاب قرار می‌دهد که تنها به دلیل ملاحظات سیاسی چشم خود را بر این حملات بسته و برای سود بیشتر حدود ۱۱۰ میلیارد دلار سلاح به آل سعود فروخته و حالا هم قصد فروش ۱،۱۵ میلیارد دلار دیگر سلاح دارد. تلاشی در کنگره به راه افتاده تا جلوی فروش این مقدار سلاح گرفته شود؛ چرا که به عقیده کریس مورفی، سناتور از ایالت کنکتیکات، رد پای آمریکا در تک تک موارد کشتار غیرنظامیانی دیده می‌شود که در یمن از بین می‌روند.

این سرمقاله نیویورک تایمز یک نمونه از انتقاد به تجاوز نظامی آل سعود به یمن و نقش آمریکا در آن است که این روزها در رسانه‌های آمریکایی و دیگر کشورهای غربی دیده می‌شود. روزنامه اکونومیست در گزارش مفصلی به این ابعاد موضوع پرداخته و با مقایسه‌ای با حضور نظامی روسیه در جنگ سوریه، دامنه تجاوز نظامی عربستان را بسیار گسترده‌تر از عملیات روسیه در سوریه می‌داند. اکونومیست به شواهدی استناد می‌کند در آنها استفاده آل سعود از بمب‌های ممنوع خوشه‌ای تایید شده است؛ بمب‌هایی که ساخت انگلیس است و آل سعود از آنها برای بمباران «مراکز درمانی، انبارها، کارخانه‌ها و حتی مساجد» استفاده می‌کند. حمله هوایی آل سعود به یک بیمارستان متعلق به سازمان پزشکان بدون مرز اوج این دست حملات بود که باعث شد این سازمان در اقدامی معترضانه تصمیم بگیرد تا تمام کارکنان خود را از شش بیمارستان دیگر در شمال یمن خارج کند. تصمیم این سازمان بر حجم انتقادات نسبت به حمایت آمریکا از تجاوز نظامی آل سعود به یمن بی‌تاثیر نیست و به همین علت هم سخنگوی پنتاگون موضوع چک سفید امضا را پیش کشیده است؛ به این معنا که آمریکا دیگر حاضر نیست به هر قیمتی از تجاوز نظامی آل سعود حمایت کند.

شتاب در چاره‌جویی

شاید واشنگتن فکر می‌کرد که مذاکرات طولانی صلح جنگ یمن در کویت بتواند در نهایت به نتیجه‌ای برسد. اما زیاده‌خواهی آل سعود و ایستادگی جبهه مقاومت یمنی بر مواضع بر حق خود این مذاکرات ۹۹ روزه را بدون نتیجه به پایان رساند. آل سعود که پی برد از مذاکرات بهره‌ای نمی‌برد دوباره به موضع جنگ‌طلبی خود برگشت به این امید که با حجم بالای حملات هوایی نیروهای مقاومت یمنی را در نهایت مجبور به عقب‌نشینی از صنعا، پایتخت یمن، کند اما تسلط نیروهای جبهه مقاومت بر مناطق کوهستانی اطراف یمن و نزدیکی دریای سرخ موجب می‌شود تا مثل

گذشته، این بار هم آل سعود ناکام بماند. تنها نتیجه این موج از حملات آل سعود در کشتار غیرنظامیان است که افزایش آن در روزهای اخیر مشاهده شده و همین نیز آمریکا را بر آن داشته تا برخلاف گذشته مشاوران خود را از این جنگ کنار بکشد. در واقع، واشنگتن متقاعد شده که دیگر نمی‌توان جنگ یمن را از راه نظامی به جایی رساند و ناکامی توان نظامی آل سعود در این جنگ را پذیرفته و می‌خواهد تا مسأله را از طریق دیپلماسی دنبال کند.

سفر جان کری، وزیر خارجه آمریکا، به ریاض در روزهای آینده برای شرکت در مذاکراتی با مشارکت وزیر خارجه بریتانیا، عربستان و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در همین مقوله قرار دارد. باید توجه داشت که بریتانیا از زمان آمدن بوریس جانسون به وزارت خارجه موضع خود را در قبال جنگ یمن تغییر داده و دیگر موضع فیلیپ هاموند، وزیر خارجه پیشین، را ندارد که منکر نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی در جنگ یمن از سوی ائتلاف تحت رهبری آل سعود بود. دولت بریتانیا مثل اواما تحت فشار رسانه‌ها و افکار عمومی در مورد جنگ یمن و کشتار غیرنظامیان توسط آل سعود است و حالا به کمک اواما می‌آید تا در نشست مشترک با آل سعود و متحدانش به فکر چاره‌ای باشد.

واضح است که این چاره‌جویی آمریکا و بریتانیا از سر ناچاری و شتاب‌زده است. اما همین حد دلالت بر این نکته دارد که نمی‌توان به این وضعیت ادامه داد و باید قبل از آن که فاجعه‌آفرینی آل سعود در یمن غیر قابل کنترل شود، فکری برای حل موضوع کرد. تنها گزینه موجود راه حل سیاسی از طریق گفتگو و دیپلماسی است و حالا که شورای عالی سیاسی یمن به امضای نمایندگان پارلمان این کشور رسیده، می‌توان راه حل تازه‌ای یافت؛ به خصوص این که روسیه این شورا را تایید و حمایت کرده است. توجه به این شورا در فرمول دیپلماسی واشنگتن را باید بعد از این دید. اما یک نکته روشن در این فرمول بازنگری نسبت به ۱۷ ماه تجاوز نظامی آل سعود به یمن است که دیگر فرصتی برای آن نمانده است.

صورت شیطانی استکبار در قرآن با تاکید بر دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب

دکتر علی مرادزاده

مقدمه

عالم هستی به ویژه موجودات مکلف فرازونشیب‌های فراوانی به خود دیده است. در فرایند زیست اجتماعی بشر برخی نقاط عطف تاثیرات سرنوشت‌سازی در حیات انسان داشته‌اند. این نقاط عطف در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به انحای مختلف قابل دسته‌بندی و بررسی هستند، اما آنچه در این نوشتار به عنوان نقطه تمرکز و یا دال مرکزی بحث قرار می‌گیرد مقوله روحیات و رفتارهای شیطانی است. روحیات و رفتارهای شیطانی گاهی در قامت فرد پدیدار می‌شود و خباثت‌های شگفت‌انگیزی از خود بروز می‌دهد و زمانی هم در جایگاه اجتماعی و فرهنگی و سیاسی ظاهر می‌شود که با استفاده از نفوذ و قدرت خسارت‌های جبران‌ناپذیری بر جای می‌گذارد.

با این توصیف باید به این سوال‌ها پاسخ داد که صورت شیطانی استکبار در قرآن کریم چیست؟ و خداوند متعال چگونه این موجود وسوسه‌گر و همراه‌کننده را توصیف کرده است؟ استکبار در جایگاه قدرت‌های سلطه‌گر چه شاخص‌هایی دارد و چگونه باید با آن مقابله کرد؟ صورت شیطانی استکبار در اندیشه سیاسی رهبر معظم انقلاب با چه ادبیاتی توصیف شده است؟

پیشینه و سابقه موضوع

بررسی نقش شیطان در تباهی انسان و جامعه انسانی ریشه‌ای به درازای تاریخ بشر دارد. روحیه و رفتارهای شیطانی در حوزه فردی و اجتماعی تا

جایی ویرانگر بوده است که سقوط تمدن‌ها و استحاله و انحراف فرهنگ‌ها و توقف افتخارات انسانی را در پی داشته است. شیطان با سرپیچی از فرمان الهی به نخستین پیامبر برگزیده سجده نکرد و بدین واسطه از درگاه ربوبی رانده شد. شیطان بر این اساس دست‌بردار نبود و تمام نفوذ و توان خود را برای انتقام از انسان و جامعه انسانی به کار برد.

شیطان امت‌های نوح، موسی، عیسی، صالح، لوط و دیگر امت‌ها را با وسوسه جذاب خویش به تباهی کشاند. این وسوسه‌ها آنچنان تاثیرگذار بود که در اغلب موارد مردم را از مکتب هدایت‌گر و حیات‌بخش رسولان الهی دور ساخت. تکثیر و تکرار مذاهب، فرقه‌ها و نحله‌های مختلف در بسیاری از موارد با وسوسه شیطان رخ داده است. منازعات خونین پیروان ادیان با یکدیگر محصول طرفندهای شیطانی بوده و بسیاری از امپراتوران با وسوسه‌های شیطانی و هواهای نفسانی خود به قتل و غارت پرداخته‌اند. با وجود این ویژگی‌های شیطانی در وجود بسیاری از انسان‌ها و در قاموس بسیاری از رژیم‌ها ریشه دوانیده و خوی و خصلت شیطانی و استکباری در آنها نهادینه شده است.

امروز آمریکا، انگلیس و صهیونیسم بین‌الملل مظهر اصلی صفات شیطانی هستند. ناامنی‌ها، تحریکات و منازعات در گوشه و کنار جهان ناشی از مداخلات و تحریکات و شیطنت‌های آنها شکل می‌گیرند و گسترش می‌یابند. نقش شیطان در انحراف و انحطاط و گمراهی انسان از جمله معدود مسائل و موضوعاتی است که در میان پیروان ادیان و حتی در میان بشریت از اجماع لازم برخوردار است و تردیدی نیست که سعادت و کمال انسان و جامعه بشری تنها در گرو دوری از وسوسه شیطان و نظام‌های شیطانی است. چنین مقام مطلوبی با انسان‌سازی و پاک‌سازی جامعه تحقق می‌یابد.

مفاهیم کلیدی

۱- شیطان

شیطان موجودی از جن بود که به واسطه کثرت عبادت تقرب پیدا کرد و با ملائکه ارتباط داشت، اما این عبادات باعث تکبر او شد. شیطان عبادت کرد اما روحیه عبودیت او ضعیف بود بدین خاطر استکبار ورزید و به فرمان الهی در سجده بر حضرت آدم عمل نکرد و رانده شد.

در قرآن کریم مطالب بسیار مهمی پیرامون «شیطان» آمده است که هر عاقلی را سخت تکان می‌دهد و به تأمل جدی وا می‌دارد. شیطان نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس بود «و کان الشیطان لربه کفورا» (اسراء/۲۷). شیطان نسبت به پروردگارش نافرمان بود «ان الشیطان کان للرحمن عصیا» (مریم/ ۴۴). شیطان دشمن آشکار انسان است «ان الشیطان للانسان عدو مبین» (یوسف/۵). شیطان بسیار شکست‌دهنده و خوارکننده است «و کان الشیطان للانسان خذو لا» (فرقان/ ۲۹). «فاز لهما الشیطان فاخرجهما مما کان فیه» (بقره/ ۳۶). شیطان تصمیم دارد بنی آدم را به سرنوشت پدر و مادرشان مبتلا کند پس باید شدیداً از فتنه او برحذر باشید «یا بنی آدم لا یفتننکم الشیطان کما اخرج ابویکم من الجنه» (اعراف/۲۷).

شیطان در حقیقت مانع و سد تکامل انسان، به سوی تقرب خدا است. شیطان از خداوند، مهلت خواسته که تا روز قیامت در انسان‌ها القای وسوسه کند. شیطان قسم یاد کرده که همه انسان‌ها به جز مخلصین را به گمراهی بکشانند. همه انسان‌ها حتی اولیا و متقیان از شر او، ایمن و مصون نیستند و در قرآن کریم شیطان به عنوان مظهر فساد و منشأ بدی‌ها معرفی شده که انسان را از روشنایی ایمان به تاریکی کفر و شرک دعوت می‌کند و در احادیث، مبارزه با این دشمن درونی که همان نفس اماره می‌باشد به عنوان جهاد اکبر، معرفی شده است.

برای نجات از شر این دشمن خطرناک باید «استعاذه» کرد. خداوند متعال، به پیامبر می‌فرماید که چون از شیطان رجیم به تو وسوسه‌ای رسید از خداوند متعال پناه بخواه؛ زیرا او شنوای داناست «اما نیز عنک من الشیطان نزع فاستعذ بالله سمیع علیم». پناه‌خواهی از خداوند عالی‌ترین مراحل پناهندگی و بزرگ‌ترین ضامن اجرای مقررات اخلاقی است. کسانی که به خدا ایمان دارند و از روی حقیقت او را یگانه معبود شایسته پرستش می‌دانند بر هوایپرستی، مال‌پرستی، شهوت‌پرستی و نظایر اینها نمی‌گیرند.

واژه شیطان در قرآن کریم به صورت مفرد هفتاد بار و به صورت جمله شیاطین هجده بار به کار رفته است و شیطان اسم عام است برای هر موجود متمرّد شریر. شیطان احیاناً در روایات بر موجودات موذی و مضر هم اطلاق می‌شود و این کلمه در واقع وصف است نه اسم علم. اکثر لغت‌شناسان اصل کلمه شیطان را از «شطن یشطن» به معنای دور شده از خیر می‌دانند و در مورد عربی بودن با غیر عربی بودن این کلمه میان لغت‌شناسان اختلاف وجود دارد، ولی اکثریت لغت‌شناسان آن را عربی و مشتق از ابلیس می‌دانند که به معنای کسی است که از رحمت خدا مأیوس شده است و کلمه ابلیس نیز یازده بار در قرآن کریم آمده است.

۲- استکبار

استکبار از تکبر ورزیدن در برابر خالق هستی و سرپیچی از وحی الهی است. همان کاری که شیطان مرتکب شد قدرت‌های شیطانی هم مرتکب می‌شوند. زمانی فرعون‌ها ادعای خدایی و برتری و استکبار می‌کردند و در عصر حاضر، آمریکا به عنوان نماد استکبار است. نظام سلطه‌گر شامل مثلث شوم آمریکا، انگلیس و صهیونیسم بین‌الملل اکنون بر تمامی مقدرات بشر حاکم شده‌اند و انسان‌ها و ملت‌ها و دولت‌ها را به تبعیت از خود به دوری از خدا و دین حق فرا می‌خوانند. استکبار جهانی امروز با جمهوریت ایران مشکل

دارد؛ چرا که دست وی را از راهبردی‌ترین منطقه غرب آسیا کوتاه کرده است. استکبار با اسلامیت هم مشکل دارد، ولی با اسلامی که امام راحل(ره) مفسرش بود و اکنون رهبر معظم انقلاب منادی و پرچمدار آن است؛ یعنی اسلام ناب محمدی(ص)، و گر نه این همه مسجد در عربستان نماز می‌خوانند و هیچ کس ترسی از آن مسجد و از آن اسلام ندارد که اسلام آمریکایی با اسلام سیاسی حامی عدالت علوی(ع) و نهضت حسینی(ع) هراس دارد نه از اسلام سلطنتی کاخ‌های سبز اموی و وهابی و سکولار.

مستکبران در قرآن کریم در جریان پیشبرد اهداف استکباری از سیاست‌هایی در مقام ترفند برای اغفال هرچه بیشتر طرفداران جبهه استکباری و همچنین سست کردن بنیان‌های اعتقادی جبهه مستضعفین مدد می‌جویند.

آیت‌الله خامنه‌ای از ابتدای برعهده گرفتن مسئولیت رهبری جمهوری اسلامی تاکنون، در تداوم خط مشی معمار کبیر انقلاب حضرت امام خمینی(ره)، پیوسته راهبرد استکبارستیزی را سرلوحه کارها قرار داده‌اند و ابرقدرت جهانی یعنی آمریکا را به عنوان اصلی‌ترین آماج این راهبرد معرفی کرده‌اند. به عبارت دیگر ایشان همچون امام راحل یک رابطه غیریت‌شدید میان انقلاب اسلامی و دولت آمریکا تعریف نموده و علی‌رغم وجود برخی صداهایی که گه‌گاه در داخل در حمایت از نزدیکی به آمریکا بلند می‌شود، در جایگاه ترسیم‌کننده جهت‌گیری‌های کلان سیاست خارجی کشور ضمن اتخاذ مواضع صریح و روشن، همواره ترک مخاصمه و دوستی با ابرقدرت نظام بین‌الملل را در صورت تداوم خوی استکباری آن ناممکن ارزیابی کرده‌اند. برای مثال در اول فروردین‌ماه ۱۳۸۸ در حرم مقدس رضوی عنوان کردند: «تا وقتی دولت آمریکا روش خود را، عمل خود را، جهت‌گیری خود را، سیاست‌های خود را مثل این سی سال علیه ما ادامه دهد، ما همان آدم سی

سال قبل، همان ملت این سی سال هستیم».

استکبار یک مفهوم؛ آمریکا یک مصداق است

از منظر رهبر معظم انقلاب راز عداوت دیرینه نظام اسلامی با آمریکا در این نکته نهفته است که آمریکا بی‌تردید بارزترین مصداق برای مفهوم استکبارگری در دوران معاصر به شمار می‌آید. ایشان به صراحت اظهار می‌دارند: «برای ما آمریکا خصوصیتی هم ندارد... مسأله ما، مسأله استکبار است؛ منتها دولت آمریکا دولت مستکبری است. هر دولت دیگر هم که همین خصوصیت را داشته باشد، بخواهد زور بگوید و بخواهد فشار بیاورد، ملت ایران با او همین طور خواهد بود». پس آنچه که اصالت دارد استکبار است و آنچه که آمریکا را به خصمی غیر قابل معاشرت بدل می‌سازد، همانا روح استکباری نهادینه‌شده در ذات آن است. ایشان همچنین بر این نکته تأکید می‌ورزند که استکبارستیزی و به تبع آن آمریکاستیزی، نه سیاستی ساخته و پرداخته دولتمردان جمهوری اسلامی بلکه نشأت گرفته از بطن تعالیم عالیه اسلام است و ما به اقتضای مسلمانی ملزم به عمل بر وفق آن هستیم. با این حساب راهبرد استکبارستیزی به عنوان جهت‌گیری اصلی انقلاب اسلامی در عرصه سیاست خارجی، بر شالوده اصول سیاسی و بین‌المللی اسلام استوار است و برای ریشه‌یابی آن می‌بایست به بررسی در آیات قرآن کریم بپردازیم.

تقابل واقعی ساختار دوقطبی جهان از آغاز خلقت

اسلام با رویکردی کلان، نظام جهانی را به صورت دو قطبی می‌نگرد و دو جبهه ایدئولوژیک را رویاروی یکدیگر می‌نشانند که در یک سو جبهه حق با عناوینی چون «اولیاء خدا»، «حزب‌الله» و «مستضعفین» و در سوی مقابل، جبهه باطل با عناوینی نظیر «اولیا طاغوت»، «حزب‌الشیطان» و یا «مستکبرین» قرار دارد. نقطه آغاز کشمکش و جدال حق و باطل، ماجرایی

خلقت انسان و استنکاف شیطان از اجابت فرمان الهی برای سجده در برابر آدم بوده است. از آن زمان شیطان نخستین سنگر مخالفت و عناد را در برابر حق تعالی بنا می‌نهد و جدالی را آغاز می‌کند که در سراسر تاریخ با اشکال و صبغه‌های گوناگون بین رهروان او و مؤمنان به خداوند - یا به عبارت دیگر دو جناح خیر و شر- در جریان بوده و تا پایان تاریخ نیز به همین منوال ادامه خواهد داشت.

رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «اصلاً مفهوم استکبار در قرآن همین است که عنصری یا شخصی یا جمعی یا جناحی، خود را بالاتر از حق به حساب آورد و زیر بار حق نرود و خود و قدرتش را ملاک حق قرار بدهد. اولین مستکبر در تاریخی که قرآن برای ما ترسیم می‌کند، ابلیس است: "ابی واستکبر"؛ او اولین مستکبر است». این رویارویی میان دو جناح حق و باطل، ماهیتی گذرا و مقطعی ندارد، بلکه در طول تاریخ و در زمانی به درازای عمر حضور بشریت بر روی سیاره خاکی مستدام بوده است، یعنی از ابتدای هبوط آدم بر زمین تا امروز، زمینیان یا در جبهه حق به رهبری پیامبران و اولیای الهی و یا در جبهه باطل به سرکردگی شیطان گرد آمده‌اند. قرآن کریم صفتبندی میان دو جناح مذکور را در آیه ۷۶ از سوره نساء آشکارا به تصویر می‌کشد: «الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت فقاتلوا اولیاء الشیطان انّ کید الشیطان کان ضعیفاً» (نساء/ ۷۶)؛ "کسانی که ایمان آورده‌اند، در راه خدا جهاد می‌کنند و کافران در راه طاغوت می‌جنگند. پس با یاران شیطان نبرد کنید؛ زیرا حيله شیطان قطعاً ضعیف است".

آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به این رویارویی مستمر تاریخی چنین می‌فرماید: «ممکن نیست فرض کنیم که یک مسلمان یا مؤمن یا موحد، حتی یک روز یا یک لحظه، از دشمنی با ابلیس و شیطان منصرف بشود. اصلاً

خط اسلام، یعنی خط ضد ابلیس و شیطان. در طول دعوت انبیاء، مستکبران کسانی بودند که دعوت الهی و توحید را قبول نکردند و با آن به مقابله برخاستند و زور گفتند: *قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبٌ*. وقتی پیامبر سخن حق می‌گوید و مردم را به حق دعوت می‌کند، مستکبران می‌گویند: اگر زیاد حرف بزنی، تو را اخراج می‌کنیم».

سرنوشت نهایی و عاقبت تقابل دو جبهه اسلام با استکبار

اگر تاریخ را همچون یک لوکوموتیو تصور کنیم، از نظرگاه اندیشه اسلامی این لوکوموتیو تحت تأثیر قوانین متافیزیکی کیهانی بر ریلی قرار گرفته است که آن را به سوی ایستگاه آخر سیر می‌دهد. اسلام ایستگاه آخر را نابودی حتمی تمامی نیروها و ایدئولوژی‌های الحادی و غلبه اجتناب‌ناپذیر حق‌پرستان و سرانجام، تحقق ایده‌آلیسم اسلامی تحت لوای هژمونی یک «دولت جهانی» به رهبری واپسین بازمانده از نسل رهبران الهی می‌داند. آیه ذیل به روشنی گویای این حقیقت ناب است: *«إِن يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَ تِلْكَ الْآيَاتُ نَادُوهُمْ بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ، وَ لِيَمْحُصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَحْمَقَ الْكَافِرِينَ»*: گر زخمی به شما می‌رسد، آن قوم (کافران) را نیز زخمی همانندش رسید و این ایام پیروزی را میان آدمیان به نوبت می‌گردانیم تا خدا کسانی را که ایمان آوردند بشناسد و از ایشان شهیدانی بگیرد و خدا ستمکاران را دوست نمی‌دارد [گرچه گاه پیروزی را نصیبشان سازد] و تا خدا کسانی را که ایمان آوردند از عیوب و ناخالصی‌ها پاک نماید و کافران را از بین ببرد. (آل عمران / ۱۴۱-۱۴۰).

باید توجه داشت که در آیه مذکور، کلمه «مَحَق» به معنای کاهش و نابودی تدریجی است. پس این مفهوم از آن مُستفاد می‌گردد که مطابق سنت الهی، حیات کفر و شرک به تدریج به ورطه نابودی می‌رود، کافران از صحنه

روزگار محو شده و حکومت واحد جهانی تشکیل خواهد شد. رهبر معظم انقلاب نیز در بیانی که از اعتقاد راسخ ایشان به این نویدِ محتوم قرآنی حکایت دارد، بر قطعی بودن غلبه جبهه حق و اضمحلال جبهه استکباری طاغوت در پایان رویارویی تاریخی صحه می‌گذارند: «ما یقین داریم که در این کارزاری که بین حق و باطل، امروز راه افتاده است- کارزار بین اسلام و معارف اسلامی و بیداری اسلامی از یک سو، و طمع‌ورزی‌های استکباری سیاست‌های شیاطین عالم و در رأس آنها شیطان بزرگ یعنی دولت آمریکا از یک طرف دیگر- پیروزی با ماست؛ پیروزی با طرف حق است. در این هیچ تردیدی وجود ندارد. همه قرائن این را نشان می‌دهند و تأیید می‌کنند. طبیعت سنن الهی هم همین است؛ یعنی غیر از این معنی ندارد. آن گروهی که طرفدار حقند اگر بایستند و اقدام نکنند، شکی نیست که بر باطل پیروز خواهند شد».

رهبر انقلاب از دریچه این الگوی دوقطبی قرآنی به محیط بین‌الملل می‌نگرند. بنابراین خط‌مشی کلان انقلاب اسلامی را همواره بر مبنای تقابل بنیادین با بلوک استکبار جهانی ترسیم می‌کنند. امروزه همگان معترفند که جمهوری اسلامی در صف اول مبارزه با مستکبران مخصوصاً آمریکا ایستاده و مقاومت در برابر سلطه‌گری ابرقدرت جهانی را به عنوان سیاست راهبردی خود تعریف کرده است. اما باید توجه داشت که مسأله «دگرسازی» از آمریکا و پای فشاری بر موضع قهر و مخاصمه، ناشی از سلیقه و صلاحدید شخصی رهبر ایران یا سایر دولتمردان نبوده بلکه در راستای اجرای نقشه راه مصرّح قرآن کریم پیرامون جدال تاریخی دو جبهه مؤمنان و مستکبران صورت می‌پذیرد. در حقیقت رویکرد استکبارستیزی پیامد طبیعی درون‌مایه انقلابی و ایدئولوژیک نظام اسلامی به حساب می‌آید و این مسأله می‌تواند چارچوب مناسبی را برای تحلیل درست رفتار سیاسی ایران در اختیار پژوهش‌گران قرار

دهد.

برنامه‌ها و اقدامات شیطانی استکبار

۱- تبلیغات گمراه‌کننده و اغواگر

در منطق قرآن کریم یکی از مهم‌ترین ابزارها و حربه‌های شیطان و استکبار تبلیغات گمراه‌کننده است. «وَاسْتَفْزِرْ مَنْ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ» (اسراء/ ۶۴) که به معنی هرگونه تبلیغات گمراه‌کننده که در آن از وسایل صوتی و بصری استفاده می‌شود، جهت انحراف از راه حق تفسیر کرده‌اند.

۲- فشار و تحریم اقتصادی و در مضیقه قرار دادن انسان‌ها و

ملت‌ها

تحریم و محاصره اقتصادی از شیوه‌های مؤثر و متداولی است که از زمان‌های قدیم برای مواجهه با دیگران کاربرد داشته و اکنون هم دارد. برای سرکوب انقلاب‌های توحیدی، مستکبران در طول تاریخ از این روش کمک جسته‌اند. محاصره حضرت رسول(ص) و یارانشان در شعب ابی‌طالب و محاصره امام حسین(ع) و هم‌زمانشان در عدم دستیابی به آب نمونه‌های تاریخی در این باره هستند. قرآن درباره منافقان عهد حضرت رسول(ص) می‌فرماید: «أَنهَا كَسَانِي هَسْتَنْد كَه بَه يَكْدِيْغَر مِي‌گویند: بَه كَسَانِي كَه نَزْد پيامبر خدايند انفاق مكنيد تا پراكنده شوند. حال آنكه گنجينه‌های آسمان‌ها و زمين از آن خداست ولي منافقان درنمی‌يابند» (منافقون/ ۷).

۳- فریب و اغفال ساده‌لوحان

براساس آیه ۶۴ سوره مبارکه اسراء استفاده از وعده‌های مغرورکننده و انواع فریب‌ها و نیرنگ‌ها، یکی دیگر از برنامه‌های شیطان است، آنها روانشناسان ماهر را برای اغفال و فریب مردم ساده‌دل و حتی هوشیار

تربیت کرده‌اند.

۴- مرعوب‌سازی و تهدید

وقتی فرد یا جماعتی از نظر روحی شکست خورد و در مقابل دشمن احساس ضعف کرد، تسلط بر او کار دشواری نخواهد بود. پس در رقابت‌ها و مبارزات علیه یکدیگر، ابتدا سعی بر این است که طرف مقابل را با تهدیدها از میدان بیرون و با ترس افکندن روحیه او را تضعیف کنند و بعد در صورت مقاومت، مراحل بعدی عملیات را شروع کنند؛ مانند حربه فرعون در تهدید پیروان حضرت موسی (طه/ ۷۱).

۵- شکستن حس اعتماد به نفس و تحقیر

چنانچه کسی را تحقیر کنید می‌توانید بر او تسلط روانی پیدا کنید. در طول تاریخ مستکبران پیوسته بدین شیوه عمل کرده و بر مردم حاکم شده‌اند. فرعون از جمله مستکبرانی است که از این شیوه برای حاکم شدن بر اراده مردم استفاده کرد: «پس قوم خود را سبک‌مغر یافت [و آنها را فریفت] و اطاعتش کردند؛ چراکه آنها مردمی منحرف بودند» (زخرف/ ۵۴).

۶- متهم ساختن

مستکبران همواره رهبران حق و رسولان خدا را متهم به اموری می‌کردند تا دعوت راستین ایشان را دروغین نشان دهند و بدین وسیله مردم را علیه ایشان برانگیزانند. فرعون هنگامی که با دعوت موسی (ع) روبه‌رو می‌شود، برای خنثی کردن اثر دعوت او بر اطرافیانش، درصدد توجیه معجزات موسی برآمد و به اطرافیان خود گفت: «واقعاً این ساحری بسیار داناست» (شعراء/ ۳۴). فرعون فکر می‌کرد چون در آن زمان سحر رایج بود، این اتهام بهتر از هر چیز دیگر مؤثر واقع خواهد شد.

۷- تطمیع

دولت‌ها و انسان‌هایی که به دنبال استخدام افراد در جهت اهداف خود هستند، افراد حریص را با وعده‌های دنیوی به سوی خویش می‌کشند. تطمیع به عنوان یکی از ابزار جذب افراد و گروه‌ها در انحطاط و سقوط از مسیر الهی، در طول تاریخ در سطوح فردی و بین‌المللی کاربرد داشته است. هنگامی که قرار بر این شد تا موسی(ع) با ساحران تحت حاکمیت فرعون رقابتی داشته باشد، فرعون به ساحران وعده داد در صورتی که بر موسی(ع) غالب شوید «حتماً از [زمره] مقربان خواهید شد» (شعراء / ۴۱ و ۴۲).

۸- تحریک احساسات و دور کردن افراد از عقلانیت

فرعون برای اینکه مردم را در مقابل موسی قرار دهد، دعوت او را توطئه‌ای برای اخراج مردم از سرزمینشان به حساب می‌آورد و می‌گوید: «ای موسی آمده‌ای تا با سحر خود ما را از سرزمینمان بیرون کنی؟» (طه / ۵۷). این تهمت، تهمتی سیاسی است تا بدان وسیله افکار عمومی را علیه او بشوراند و او را دشمن ملت معرفی کند، دشمنی که می‌خواهد با نقشه‌هایش آنان را از وطن، آب و خاکشان بیرون کند.

۹- فضاسازی سیاسی روانی و مدیریت اذهان

اگر فضای سالم بر جامعه حاکم باشد، وجدان‌های پاک و فطرت‌های سالم انسان‌ها به دنبال حق خواهند رفت. بنابراین سعی شیاطین این است که حق را با باطل درهم آمیزند و باطل را به عنوان حق به مردم تحمیل کنند. یکی از نیرنگ‌های سیاست‌بازان این است که هرگاه حادثه مهمی بر خلاف میل آنها واقع شود برای منحرف ساختن افکار عمومی از آن، فوراً دست به کار خلق صحنه تازه‌ای می‌شوند که افکار توده‌ها را به خود جلب و از آن حادثه نامطلوب منحرف و منصرف کنند.

۱۰- شایعه‌سازی و دروغ‌پراکنی

شایعه در اشکال مختلف آن، سلاحی خطرناک در خدمت جنگ روانی است و برای تخریب روحیه انسان‌ها، تضعیف و فلج کردن اندیشه آنها به کار می‌آید. قرآن کریم به بسیاری از شایعاتی که از سوی ضعیف‌النفس‌ها، منافقان و یهودیان ساخته و پرداخته شده، اشاره کرده است.

۱۱- سازش‌کاری

همواره از جمله مهم‌ترین اصول مبارزه مستکبران با نهضت‌های الهی، سیاست گام به گام بوده است. شیاطین جن و انس برای نفوذ در یک فرد متعالی یا یک نظام الهی به تدریج و با احتیاط و طبق برنامه عمل می‌کنند. اگر اقداماتی که در لحظات اولیه برای به سازش کشیدن یک نهضت انقلابی صورت می‌گیرد با عکس‌العمل شدید رهبران انقلاب روبه‌رو نشود، دشمنان را در مقابله با آن حرکت دینی حریص‌تر و امیدوارتر می‌کند. قرآن تمایل مستکبران را در به سازش کشیدن رهبران دینی، اینگونه بیان می‌دارد: «دوست دارند که نرمی کنی تا نرمی کنند» (قلم/۹). مراد این است که دوست دارند کمی تو از دینت مایه بگذاری، کمی هم آنان از دین خودشان مایه بگذارند و هر یک درباره دین دیگری مسامحه روا بدارد (علامه طباطبایی، المیزان: ج ۱۹، ص ۶۲۱).

آمریکا «طاغوت اعظم» و «شیطان اکبر» است

حضرت آیت الله خامنه‌ای در جمع شرکت‌کنندگان سی و سومین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، با تاکید بر اینکه آمریکا «طاغوت اعظم» و «شیطان اکبر» است، گفتند: «امروز مهم‌ترین وظیفه علما، روشنفکران و نخبگان، روشنگری در قبال فریبکاری‌های دشمنان است و امت اسلامی نیز باید فریب وعده‌های قدرت‌ها را نخورد و از تهدیدهای آنها نهراسد».

رهبر معظم انقلاب اسلامی، قرآن را محور «وحدت امت اسلامی» خواندند و افزودند: «در شرایطی که سیاست‌های استکبار بر ایجاد اختلاف و درگیری میان مسلمانان متمرکز است، امت اسلامی باید با تمسک به این نعمت بزرگ الهی در مسیر وحدت و انسجام حرکت کند». معظم‌له با اشاره به تلاش گسترده قدرت‌های طاغوتی برای ضربه زدن به اسلام و امت اسلامی، گفتند: «آنها می‌دانند که اگر مسلمانان قدرت داشته باشند، قادر به ظلم به ملت‌ها نیستند و موضوع فلسطین به‌عنوان غصب یک کشور اسلامی به فراموشی سپرده نخواهد شد».

رهبر معظم انقلاب اسلامی، با اظهار تأسف از تمسک برخی کشورهای اسلامی به طاغوت به جای تمسک به خدا، تأکید کردند: «کشورهایی که در منطقه، مجری سیاست‌های آمریکا هستند، در واقع به امت اسلامی خیانت و زمینه نفوذ آمریکا را فراهم می‌کنند». ایشان، ایمان و پایداری ملت ایران و ایستادگی آنان در مقابل زیاده‌خواهی‌های آمریکا را عامل اصلی اقتدار جمهوری اسلامی ایران دانستند و تأکید کردند: «علت هراس قدرت‌ها از ملت ایران و انواع توطئه‌ها برضد این ملت، اقتدار بر مبنای اسلام است و دشمن از اسلام مقتدر می‌ترسد».

رهبر معظم انقلاب اسلامی، ظهور گروه‌های تروریستی تکفیری در منطقه و ایجاد جنگ و اختلاف میان مسلمانان به نیابت از دشمنان را نتیجه گمراهی و فقدان روشنگری برشمردند و تأکید کردند: بدون تردید «جبهه کفر»، سرانجام در مقابل «جبهه اسلامی مبارز و مجاهد» وادار به عقب‌نشینی خواهد شد.

تفرقه و اختلاف، حربه کارآمد استکبار

شیطان منادی تفرقه و اختلاف است تا انسان‌ها را به جان یکدیگر انداخته و انتقام دیرینه خود را از نسا آدم بگیرد. اکنون شیطان بزرگ از حربه تفرقه

بپردازد و حکومت کن استفاده می‌کند. امام خمینی در این زمینه هشدار می‌دهد و می‌فرماید: «این یک نقشه‌ای بود و شماها باید در آنجا کوشش کنید که این نقشه را خنثی کنید. اینکه بین مسلمین جدایی بپردازند، مسلمین را چند طایفه کنند - خصوصاً بین شیعه و سنی - یک فاصله زیادی ایجاد کنند».

امام راحل تاکید می‌کند: دشمنان غرضشان این بود که هر دو ضعیف بشوند. بنا شد که این گروه‌های عظیمی که هستند، یا سنی یا شیعه، در پاکستان و در ایران و دیگر جاها - اقلیت‌های کمی هم هستند، [اما] مهم اینها هستند - بنا شد که بین اینها آنچنان جدایی بپردازند و فاصله ایجاد کنند که اذهانشان از مسائل دیگر به کلی منحرف بشود؛ همه اذهان بیاید سراغ اینکه خودشان با هم دعوی کنند. این هم یکی از نقشه‌هایی بوده است که از قدیم الایام اینها، شیاطین، درست کرده‌اند؛ و از احساسات اسلامی اینها استفاده کرده‌اند؛ از احساسات مذهبی استفاده کردند. نه اینکه آنها می‌خواهند مذهب شیعه در پاکستان و در ایران باشد، و نمی‌خواهند مذهب سنی باشد؛ هیچ کدام را نمی‌خواهند که باشد.

اینها می‌خواهند اسلام نباشد. برای اینکه از اسلام خوف دارند! ترس دارند. این مسلمینی که یک میلیارد جمعیت هستند اگر اینها با هم بشوند - آدابشان علی حده، هر کس آداب خودش را انجام بدهد. هر کدام کارهای مذهبی‌شان را انجام بدهد، اما در کنار هم باشد - اگر یک میلیارد مسلم در دنیا به هم مجتمع بشوند، قدرتشان بالاترین قدرت است. از این قدرت دیگر بالاتر نمی‌شود. اما آنها نمی‌گذارند این مطلب بشود. آنها دنبال این هستند. حکومت‌هاشان را وادار می‌کنند، بذر نفاق می‌پاشند بین اینها» (صحیفه امام، ج ۷، ص ۵۰۷).

راهبرد تمدن نوین اسلامی

حضرت آیت الله خامنه‌ای با استناد به تجربه تاریخی ایجاد و شکوفایی تمدن اسلامی فرمودند: «مسیر تبدیل ایران عزیز به یک کشور اسلامی الگو، البته زمان‌بر است و نیازمند همت و تلاش بی وقفه مسئولان و ملت است». ایشان تنها راه تبدیل ایران به یک کشور نمونه را تکیه بر ظرفیت‌ها و امکانات داخلی برشمردند و تأکید کردند: «تحقق این هدف، نیازمند راهبرد و برنامه‌ریزی صحیح، کار و تلاش بی‌وقفه و پرهیز از تبلی و بیکارگی و اعتماد و اطمینان به دشمنان است. گاه دشمن موانعی بر سر راه ایجاد می‌کند که می‌توان با عقل و تدبیر این موانع را برطرف کرد اما در هیچ شرایطی نباید به او اطمینان کرد».

ضرورت بی‌اعتمادی به استکبار

رهبر معظم انقلاب «تجربه برجام» را نمونه‌ای روشن از درستی ضرورت بی‌اعتمادی به دشمنان خواندند و تأکید کردند: «امروز حتی مسئولان دیپلماسی و کسانی که در مذاکرات حضور داشته‌اند، این واقعیت را تکرار می‌کنند که آمریکا نقض عهد می‌کند و در ورای زبان چرب و نرم خود، به مانع تراشی و تخریب روابط اقتصادی ایران با دیگر کشورها مشغول است. البته چندین سال است موضوع بی‌اعتمادی به آمریکایی‌ها را تکرار می‌کنیم اما برخی، سختشان بود این واقعیت را قبول کنند».

حضرت آیت الله خامنه‌ای با تأکید بر تجربه‌اندوزی ملت ایران از رفتار آمریکا در قضیه برجام گفتند: «آنها می‌گویند بیایید در مسائل منطقه هم مذاکره کنیم، اما تجربه برجام به ما می‌گوید این کار سمی مهلک است و در هیچ مسأله‌ای نمی‌توان به حرفهای آمریکایی‌ها اعتماد کرد. اگر دشمن انسان، حداقل به حرفش پایبند باشد می‌شود در برخی موارد با او گفتگو کرد اما اگر مثل آمریکایی‌ها، نابکار باشد و برخلاف لبخندِ ظاهری، از نقض عهد ابایی

نداشته باشد، نمی‌توان و نباید با او مذاکره کرد و این واقعیت، علت مخالفت مستمر بنده با مذاکره با آمریکایی‌هاست».

ایشان، مشکلات و چالش‌های منطقه‌ای ایران و آمریکا را با مذاکره، غیرقابل حل دانستند و تأکید کردند: «باید با عزم راسخ در راه صحیح پیشرفت مادی و معنوی کشور حرکت کنیم؛ آن وقت همه خواهیم دید که دشمن به دنبال ما می‌دود نه ما به دنبال دشمن. آمریکایی‌ها می‌خواهند همه چیز را بگیرند و هیچ چیز ندهند و مذاکره با چنین دولتی به معنای انحراف از راه صحیح پیشرفت کشور، دادن امتیازهای پی‌درپی و تحمل عملی زورگویی، تخلف و نقض عهد آنهاست».

آمریکا همچنان شیطان بزرگ است

رهبر معظم انقلاب با اشاره به تعبیر فوق‌العاده امام خمینی (ره) که آمریکا را شیطان بزرگ می‌نامید، تأکید کردند: «براساس آیات قرآن، شیطان در قیامت به پیروانش می‌گوید باید خود را سرزنش کنید که چرا به وعده دروغین من اعتماد کردید و امروز نیز بی‌توجهی به دروغین بودن وعده‌های آمریکا و اعتماد به او، مصداق همین مسأله خواهد بود».

تغییر مسیر آنکارا به سوی دمشق

سیدرحیم نعمتی

بن‌علی ییلدریم، نخست‌وزیر ترکیه، از در پیش بودن خبرهای خود در مورد سوریه می‌گوید و این که باید انتظار تحولاتی مثبت برای حل بحران سوریه را داشت. او که در کاخ چانکایا و مقابل اصحاب رسانه‌های مهم ترکیه این موضوع را مطرح می‌کرد دو موضع بسیار متفاوت در مورد سوریه متذکر شد که حالا به گفته او، اراده و خواست مشترکی به وجود آمده و «این یک تغییر اساسی است». ییلدریم به مشارکت کشورهای ایران، روسیه، ترکیه و آمریکا اشاره کرد که می‌تواند به تدریج شرایط برای حل بحران سوریه را بهبود بخشد و وعده داد که نباید تعجب کرد اگر در شش ماه آینده تحول مثبت و بالارزشی در حل این بحران به وجود بیاید.

تمام این حرف‌های ییلدریم چندان تازگی ندارد و مدتی است که او یا دیگر مسئولان ارشد ترکیه از این دست موضع‌گیری‌ها را اعلام می‌کنند. نکته مهم در بیان این موضع بعد از سفر رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، به روسیه برای دیدار با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه و سفر اخیر محمد جواد ظریف به ترکیه است. اعلام آن موضع بعد از این سفرها نشان می‌دهد که سران ترکیه در مورد تغییر جهت خود در قبال سوریه تنها به حرف بسنده نمی‌کنند، بلکه حاضرند گام‌هایی بردارند تا بر سر سوریه با ایران و روسیه هم‌جهت بشوند و حالا باید دید که این گام‌ها تا چه میزان جدی هستند و در نهایت باعث تغییر مسیر ترکیه به سوی دمشق می‌شوند یا نه.

۱۵ ژوئیه

کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه بدون شک نقش تعیین کننده‌ای در برداشتن گام‌های عملی دولتمردان ترکیه برای تغییر مسیرشان به سوی دمشق داشته است. این کودتا از دو جهت برای اردوغان و دیگر دولتمردان ترکیه اهمیت دارد؛ جهت اول مربوط به نقش عوامل خارجی در این کودتا می‌شود. خبرها و تحلیل‌هایی متفاوتی در مورد این عوامل طی هفته‌های گذشته مطرح شده و نام کشورهای مثل امارات یا عربستان سعودی تا آمریکا ذکر شده‌اند. مشکل می‌توان در صحت و سقم این تحلیل‌ها نظر داد، اما دست کم حمایت آمریکا از فتح‌الله گولن در این مورد قابل توجه است. دولت ترکیه گولن را عامل اصلی کودتا و کودتاچیان را از هواداران او می‌داند و به همین دلیل بعد از ۱۵ ژوئیه بارها و بارها از دولت آمریکا درخواست استرداد او را به ترکیه داشته که تاکنون با پاسخ منفی و مقاومت آمریکا در برابر این درخواست مواجه شده است. علاوه بر این، واکنش آمریکا به کودتا با واکنش روسیه تفاوت قابل توجهی داشت.

آمریکا در مقایسه با روسیه دیرتر به کودتا واکنش نشان داد و از اردوغان و دولتش حمایت کرد و حتی حمایت خود را همانند روسیه به صورت مشروط اعلام نکرد. آمریکا و شرکای اروپایی‌اش حمایت خود را از اردوغان مشروط به رعایت موازین دموکراتیک کردند که این شرط پررنگ و لعاب معنایی جز بستن دست و پای اردوغان برای برخوردی قاطع با کودتاچیان و حامیان داخلی آنها نداشت. در مقابل، پوتین حمایت خود را مطلق اعلام کرد تا مهر تاییدی بر مقابله جدی اردوغان در برابر کودتاچیان و تشکیلات گولن زده باشد و این چیزی بود که اردغان در آن مقطع نیاز داشت. بی‌دلیل نیست که اردوغان قبل از سفر به روسیه از پوتین با اسم کوچک و به عنوان یک دوست یاد می‌کند؛ چرا که دریافته در هنگام خطر و نیاز می‌تواند روی حمایت او

حساب کند در حالی که چنان اعتماد و اطمینانی به شرکای غربی نیست.

تداوم تردید

با وجود این که اردوغان سعی کرده با اشتیاق تمام به دیدار پوتین برود اما باید گفت که پوتین جانب احتیاط را ترک نکرده و هنوز مقداری تردید نسبت به سیاست‌ها و تصمیم‌های اردوغان دارد. دلیل این مقدار احتیاط روشن است؛ اردوغان نشان داده که سیاستمداری با مانورهای غیرقابل انتظار است و بدون آزمون نمی‌توان به طور کامل مواضع اعلامی او را قبول کرد. باید به یاد داشت که همین اردوغان در هشت ماه قبل چه سخنان تندی را علیه روسیه و پوتین به زبان می‌آورد اما حالا از ولادیمیر و دوست می‌گوید. این نحو تغییر مسیر سریع توسط اردوغان است که باعث احتیاط پوتین شده تا در مقطع فعلی دستور لغو تمام تحریم‌ها علیه ترکیه را ندهد و با حفظ بخشی از تحریم‌ها، هم‌چنان اهرم فشاری بر اردوغان و تضمینی در تداوم روابط گرم او با روسیه در دست داشته باشد.

علاوه بر این، نمی‌توان احتمال بازی اردوغان با کارت روسیه در برابر آمریکا و متحدان اروپایی آن را از نظر دور داشت. در این صورت، اردوغان با این نحو مانورها و شوق و اشتیاق نسبت به روسیه تنها قصد تحریک شرکای غربی خود را دارد تا از آنها امتیاز بگیرد. شرکای غربی او به خصوص کشورهای اروپایی تهدید کرده‌اند اگر حکم اعدام در ترکیه و در مورد عوامل کودتا اجرا بشود، آنکارا باید فکر عضویت در اتحادیه را از سر بگیرد. این نوع تهدید به معنای لغو فرایند چندین ساله عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا است و این احتمال وجود دارد که اردوغان با از سرگیری روابط خود با روسیه می‌خواهد به طرف اروپایی نشان بدهد که می‌تواند متحدان جدید و مهمی داشته باشد و تمام تخم مرغ‌های خود را در سبد اروپایی نگذاشته است. این نحو مانور

اردوغان در برابر آمریکا نیز صادق است تا واشنگتن را به استرداد گولن تحریک نکند. پوتین با توجه به این احتمالات است که هنوز بخشی از تحریم‌ها را حفظ کرده تا ببیند اردوغان در صحنه عمل چه می‌کند و مسلم است پرونده سوریه مهم‌ترین عرصه محک اردوغان است.

عرصه عمل

بیلدریم از یک تغییر اساسی در بحران سوریه می‌گوید، اما منظور او به صورت دقیق چیست و می‌توان به این معنا در نظر گرفت که ترکیه با ترک جبهه مخالفان نظام سوریه حالا حاضر شده به صف موافقان آن وارد بشود؟ این حد از تغییر بیشتر خوش‌بینانه است تا واقع‌بینانه. باید توجه داشت که اردوغان جدای از سخنان آتشین علیه بشار اسد، در این پنج سال از جنگ سوریه سرمایه‌گذاری انسانی، اقتصادی و نظامی علیه نظام سوریه کرده تا آن اندازه که می‌توان به جرأت گفت که اگر او و این حمایت‌هایش نبود، آل سعود و قطر هیچ‌گاه نمی‌توانستند با دلارهای نفتی و گازی خود این حد از ویرانی را در سوریه ایجاد کنند. صرف نظر کردن از این حد سرمایه‌گذاری توسط اردوغان بعید به نظر می‌رسد و می‌توان دو احتمال دیگر را در نظر گرفت:

احتمال نخست در این است که ادعای تغییر اردوغان و بیلدریم در حد مانور سیاسی باشد تا دولت ترکیه هم از منافع روابط با رسویه برخوردار بشود و هم با استفاده از کارت روسیه امتیازاتی از غرب به دست بیاورد.

احتمال دوم در نوعی از مشارکت سیاسی اردوغان با ایران و روسیه است تا به جای اصرار بر برکناری بشار اسد، ماندن او در دوره انتقالی و ورود عناصر مورد حمایت ترکیه در دولت انتقالی سوریه مورد پذیرش ایران و روسیه قرار بگیرد. این احتمال چیز تازه‌ای نیست و از قبل هم مورد بحث بود و تنها می‌توان گفت که حالا ترکیه سعی دارد مشارکت بیشتری با ایران و روسیه در این مسیر داشته باشد. اردوغان در این مسیر به طور کامل هم‌سو با ایران و

روسیه قرار ندارد، اما فاصله‌های قابل توجهی با شرکای عرب خود به خصوص آل سعود ایجاد می‌کند که به چیزی جز سقوط کامل نظام سوریه و روی کار آمدن سلفی‌های تکفیری قانع نیست. همین مقدار از تغییر در مسیر اردوغان امکان همکاری با او را ایجاد می‌کند تا در ادامه مسیر خود را بیشتر تصحیح کند و بتواند برای رسیدن به دمشق در مسیر درستی قرار بگیرد.

یارکشی‌های سیاسی در تحولات سوریه

تحولات میدانی سوریه حاکی از آن است که در استان حلب این کشور، ارتش پیشروی‌های قابل توجهی علیه تروریست‌ها داشته و آنها را به عقب رانده است. به ویژه، اخیراً اعلام شد که منبج در شهر حلب از لوٲ حضور داعشی‌ها به کلی پاک شده و این منطقه آزاد شده است. مهم اینکه عملیات آزادسازی شهر منبج در استان حلب، در تاریخ ۱۱ خردادماه سال جاری، با مشارکت نیروهای دموکراتیک کرد سوریه و پشتیبانی ائتلاف ضد تروریسم، آغاز شد.

یکی از موضوعات قابل توجه در عملیات‌های ضدتروریستی در استان حلب این است که ائتلاف آمریکا بدون توجه به حضور غیرنظامیان در این استان به بمباران اقدام کرده که این موضوع کشتار غیرنظامیان را به دنبال داشته است. بر اساس برخی اخبارهای منتشرشده در جریان عملیات آزادسازی منبج، نیروی هوایی ائتلاف آمریکایی بیش از ۶۵۰ بار این شهر را بمباران کرده که به کشته شدن بیش از ۴۵۰ غیر نظامی منجر شده است.

همچنین در جریان عملیات ائتلاف آمریکایی در منبج، بسیاری از زیربناهای این شهر نابود شده‌اند و نانوایی‌ها، آسیاب‌ها، بیمارستان دولتی و بیشتر پل‌های شهر با خاک یکسان شده و سه بیمارستان دیگر منبج نیز شامل بیمارستان مدینه، حکمه و برکل کاملاً از کار افتاده‌اند. از سویی دیگر ساختمان السرایا و بازار اصلی شهر هم در آتش سوخته است. همچنین بر اثر حملات ائتلاف آمریکایی به منبج ۷ مدرسه و ۹ مسجد این شهر تخریب شده‌اند.

یکی دیگر از موضوعات مهم در ارتباط با تحولات سوریه، نقش ترکیه در

تحولات استان حلب است. در این ارتباط، آلان بکر، عضو کمیته امور عربی و خارجی در پارلمان سوریه تصریح کرده است که ترکیه یک عامل تأثیرگذار در تحولات استان حلب است و نوع رویکرد این کشور در حلب (حمایت و یا عدم حمایت آنکارا از تروریست‌ها در این استان مورد نظر است) بر آینده سیاسی این استان و مقابله با تروریست‌ها در آن، مؤثر است.

در همین ارتباط باید به تنش‌های اخیر ترکیه و آمریکا اشاره کرد که طی آن و بر اثر بروز کودتای نافرجام در ترکیه، روابط آنکارا-واشنگتن تیره شده است. به عقیده برخی کارشناسان تیرگی روابط ترکیه و آمریکا به نفع جبهه ایران و روسیه در سوریه است و به برتری مواضع به حق دولت و مردم این کشور کمک می‌کند. سفر اخیر رجب طیب اردوغان به روسیه و سفر وزیر امور خارجه ایران به ترکیه نیز در چارچوب نزدیکی بیش از پیش ترکیه به تهران و مسکو قابل تجزیه و تحلیل است.

البته نباید از نظر دور داشت که ترکیه در سیاست خارجی ایالات متحده و به ویژه در سیاست‌های واشنگتن در خاورمیانه، اهمیت زیادی دارد و همچنان که پیش‌بینی می‌شد، واشنگتن تلاش‌هایی را برای ترمیم روابط با آنکارا در دستور کار قرار داده است. در اینجا، می‌توان به سفرهای اخیر مقامات آمریکا که قرار است طی روزهای آتی به ترکیه صورت گیرد، اشاره کرد. مسلماً در این سفرها، رایزنی با مقامات ترکیه برای عدم اتخاذ سیاست‌های ضدآمریکایی در منطقه و نپیوستن به ائتلاف سوریه، روسیه و ایران در تحولات سوریه در دستور کار قرار دارد.

از سویی دیگر، این موضوع نیز مهم است که مواضع روسیه و ایران با ترکیه نسبت به مسائل سوریه از یکدیگر فاصله زیادی دارد و همانگونه که رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه در سن پترزبورگ اعلام کرد، مواضع این کشورها با یکدیگر در سوریه متفاوت است. برخی کارشناسان،

اعلام نشدن محتوای صحبت‌های اردوغان و پوتین درباره سوریه را نیز دلیل دیگری بر تفاوت زیاد مواضع دو طرف می‌دانند. در این شرایط باید دید که تحولات آتی در غرب آسیا و به ویژه سوریه بر اثر یارکشی‌های سیاسی در منطقه به چه سمتی پیش می‌رود.

به این ترتیب، یارکشی‌های سیاسی در منطقه و موضع ترکیه در برابر تحولات سوریه، عاملی مهم در روند آتی تحولات در سوریه خواهد بود و باید دید روابط ترکیه و آمریکا به چه سمتی پیش می‌رود و چگونه آنکارا در مورد تحولات سوریه تصمیم‌گیری می‌کند.

به نظر می‌رسد، کودتای نافرجام در ترکیه، بر روند تحولات در منطقه تأثیرگذار بوده است. در وهل اول این کودتا به مقامات ترکیه ثابت کرد که واشنگتن متحدی قابل اعتماد برای آنان و چه بسا برای هیچ کشوری نیست و نمی‌توان به سیاست‌های این کشور در عرصه بین‌الملل اعتماد کرد. توضیح اینکه ایالات متحده به عنوان یکی از متحدان راهبردی ترکیه طی سال‌های اخیر مطرح بوده است، اما در حال حاضر این کشور به عنوان یکی از گزینه‌های احتمالی حمایت‌کننده از کودتاگران در ترکیه مطرح است.

تنش‌های به وجودآمده میان آنکارا و واشنگتن به چرخش مواضع ترکیه به سمت کشورهای منطقه و نگاه به شرق این کشور منجر شده است و پیش‌بینی می‌شود که این شرایط در تحولات آتی منطقه و به ویژه تحولات سوریه موثر باشد. البته باید دید تا چه اندازه مقامات ترکیه از شرایط فعلی درس می‌گیرند و حمایت از امنیت منطقه را در دستور کار خود قرار می‌دهند. همچنین باید دید که سفر مقامات واشنگتن به آنکارا می‌تواند در چرخش مجدد مواضع آمریکا در خاورمیانه موثر باشد یا خیر.

کشورهای آمریکای لاتین، ویتامین "راهبرد درازمدت"

محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در رأس هیأتی سیاسی و اقتصادی، روز یکشنبه (۳۱ مردادماه)، نخستین سفر خود را به آمریکای لاتین آغاز کرد. وی طی این سفر از شش کشور مهم منطقه مورد بحث بازدید و با مقامات این کشورها دیدار کرد.

در این سفر بیش از ۶۰ تن از تجار، بازرگانان و صاحبان شرکت‌های بخش خصوصی در حوزه‌های مختلف از جمله خدمات فنی و مهندسی، ظریف را همراهی کردند و هدف این سفر، گسترش روابط سیاسی و اقتصادی دو طرف بیان شد.

سفر ظریف به آمریکای لاتین از کوبا آغاز شد و در ادامه ظریف به ترتیب از کشورهای نیکاراگوئه، اکوادور، شیلی، بولیوی و ونزوئلا دیدار کرد. مدت این سفر در مجموع یک هفته بود و طبق برنامه، وزیر امور خارجه و هیأت همراه او هر روز به یک کشور منطقه آمریکای مرکزی و جنوبی سفر کردند.

در ادامه به بهانه سفر وزیر امور خارجه ایران به کشورهای مهم آمریکای لاتین به بررسی روابط ایران با کشورهای آمریکا لاتین می‌پردازیم.

آمریکا لاتین شامل ۳۰ کشور در آمریکای جنوبی، مرکزی و حوزه دریای کارائیب است که جمعیتی حدود ۶۴۱ میلیون نفر (معادل ۸/۶ درصد جمعیت جهان) را در بر می‌گیرد. گستردگی منطقه آمریکای لاتین، میزان جمعیت این منطقه و نقشی که به لحاظ حجم در اقتصاد جهانی ایفا می‌کند، دلایلی است که باعث می‌شود تمامی کشورهای جهان به این منطقه توجه داشته باشند. به این ترتیب، این مسائل موجب شده است تا منطقه آمریکای

لاتین یکی از مناطق مورد توجه جمهوری اسلامی ایران نیز باشد. ایران و کشورهای منطقه آمریکا لاتین در سازمان‌های مختلف از جمله سازمان ملل متحد و جنبش عدم تعهد، گروه ۷۷ (کشورهای در حال توسعه) عضویت دارند و اشتراک در این موضوع باعث می‌شود که آنها زمینه‌های مشترک بیشتری برای همکاری داشته باشند. از سویی دیگر، عضویت مشترک این کشورها در سازمان‌های بین‌المللی مورد بحث، لزوم هماهنگی سیاست‌های دو طرف را در برخی موارد مطرح می‌کند و به این ترتیب، نزدیکی بیش از پیش دو طرف مورد نیاز است.

از سویی دیگر، اقتصاد کشورهای آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب در حال شکوفایی است و به همین دلیل این منطقه از اهمیت ویژه‌ای برای کشورهای مختلف برخوردار شده است. در همین ارتباط می‌توان به سرمایه‌گذاری ۱۵۸ میلیارد دلاری در این منطقه طی سال ۲۰۱۴ میلادی اشاره کرد که نشان‌دهنده اهمیت این منطقه برای کشورهای مختلف جهان است.

کشورها در روند توسعه خود، به خدمات مختلف به ویژه در زمینه‌های صنعتی، فنی و مهندسی نیاز دارند و این موضوع می‌تواند برای ایران که در این عرصه‌ها طی سال‌های اخیر پیشرفت‌های خوبی داشته است، مورد توجه باشد.

شواهد موجود نشان می‌دهد که کشورهای منطقه آمریکا لاتین اهمیت زیادی برای ایران دارند و بهره‌برداری از شرایط موجود (در حال رشد بودن کشورهای منطقه آمریکا لاتین و وجود بخش‌های همکاری مکمل برای دو طرف) برای تهران اهمیت زیادی دارد. اما اولین سفر وزیر امور خارجه کشورمان به کشورهای آمریکای لاتین در سال‌های پایانی دولت یازدهم انجام شده است که جای تعجب دارد. بدیهی است، موضوعات مربوط به مذاکرات

هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران برای تهران اهمیت زیادی داشته است و چه بسا انرژی زیادی از سیاستمداران ایران گرفته باشد، اما انتظار می‌رود کشوری مانند جمهوری اسلامی ایران که در صدد دستیابی به جایگاه ویژه‌ای به لحاظ اقتصادی و سیاسی در منطقه است، مسائل مهم سیاست خارجی را به موازات یکدیگر پیش ببرد. در این شرایط، انتظار می‌رود که حداقل سفر به کشورهای منطقه آمریکا لاتین در سطوح پایین تاکنون در دولت یازدهم انجام شده باشد تا رکود فعلی در روابط دو طرف بروز نمی‌کند.

مهم اینکه دولت یازدهم تا دو سال پس از روی کار آمدن، بیشتر تلاش خود را صرف رفع تحریم‌های اقتصادی و حل مسأله هسته‌ای از طریق مذاکره با کشورهای گروه ۵+۱ کرد، صرف نظر از نتایج مثبت و منفی این تلاش‌ها، باید اذعان کرد که در این شرایط منطقه آمریکا لاتین و ارتباط با کشورهای حاضر در این منطقه در سیاست خارجی ایران مورد غفلت واقع شده است؛ به ویژه با توجه به اهمیت منطقه آمریکا لاتین که بر اساس آن کشورهای مختلف به دنبال بهره‌برداری از فرصت‌های موجود هستند، نباید اجازه داد که سیاست خارجی جمهوری اسلامی به صورت یک بعدی پیش برود و بخش‌هایی از آن مورد اغفال واقع شود.

نگاهی به روابط تهران با کشورهای منطقه آمریکا لاتین نشان می‌دهد که با وجود اهمیت برقراری روابط برای دو طرف، تهران یک راهبرد درازمدت در این منطقه ندارد و روابط ایران با کشورهای این منطقه به صورت مقطعی انجام شده و مورد توجه قرار گرفته است. مثلاً حجم مبادلات تجاری ایران و آمریکای لاتین از ۹۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۰ به نزدیک ۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ رسید که تقویت قابل توجه مناسبات دو طرف را نشان می‌دهد. اما این شرایط، ادامه‌دار نبوده است و طی سال‌های اخیر مجدداً رکود بر روابط دو طرف سایه افکنده است.

مهم اینکه با توجه به جمعیت قابل توجه منطقه آمریکا لاتین و قرابت‌هایی که میان تهران و کشورهای این منطقه وجود دارد، کشف بخش‌هایی که می‌توان برای گسترش روابط دوجانبه بر آنها تأکید کرد، از اهمیت زیادی برخوردار است.

صرف‌نظر از ضعفی که در سیاست خارجی مشاهده می‌شود و به آن اشاره کردیم، باید گفت که سفر دیرهنگام وزیر امور خارجه کشورمان به منطقه آمریکا لاتین که در رأس یک هیأت از بازرگانان، فعالان بخش خصوصی و سیاسیون انجام شده است، اهمیت زیادی دارد. همچنین، انتظار می‌رود که این سفر، دستاوردهای مهمی را در زمینه‌های اقتصادی، فنی-مهندسی و صنعتی به همراه داشته باشد. به ویژه در شرایطی که رکود اقتصادی در ایران حاکم است، گسترش روابط اقتصادی جمهوری اسلامی با کشورهای دیگر از اهمیت زیادی برخوردار است و می‌تواند به تحرک اقتصادی در کشور منجر شود.

گفتنی است اهمیت برقراری روابط با کشورهای آمریکای لاتین، امری یکجانبه نیست و جمهوری اسلامی به عنوان یکی از قدرت‌های منطقه غرب آسیا برای کشورهای آمریکا لاتین اهمیت دارد. در این خصوص می‌توان به گشایش سفارت شیلی در ایران پس از ۳۶ سال اشاره کرد که نشان‌دهنده اهمیت دو کشور در سیاست خارجی طرف مقابل است.

دستاوردهای عملی سفر ظریف به آمریکای لاتین

با توجه به اهمیت زیاد منطقه آمریکا لاتین، برخی معتقدند که سفر ظریف به کشورهای این منطقه، دیرهنگام صورت گرفته است و شایسته بود که سفر به کشورهای این منطقه در سال‌های اولیه دولت فعلی انجام می‌شد. به هر حال، سفر دیرهنگام وزیر امور خارجه ایران به کشورهای آمریکا لاتین

نیز از اهمیت زیادی برخوردار است و به ویژه دستاوردهای آن اهمیت دارد. امضای سند یادداشت تفاهم همکاری بازرگانی میان اتاق‌های بازرگانی ایران و کوبا، دو توافقنامه و یادداشت تفاهم همکاری بانکی و یادداشت تفاهم همکاری قرنطینه و حفظ نباتات با اکوادور و یادداشت تفاهم همکاری‌های صلح‌آمیز در علوم و فناوری فضایی با بولیوی به عنوان دستاوردهای نخستین سفر ظریف و هیات دیپلماتیک ایران به منطقه آمریکای لاتین اعلام شده است.

نگاهی به دستاوردهای سفر وزیر امور خارجه ایران و هیأت همراه وی به آمریکا لاتین نشان می‌دهد که این نتایج در سطح تفاهم‌نامه باقی مانده است. ناگفته پیداست که تفاهم‌نامه‌های امضاشده میان سران کشورها، از اهمیت زیادی در روابط آنها برخوردار است، اما جنبه تعارف سیاسی دارد و از آمادگی طرفین برای گسترش روابط خبر می‌دهد.

اما آنچه اکنون ایران به آن نیاز دارد، تفاهم‌نامه و اعلام آمادگی دیگر کشورها برای گسترش روابط با تهران نیست. جمهوری اسلامی، در حال حاضر در شرایط رکود اقتصادی به سر می‌برد و اجرای برجام نیز نتوانسته است به بهبود اوضاع کمک کند. به این ترتیب، لازم است که مقامات تهران در سفرهای خود به سایر کشورها، به دنبال به دست آوردن دستاوردهای عملی باشند. مثلاً باز کردن ال سی برای بازرگانان که یک اقدام عملی در راستای گسترش روابط تجاری ایران با سایر کشورهاست از اهمیت زیادی برخوردار است.

از سویی دیگر، حتی در زمینه ارائه خدمات مهندسی و فنی ایران به کشورهای منطقه آمریکا لاتین نیز اقدام عملیاتی انجام نشده و ضمانت‌هایی در این ارتباط داده نشده است.

مهم اینکه سفر دیر هنگام وزیر امور خارجه ایران به کشورهای آمریکا

لاتین، در مدتی بسیار کوتاه انجام شد و طبیعی است که در مدت زمان اندک حضور ظریف در کشورهای منطقه آمریکا لاتین شرایط برای رایزنی‌های قوی به منظور گسترش روابط با این کشورها وجود نداشته است.

از سویی دیگر، تعداد زیادی از بازرگانان، تجار و فعالان بخش خصوصی در این سفر، ظریف را همراهی کرده‌اند و این موضوع نیز نشان‌دهنده تخصصی نبودن گفتگوهای طرف ایرانی با کشورهای آمریکا لاتین است. به نظر می‌رسد، زمانی که قصد بر این است که دستاوردهای عملی از سفر به دست آید، باید مدت زمان سفر به منطقه‌ای به بزرگی آمریکا لاتین بیشتر از یک هفته باشد و از سویی دیگر، تعداد همراهان نیز باید به گونه‌ای باشد که بتوان در این فرصت اندک یک هفته، گفتگوهای تخصصی را سامان داد.

اگرچه نفس سفر مقامات رسمی تهران به سایر کشورها، اهمیت دارد و نشان‌دهنده تلاش ایران برای گسترش روابط با کشورهای دیگر است، اما صرف انجام این سفرها سودی برای ایران به دنبال نخواهد داشت و به تحرک اقتصادی کشور منجر نمی‌شود؛ به ویژه با توجه به اینکه، هیأت همراه ظریف، بازرگانان و تجار بوده‌اند نشان می‌دهد که تهران از انجام این سفر مقاصد خاص اقتصادی را دنبال می‌کرده است، اما واقعیات موجود نشان می‌دهد که اهداف مورد نظر حاصل نشده است. به نظر می‌رسد که دلیل به دست نیامدن نتایج عملی در زمینه گسترش روابط بازرگانی، اقتصادی و تجاری با کشورهای آمریکا لاتین، کارشناسی نبودن این سفر بوده است.

شواهد موجود گویای آن است که این سفر تنها در چارچوب اصول دیپلماتیک و به منظور یادآوری اهمیت کشورهای آمریکا لاتین در سیاست خارجی ایران انجام شده است. از سویی دیگر، این سفر تا حدی، ظریف را از بی‌توجهی به منطقه‌ای مهم مانند آمریکا لاتین در سیاست خارجی، مصون می‌کند. اما باید خاطر نشان کرد که با وجود انجام سفر اخیر ظریف به

کشورهای آمریکا لاتین، همچنان عملکرد وی به دلیل عدم توجه کافی به کشورهای این منطقه و استفاده نکردن از ظرفیت‌های موجود قابل انتقاد است.

گفتنی است دولت فعلی در دو سال اول روی کار آمدن، انرژی خود را صرف حل و فصل موضوع هسته‌ای ایران کرد و به همین دلیل برخی پروژه‌ها در سیاست خارجی ایران مسکوت ماندند. البته مشغول شدن دستگاه دیپلماسی یک کشور به مسأله‌ای خاص و غفلت از دیگر بخش‌های سیاست خارجی، قابل توجیه نیست. شایسته است که وزارت امور خارجه ایران، تیم‌های تخصصی برای پیگیری پروژه‌های مهم داشته باشد و این تیم‌ها به گونه‌ای موضوعات مختلف را پیگیری نمایند که فضایی برای غفلت از برخی مسائل به وجود نیاید.

جمهوری اسلامی ایران، کشوری قدرتمند در منطقه غرب آسیا محسوب می‌شود و قصد دارد که به یک قدرت درجه اول در منطقه و چه بسا در جهان تبدیل شود و برای تحقق بخشیدن این برنامه‌ها، اعمال عقلانیت بیشتر در عرصه سیاست خارجی، تفکیک مسائل از یکدیگر در این بخش و پیگیری موضوعات مختلف به صورت مجزا و جدی امری مهم است. مورد غفلت واقع شدن برخی موضوعات مانند تقویت روابط با کشورهای دیگر، زیان‌هایی را متوجه کشور می‌کند که شاید قابل جبران نباشند، به همین دلیل لازم است که در عرصه سیاست خارجی با جدیت بیشتری گسترش روابط با دیگر کشورها در دستور کار قرار گیرد.

آسیب‌شناسی انتخابات در کشور مدعی دموکراسی

این روزها و در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، خبرهای مربوط به رقابت نامزدهای انتخاباتی ایالات متحده و مسائل مربوط به این انتخابات بازار داغی در رسانه‌ها دارند.

در میان اخبار منتشره در رسانه‌های جهان، برخی از اهمیت بیشتری برخوردارند و جلب توجه می‌کنند. مثلاً در بعضی خبرها آمده که طبق نتیجه یک نظرسنجی در آمریکا که بلومبرگ آن را انجام داده است، ۳۴ درصد از رأی‌دهندگان احتمالی اعتقاد دارند که در انتخابات سراسری ریاست جمهوری ایالات متحده که در تاریخ ۱۸ آبان‌ماه برگزار می‌شود، تقلب صورت می‌گیرد.

این خبر در حالی مطرح شده است که نامزد جمهوری‌خواه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نیز خواستار استقرار ناظرهای انتخاباتی برای جلوگیری از تقلب در انتخابات ریاست جمهوری ماه نوامبر شده است. در خبرها آمده است که او با راه‌اندازی کمپینی در حال جمع کردن افراد داوطلب برای نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری ماه نوامبر در آمریکا است. از سوی دیگر، ۵۶ درصد از حامیان نامزد جمهوری‌خواه انتخابات (دونالد ترامپ) نیز تاکید کرده‌اند که انتخابات ریاست جمهوری آمریکا با تقلب همراه خواهد بود.

نگرانی درباره بروز تقلب در انتخابات کشوری مانند ایالات متحده آمریکا که مدعی حقوق بشر و دموکراسی است، امری عجیب به نظر می‌رسد و معانی خاصی دارد. واشنگتن همواره ادعا دارد که پیشرفته‌ترین کشور در زمینه

دموکراسی است و به گونه‌ای سازوکارهای دموکراتیک را در آمریکا پیاده‌سازی کرده است که احتمال بروز هرگونه کج‌روی سیاسی در این کشور به صفر رسیده است. علاوه بر اینکه، واشنگتن مدعی اعمال سازوکارهای دموکراتیک در ایالات متحده است، مقامات این کشور تلاش دارند که روندهای دموکراتیک را در سایر کشورها نیز به وجود بیاورند. تمامی ادعاهای مقامات واشنگتن درباره دموکراسی در شرایطی مطرح می‌شود که نامزدهای انتخاباتی در این کشور و مردم به نظام سیاسی آمریکا که متولی برگزاری انتخابات در این کشور است اعتماد ندارند و درباره بروز تقلب در آن نگران هستند.

ایرانیان هیچ‌گاه از یاد نمی‌برند که مقامات واشنگتن در انتخابات سال ۱۳۸۸ در ایران، از جمله حامیان فتنه‌گران که ادعای تقلب در انتخابات را داشتند، بودند. در آن زمان، سران آمریکا خواستار برگزاری مجدد انتخابات در ایران به بهانه بروز تقلب در انتخابات شدند. از سویی دیگر، حمله ایالات متحده به کشورهای غرب آسیا به بهانه عدم دموکراتیک بودن کشورهای این منطقه و لزوم ایجاد سازوکارهای دموکراتیک در این کشورها صورت گرفته است.

حال سوال اساسی این است که آیا ایالات متحده به عنوان کشوری که نمی‌تواند در داخل آمریکا، نگرانی مردم و نامزدهای انتخاباتی را درباره بروز تقلب در انتخابات از بین ببرد، صلاحیت اظهار نظر درباره وجود یا عدم وجود دموکراسی در کشورهای دیگر را دارد؟

از سویی دیگر، برخی برآوردها نشان می‌دهد که انتخابات ریاست جمهوری آمریکا طی سال جاری میلادی حدود ۱ میلیارد دلار هزینه خواهد داشت و کارشناسان برآورد کرده‌اند که این شاخص طی انتخابات بعدی آمریکا به بیش از ۳ میلیارد دلار می‌رسد. هزینه‌های هنگفت تبلیغات

انتخابات در آمریکا نتایج مخربی برای این کشور به دنبال دارد. بدیهی است که این حجم از بودجه منطقاً توسط مردم عادی تأمین نمی‌شود، بلکه شرکت‌های بزرگ، کارتل‌ها، گروه‌های ذی‌نفع و... به تأمین این هزینه‌ها می‌پردازند. به این ترتیب، در شرایطی که ایالات متحده مدعی اعمال دموکراسی است، شرکت‌ها و گروه‌هایی که دلار بیشتری برای نامزدهای انتخاباتی هزینه کنند در آینده این کشور نقش موثرتری خواهند داشت و می‌توانند بر سیاست‌گذاری‌های آینده، تأثیرگذار باشند. به نظر می‌رسد، دموکراسی آمریکایی، ویژگی‌های خاص خودش را گسترش می‌دهد که بر اساس آنها، نه ارزش انسانی افراد و حق آنها برای رأی دادن، بلکه دلار تعیین‌کننده است.

از سویی دیگر تحت تأثیر تبلیغات گسترده و سرسام‌آور در این کشور که با هزینه هنگفت به دست آمده به روش مذکور، انجام می‌شود، آرای مردم به صورت گسترده‌ای تحت تأثیر قرار می‌گیرد. با این شرایط، باید این موضوع را تجزیه و تحلیل کرد که آیا افرادی که بر اثر آرای به شدت تحت تأثیر قرار گرفته، در آمریکا به قدرت می‌رسند، می‌توانند پاسخگوی نیازهای واقعی مردم این کشور باشند.

مهم اینکه چندی پیش، خبری در رسانه‌ها منتشر شد که مدعی پرداخت ۲۰ درصد از هزینه‌های تبلیغاتی هیلاری کلینتون توسط کشورهای خارجی بود. در این ارتباط، پایگاه "میدل ایست آی" مقاله‌ای را به نقل از خبرگزاری رسمی اردن منتشر و تصریح کرد که عربستان، یکی از اصلی‌ترین حامیان مالی کمپین انتخاباتی هیلاری کلینتون است. پایگاه میدل ایست اعلام کرده است که رسانه‌ها پیش‌تر به این امر پرداختند که عربستان ارتباط مالی با خانواده کلینتون دارد؛ چرا که در سال ۲۰۰۸ نیز عربستان مبالغ ۱۰ میلیون دلار و ۲۵ میلیون دلار به طور جداگانه به نهاد خیریه کلینتون که ریاست آن

را بیل کلینتون، همسر هیلاری کلینتون و رئیس جمهور اسبق آمریکا برعهده دارد، اعطا کرد.

با توجه به تمامی آنچه در بالا گفته شد، می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که دستیابی به قدرت در ایالات متحده با استفاده از دلارهای کارتل‌ها، نهادها و شرکت‌های بزرگ و حتی کشورهای خارجی انجام می‌شود و همین موضوع یکی از آسیب‌های نظام سیاسی ایالات متحده به شمار می‌رود. آنچه در قالب کمک‌های تبلیغاتی به نامزدهای انتخاباتی اعطا می‌شود، نوعی گروکشی از سیاستمداران آمریکایی به شمار می‌رود و آنها را در برابر خواسته‌های معقول و نامعقول ارائه‌دهندگان کمک‌های مالی متعهد می‌سازد.

مهم اینکه سران ایالات متحده معمولاً تنها در آینده سیاسی شهروندان آمریکا دخالت ندارند، بلکه رئیس جمهور آمریکا یکی از افراد موثر در آینده سیاسی نظام بین‌الملل به شمار می‌رود. به گونه‌ای که می‌توان حمله به عراق، افغانستان و کشورهای دیگر غرب آسیا را در چارچوب تصمیم‌گیری‌های سران ایالات متحده و البته حامیان مالی آنها تجزیه و تحلیل کرد. این موضوع، بر اهمیت آسیب‌شناسی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا می‌افزاید و لزوم بررسی دست‌های پشت پرده این انتخابات را مطرح می‌کند.

در واقع زمانی که گفته می‌شود، عربستان و کشورهای دیگر عربی حامیان نامزد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا هستند، به این معناست که این کشورها به صورت غیرمستقیم در اتخاذ تصمیماتی که بر آینده نظام بین‌الملل موثر است، نقش دارند. به این ترتیب، تمامی این مسائل نیاز به موشکافی، تجزیه و تحلیل دقیق و البته آسیب‌شناسی دارد.

چگونگی تحقق جهاد کبیر در فضای مجازی

سخن رهبری درباره موضوع فضای مجازی: «امروز فضای مجازی چند برابر از فضای حقیقی بزرگ‌تر شده است. بعضی از جوانان ما در این فضا زندگی می‌کنند. بعضی در این فضا نفس می‌کشند؛ یعنی فضای مجازی را به عنوان محیط زیست جدیدی برای مردم و جوانان قید می‌کنند».

البته نگاه رهبری از همان زمانی که ایشان شورای فضای مجازی را با آن عظمت تاسیس کردند مشخص بود.

ایشان می‌فرمایند: «فضای مجازی به اندازه اصل انقلاب اهمیت دارد». همچنین ایشان بیان می‌کنند: «اگر من مسئولیتی نداشتم رییس فضای مجازی کشور می‌شدم».

و در یک عبارت کامل تری می‌فرمایند: «فضای مجازی امروز مانند رود خروشان است که هر روز بر خروشان‌ی آن افزوده می‌شود. اگر تدبیر کنیم و سد بزنیم و کانال بکشیم می‌توانیم از آن استفاده مفیدی بکنیم. ولی اگر رها بشود فرهنگ و باور ملت را با خود می‌برد».

ماهیت و چیستی فضای مجازی

اصل بحث فضای مجازی و چیستی فضای آن و فراگیری و علل فراگیری از مباحثی است که نقطه نظر واحدی درباره آن وجود ندارد و تاکنون از فضای مجازی تعریف واحدی ارائه نشده است.

فضای مجازی همه ابعاد زندگی انسان را در بر گرفته است؛ یعنی این اصل پذیرفته شده است که فضای مجازی آمده است و ما باید آن را بشناسیم و برای آن تدبیر بکنیم؛ یعنی الان نمی‌توانیم بگوییم که جلوی آن را بگیریم یا آن را محدود بکنیم. در حال حاضر جنگ جنگ مجازی شده است. مرز،

مرز مجازی شده است. هویت، هویت مجازی شده است. خیلی انسان‌ها هویت مجازی‌شان از هویت حقیقی‌شان معروف‌تر است. اقتصاد تبدیل به تجارت الکترونیک شده است. معاملات با روش تراکنش انجام می‌شود.

هر کلیک یک واحد پول اینترنت است. هر کلیک معادل بین ۳۵ تا ۴۰ سنت ارزش دارد. مثلاً چند سال پیش وقتی اسرائیل به غزه حمله کرد اروپایی‌ها کالاهای اسرائیلی‌ها را تحریم کردند. مغازه‌دارها کالای اسرائیلی نمی‌فروختند و مردم هم کالای اسرائیلی نمی‌خریدند. وزیر اقتصاد رژیم صهیونیستی در گفتگو با جرازلم پست می‌گوید وقتی اروپای مسیحی ما را تحریم کرد اقتصاد ما تا مرز ورشکستگی پیش رفت. اما ایرانی‌ها یک باره ما را نجات دادند. زمانی که از وایبر استفاده کردند. هر ایرانی که وارد وایبر شد ۱۵۶ دلار به اقتصاد اسرائیل کمک کرد. با هر کلیک یک ایرانی یک مبلغی به شرکتی که نرم‌افزار وایبر را ساخته است کمک می‌کنیم.

در فضای حقیقی می‌گویند این ساختمان چقدر می‌ارزد که در جواب می‌گویند ۵۰۰ میلیون تومان. در فضای مجازی می‌گویند این سایت چقدر می‌ارزد؟ برای تعیین ارزش سایت می‌گویند این سایت ۱۰ هزار کلیک در روز می‌ارزد. به خاطر همین نرم‌افزارها مدام تلاش می‌کنند که شما کلیک بیشتری انجام دهید. می‌گویند روی این عکس یا مطلب کلیک کن تا مثلاً آن مطلب را داغ بکنی یا محبوبیت بدهی.

مجله "شارلی ابدو" که کاریکاتور حضرت رسول (ص) را منتشر کرد در صفحه اول مجله اش نوشت که ما پول چاپ این مجله را از درآمدی که کلیک مسلمانان در فضای مجازی و از طریق نرم‌افزارهای اندروید به ما کمک کرد به دست آوردیم. ما با پول خودمان یک فرصتی را برای توهین به پیامبر خودمان ایجاد کردیم.

در مورد بانکداری و اقتصاد اسلامی مباحثی نگاشته شده یا حداقل در مورد آن تفکراتی شده است، اما در مورد تجارت الکترونیک اسلامی بررسی و

تفکری صورت نگرفته است. مثلاً خمس کلیک داریم؟ در خیلی از کشورها مالیات بر کلیک می‌گیرند. در اقتصاد فعلی، پول مجازی ارزش پیدا کرده است. در ایران روزی بین ۵۰ تا ۵۰۰ میلیون تومان جم خریداری و معامله می‌شود. جم واحد پول بازی کلش است. پول واقعی را به سایت می‌پردازند و در مقابل پول مجازی و غیر واقعی بازی کلش را خریداری می‌کنند. فناوری تبدیل به فناوری اطلاعات شده است.

ما تکنولوژی بد نداریم. همه تکنولوژی‌ها خوب هستند. باید هر تکنولوژی وارد کشور ما بشود. ما با تکنولوژی نمی‌توانیم مخالفت کنیم. چون تکنولوژی علم است. ما مطابق آموزه‌های اسلامی علم را اگر در چین و تریا هم باشد باید به دست آوریم. تکنولوژی معادل واژه فناوری است؛ یعنی آوردن فن.

پس این همه آسیبی که از فناوری و به عنوان مثال شبکه‌های مجازی به ما می‌رسد از چیست؟ به عنوان مثال در سال ۹۴ شش هزار خانم به واسطه تلگرام یا خودکشی کرده‌اند و یا اطرافیان شان آنها را کشته‌اند که آمار کلانی است. یا ۶۸ درصد طلاق‌های ثبت‌شده در جهان به واسطه ارتباط یکی از زوجین با جنس مخالف در شبکه‌های اجتماعی بوده است.

سایت "کابنت آیز" که در مورد فضای مجازی و اینترنت آمار می‌دهد می‌گوید سه میلیارد و پانصد میلیون عکس و فیلم غیر اخلاقی در ۱۶ ماه گذشته به اینترنت اضافه شده است. یا این که ۶۰ درصد دختران و ۹۰ درصد پسران زیر ۱۸ سالی که اینترنت در موبایلشان دارند حتماً فیلم‌های پورنوگرافی دیده‌اند. وقتی این فیلم را یک بار ببینیم ۲۱۸ درصد احتمال این که در فضای حقیقی مرتکب رابطه نامشروع جنسی بشویم بیشتر می‌شود (نسبت به زمانی که این فیلم را ندیده‌ایم).

اگر ۱۹ میلیون نفر کاربر اینترنت و کاربر زیر ۱۸ سال در ایران داشته باشیم و اگر ۹۰ درصد اینها اگر فیلم غیر اخلاقی دیده باشند ما در آینده چه جامعه‌ای خواهیم داشت؟

موسسه فامیلی سیف میدیا (family safe media) می‌گوید ۴۲۰ میلیون صفحه پورنو گرافی هر سال به اینترنت اضافه می‌شود. ۶۰۰ میلیون صفحه پورنوگرافی فقط خود آمریکا تولید کرده که این صفحات در آمریکا دیده نمی‌شوند، بلکه در ایران به صورت رایگان برای مردم ما قابل رویت هستند. ۸۹ درصد محتوای چت غیر اخلاقی است. ۲۷ استیکر از استیکرهای که به طور پیش فرض در تلگرام نصب است همجنس‌گرایی را ترویج می‌کند که خود طراحان تلگرام می‌گویند اگر کسی فقط این استیکرها را ۲۰ بار ببیند بدون این که آنها را ارسال یا روی آنها کلیک کند، همجنس‌گرایی برایش راحت‌تر می‌شود.

دومیلیارد و ۵۰۰ میلیون ایمیل غیر اخلاقی هر روز ارسال می‌شود. ۳۴ درصد کاربران اینترنت به طور متوسط اصلاً میلی به دیدن فیلم غیر اخلاقی ندارند، اما ناخودآگاه به این محتوا دست می‌یابند.

کاربران اینترنت به طور متوسط در ۱۱ سالگی پورنوگرافی را تجربه می‌کنند. ۹۰ درصد کودکان ۸ تا ۱۶ سال در جهان به دور از چشم والدین شان به سراغ پخش فیلم‌های غیر اخلاقی می‌روند.

با همه این احوالات فناوری بد نیست. مثال: فناوری هسته‌ای خوب است یا بد است؟ بستگی به نحوه استفاده از آن دارد. از همین فناوری که ما به خاطر آن شهید دادیم آمریکا یک بمب ساخت و به اندازه شهدای جنگ تحمیلی در چند ثانیه آدم کشت. البته آمار کشته‌های این بمب اتمی همچنان ادامه دارد و تبعات بمبی که شلیک شده هنوز جان می‌گیرد. اما با وجود این از همین ماده که اینقدر خطرناک و مضر است دارو ساخته می‌شود. با فناوری پزشکی هم می‌توان انسان‌ها را درمان کرد و هم می‌توان بمب شیمیایی ساخت و یا یک بیماری تولید کرد.

ما علم و فناوری بد نداریم. از فناوری محصول تولید می‌شود. بعضی محصولات خوب هستند و بعضی محصولات بد. البته ممکن است از محصول

بد استفاده خوب هم صورت بگیرد. مثلاً آمریکا وقتی بمب اتم شلیک کرد در جاهایی از دنیا بارندگی شد. قرآن به صراحت می‌گوید شراب و قمار مضرات و منافی دارد. البته این توجیه نمی‌شود که ما به خاطر منافعش برویم شراب بخوریم؛ چرا که در ادامه آیه می‌فرماید چون ضررش بیشتر از منافعش است خوردن آن ممنوع و حرام است.

این برای ما یک استاندارد می‌شود. هر چیزی که ضررش بیشتر از نفعش باشد استفاده کردن از آن بد است. آیت الله اراکی در این باره می‌فرمایند که اسلام ورای این مسأله نیز مباحثی دارد که اگر چیزی منافع و مضراتی داشت که منافعش از مضراتش بیشتر بود، اما ضرری داشت که غیر قابل اجتناب بود باز هم استعمال آن حرام است.

وایبر، واتس آپ، لاین و... محصول بد هستند. چون نمی‌شود راهی پیدا کرد که ما از تلگرام و واتس آپ و... استفاده بکنیم و با هر کلیک پول به اسرائیل نرسد. تلگرام را نصب بکنیم و اطلاعات از کشور خارج نشود. به دوربین و میکروفن موبایلمان دسترسی نداشته باشد. این کار محال است. چون تا زمانی که این تعهدات را نپذیرید که تلگرام بتواند این دسترسی‌ها را داشته باشد اصلاً تلگرام روی گوشی نصب نمی‌شود.

گروهی از محصولات آی تی محصولات خوب هستند. که آنها را خودمان ساخته‌ایم و یا دیگران. مثلاً نرم‌افزارهای بیسفون، سلام، سروش، نسیم و... نرم‌افزارهای خوبی هستند. در اینها هم ضررهایی است، اما نفعشان بیشتر از ضررهاشان است. سرورها در داخل ایران است. اطلاعات در داخل ایران است. اطلاعات از کشور خارج نمی‌شود. کلیک روی این شبکه‌ها باعث نفع خارجی نمی‌شود.

یکی از مسئولان کشور در سخنرانی‌هایش می‌گوید که نمی‌شود از فناوری‌های روز مثل توییتر، فیس بوک، یوتیوب و... استفاده نکرد. و بعد از چند روز یک مجله فرانسوی نوشته بود که رییس جمهور ایران هم فرق بین

فناوری و محصول را نمی‌فهمد.

در فرق بین کشور عقب افتاده و کشور پیشرفته شاخصی که باعث تشخیص این دو از هم می‌شود فناوری است. کشوری که فناوری دارد و می‌تواند با استفاده از آن محصول تولید کند کشوری پیشرفته است. هر مقدار که بیشتر بتواند کالا تولید کند کشورهای عقب افتاده بیشتر به او وابسته خواهند شد و به همان مقدار پیشرفت می‌کند. کشور عقب افتاده هم کشوری است که از این کالا استفاده می‌کند. به میزانی که مصرف می‌کند پس‌رفت می‌کند. مثلاً ما ۱۲ درصد ژاپنی‌ها اینترنت مصرف می‌کنیم. اما ژاپن در فضای مجازی پیشرفته‌تر است یا ایران؛ یا گوشی‌های هوشمند را آمریکایی‌ها اختراع کردند. در حالی که آمار پلیس آمریکا می‌گوید ۱۲ درصد مردم آمریکا از گوشی‌های هوشمند استفاده می‌کنند. در حالی که وزارت ارتباطات ما می‌گوید که ۵۶ درصد مردم ایران گوشی‌های اندرویدی دارند. حالا سوال این است که در این حوزه کدام یک پیشرفته‌تر است؟

سابقه اینترنت در ایران

در سال ۷۱ اینترنت وارد ایران شد. در این تاریخ هیچ کدام از کشورهای اطراف ایران اینترنت نداشتند. چین، روسیه، ژاپن و... هیچ کدام به اینترنت متصل نبودند. ایران به عبارتی اولین کشوری بود که در آسیای غربی به اینترنت متصل شد. ما جزو ده کشور اول دنیا در دسترسی به اینترنت بودیم. بعد از گذشت ۲۵ سال تا الان ما همه چیز را پای اینترنت ریخته‌ایم؛ عزت و شرف و ناموس و... دور افتاده‌ترین روستاهای ما که آب آشامیدنی ندارند به اینترنت پرسرعت متصل هستند.

سال ۱۳۸۸ ما دو میلیون کاربر اینترنت داشتیم، اما الان ۶۸ میلیون نفر داریم. دو سال پیش ۲۵۰ هزار گوشی هوشمند در ایران وجود داشت، اما الان این آمار به ۴۰ میلیون رسیده است.

هر چقدر تحریم‌ها افزایش پیدا کرد سرعت اینترنت در ایران هم افزایش پیدا کرد. در اوج تحریم‌ها هیچ موقع کمبود گوشی همراه در ایران احساس نشد.

کنگره آمریکا قصد داشت اینترنت ایران را قطع کند. اوباما در کنگره می‌گوید من با بودجه جنگ نرم اینترنت را وارد ایران کردم و سرعت اینترنت را افزایش دادم و با بودجه جنگ نرم گوشی‌های اندرویدی و آیفون را وارد ایران کردم. بعد همان سخنرانی این طرح به طور کامل از دستور کار کنگره خارج می‌شود و بودجه جنگ نرم هم ده برابر افزایش پیدا می‌کند.

هر چقدر سرعت اینترنت افزایش پیدا می‌کند راندمان تحصیلی کاهش پیدا می‌کند. سال ۹۳ هشتاد درصد دانش‌آموزان معدلشان زیر ۱۴ بوده و در سال ۹۴ این عدد به زیر ۱۲ رسیده است.

در دانشگاه‌ها وضع علمی بسیار به هم ریخته است. در کلاس استاد و دانشجو سرشان مدام در موبایل است. اینترنت در خوابگاه‌ها رایگان و پرسرعت است.

۷۲ درصد کسانی که گوشی‌های هوشمند اینترنت‌دار دارند معتاد به آن هستند. به گفته مقام مسئول وزارت ارشاد ایرانی‌ها روزی ۹ ساعت از اینترنت استفاده می‌کنند. در کدام کشور صنعتی این وضع وجود دارد؟!

یک موسسه اینترنتی آمار می‌دهد ۳۶ درصد اینترنت مصرفی در ایران دانلود فیلم‌های پرنوگرافی با کیفیت hd بوده است؛ یعنی یک‌سوم درآمد وزارت ارتباطات از راه فروش فیلم‌های پرنوگرافی بوده است.

تلگرام را صهیونیست‌های روس تبار پناهنده آلمان طراحی کردند و الان در تعقیب دولت روسیه هستند. سرورش و دفترش در انگلیس است. محل نگهداری اطلاعاتش در ساختمان بی‌بی‌سی است و دفتر اصلی‌اش در خاک رژیم صهیونیستی است. سرمایه‌گذارش هم آقای به نام لاش ویلیج می‌باشد که رییس کنگره صهیونیست‌هاست و نتانیاهو می‌گوید ایشان از برادر به من

نزدیک‌تر است و مایه فخر رژیم صهیونیستی است. در تلگرام اسرائیل، آلمان، انگلیس و روسیه نقش دارند، بعد ۸۲ درصد کاربران تلگرام ایرانی هستند. مفهوم جهاد کبیر چیست؟ جهاد به لذت‌طلبی بودن در تضاد است.

چرا در انتخابات گذشته در تهران چنین وضعی پیش آمد؟ بی‌بی‌سی یک فهرست می‌دهد. رهبری می‌گوید به این فهرست رأی ندهید. بعد همان فهرست در تهران رأی می‌آورد.

بی‌بی‌سی در گزارشش نگفت به کدام فهرست رأی بدهید یا ندهید. گفت فلان فهرست ردی می‌آورد. بی‌بی‌سی از کجا فهمیده بود؟ چون سرور تلگرام در انگلیس است. از طریق تلگرام مهندسی افکار عمومی کردند که ما نفهمیدیم.

بعد آقایان دور هم جمع می‌شوند و می‌گویند بعد از خرداد سال آینده سرور تلگرام باید به داخل ایران بیاید؛ یعنی انتخابات آینده هم باید توسط تلگرام تعیین تکلیف شود. در انتخابات سال ۸۸ هم فتنه به همین طریق شکل گرفت و به نظر فتنه آینده خطرناک‌تر خواهد بود. فتنه انتخابات سال ۹۴ هم فتنه خطرناکی بود، منتها چون سطل اشغال را آتش زدند نفهمیدیم. مقام معظم رهبری در فتنه ۸۸ سه بار گفتند که آمریکا از طریق فیس‌بوک و توییتر می‌خواست در کشور ما کودتا کند و نظام را عوض کند.

اینترنت حاصل آپلود و دانلود است. چیزی که ما به عنوان مثال در تلگرام خودمان تولید می‌کنیم و آن را در اینترنت بارگذاری می‌کنیم و محصول کار خودمان است را باید از آمریکا و اسرائیل بخریم و برای دسترنج خود هم پول بپردازیم.

۱۴ میلیارد بسته اطلاعاتی به شکل عکس و فیلم و متن طی یک ماه از ایران به سرقت رفته است. وضع حفاظت اطلاعات ایران از افغانستان هم بدتر است.

ادوارد اسنودن می‌گوید ما در ایران نقطه کور اطلاعاتی نداشتیم؛ یعنی

حتی مسئولینی که خودشان از گوشی‌های هوشمند استفاده نمی‌کردند خانواده‌هایشان از این ابزارها استفاده می‌کردند.

انقلابی که در مصر رخ داد به انقلاب فیس‌بوکی معروف بود. مرسی نفهمید که شعار انقلاب فیس‌بوکی در مقابل انقلاب اسلامی را آمریکایی‌ها طراحی کرده‌اند. در بهبوه انقلاب یک صفحه در فیس‌بوک ایجاد کرد و از مردم خواست که در این صفحه عضو شوند و مطالب را پیگیری کنند. عضوها به یک میلیون و دویست هزار رسید. تیم فیس‌بوک خیلی خوشحال شدند. شب کودتا، ارتش مصر ۲۹۰۰ نفر از انقلابیون را در محل زندگی‌شان دستگیر کردند. آنها همه در فیس‌بوک صفحه داشتند. صفحه آنها را به همراه صفحه فیس‌بوک مرسی با همدیگر بستند. مردم که دیگر ابزار ارتباطی با رهبران‌شان نداشتند گیج و مات و مبهوت شدند. ۲۹۰۰ نفر چگونه به سرعت شناسایی شدند؟ صفحه آنها چگونه بسته شد؟ محل زندگی‌شان چگونه شناسایی شد؟

یکی از اطرافیان امام می‌گوید ما در پاریس به دیدار امام رفتیم و به ایشان گفتیم شما یک نوار را در پاریس ضبط می‌کنید و دست به دست می‌کنید تا به ایران برسد. بعد نوار که به ایران رسید تازه باید دست به دست بین مردم توزیع شود. هم خیلی زمان‌بر است و هم خطر جانی زیادی دارد. این فرد پیشنهاد داد که خبرنگار بی‌بی‌سی این جاست. شما همین الان صحبت بکنید، ما مطالب شما را زنده از رادیو بی‌بی‌سی ایران پخش می‌کنیم. دردسری هم ندارد. حضرت امام در جواب فرمودند که ما شاه را به انقلابی که انگلیس بخواهد در ایجادش به ما کمک بکند ترجیح می‌دهیم. ما ترجیح می‌دهیم شاه را داشته باشیم اما از انگلیس کمک نخواهیم.

در بحرین بعضی از انقلابیون این کشور در فیس‌بوک ثبت نام کردند. خود فیس‌بوک اعلام کرد که اطلاعات فیس‌بوک آنها را به دولت بحرین داد و ۱۰۶ نفر را یک شبه بازداشت کردند.

جنبش ۹۹ درصد آمریکا چه شد؟ چه بلایی سرش آمد؟ کجا رفتند؟ آنها

هم اشتباهشان این بود که از این شبکه‌ها استفاده می‌کردند. سازمان سیا به سرعت سرشبکه‌های آنها را شناسایی کرد و در دادگاه دولت آمریکا مکالمات آنها را در فیس‌بوک نشان داد و دادگاه هم آنها را به حبس ابد محکوم کرد. برای به کارگیری فناوری باید علم داشته باشیم. باید این علم را مطابق با باورها و اعتقاداتمان تبدیل به محصول بکنیم و از محصولات حاصل از فناوری هم خوب استفاده نماییم.

پیوست فرهنگی

مقام معظم رهبری در ماده یک سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه نوشتند که هر چیزی که وارد کشور می‌شود باید پیوست فرهنگی داشته باشد.

پیوست فرهنگی چیست و آیا فقط مخصوص ایران است؟ در سال ۱۹۹۴ در آمریکا قانونی تاسیس شد به این شکل که هر چیزی که به آمریکا وارد می‌شود و یا از آمریکا صادر می‌شود باید پیوست فرهنگی و امنیتی داشته باشد و سازمان سیا مامور این تایید است.

حضرت آقا می‌فرمایند «یک محصول که وارد کشور می‌شود مانند یک زمین است که در آن محصولی کاشته می‌شود. در کاشت این محصول تمام ملاحظات کشاورزی رعایت شده است». اما یک سوال: برای نابود کردن علف‌های هرز این زمین کل زمین کشاورزی را آتش می‌زنند یا خیر؟ پیوست فرهنگی یعنی این که جوری علف‌های هرز را از بین ببریم که به زمین و محصولمان آسیبی وارد نشود.

بعد از تصویب برنامه پنجم توسعه فقط یک چیز در ایران پیوست فرهنگی داشته است، آن هم فقط رایتل بوده است. البته پیوست فرهنگی رایتل نیز هیچ محتوایی نداشته و صرفاً امضای صاحبان شرکت روی آن خورده بود. بعد همان فردی که در سند پیوست فرهنگی رایتل یک کاغذ سفید را به

ثبت رسانده بود در حال حاضر دبیر شورای عالی فضای مجازی کشور شده است.

سواد فضای مجازی

آموزش سواد فضای مجازی یعنی این که از محصولات بد استفاده نکنیم و از محصولات خوب، خوب استفاده کنیم. در مورد استفاده از محصولات بد مثل این قضیه است که ده سال به بچه‌مان آموزش بدهیم که روی باتلاق برو اما مراقب باش که پایین نروی. جایی که اراده موثر نیست آموزش مطرح نیست.

خود غربی‌ها می‌گویند که اگر کسی از این بازی‌ها و شبکه‌ها استفاده کرد و به انحراف کشیده نشد دو احتمال وجود دارد: یا این که این بچه مریض است، یا معجزه شده است.

در کشور آمریکا در سال ۱۹۹۸ قانونی تصویب شد که بر اساس این قانون اگر خانواده‌ای اجازه بدهد فرزند زیر ۱۶ سال آن خانواده وارد شبکه‌های اجتماعی عکس‌محور و فیلم‌محور بشود دادگاه بچه را از آن خانواده می‌گیرد و به پرورشگاه می‌دهد.

اوباما می‌گوید من دختر دانشجویم را اجازه نمی‌دهم از این شبکه‌ها استفاده کند. می‌گوید من در خانه‌ام اینترنت ندارم و هیچ کدام از اعضای خانواده من هم از گوشی هوشمند استفاده نمی‌کنند.

در مذاکرات هسته‌ای یکی از حاضران در جلسه تعریف می‌کرد که آقای جان کری با دیدن گوشی آقای ظریف می‌گوید اگر من یک گوشی مثل گوشی تو داشته باشم در آمریکا من را تویخ می‌کنند. بعد از ظریف خواست که گوشی را از اتاق بیرون ببرند. بعد آقای عراقچی می‌گوید ما قبل از شروع مذاکرات مباحثان را در وایبر با هم هماهنگ می‌کردیم.

رییس اندروید می‌گوید من با کلیک‌های معمولی شما می‌فهمم که شما

چه کسی هستید، کجا هستید، به چه چیزی فکر می‌کنید، در آینده چه چیزی خواهید شد و به چه چیزی خواهید اندیشید و حتی می‌توانم کاری کنم که به چیزی بیندیشید که من می‌خواهم.

وقتی انگلیسی‌ها می‌خواستند نفت مسجدسلیمان را به عنوان ماده بد بو و فاضلاب از ایران خارج کنند ناصرالدین شاه خیلی خوشحال شد که نباید به خاطر این خدمت بریتانیا به آنها پولی بپردازد. انگلیسی‌ها اولین فحشاخانه‌ها و اولین سینماها را در مسجدسلیمان راه انداختند تا مردم دیگر فکر نکنند و سوال در ذهنشان نیاید.

سوال را مسجدسلیمانی‌ها پرسیدند که اصلاً انگلیسی‌ها خیرخواه ما هستند؟ چرا به خودمان این کار را یاد نمی‌دهند؟ چرا این فاضلاب را سوار کشتی می‌کنند و می‌برند؟ چرا از هند کارگر می‌آورند و از کارگران خودمان استفاده نمی‌کنند؟ چرا اجازه نمی‌دهند کسی نزدیک مرکز استخراج آن بشود؟

الان در عصر اطلاعات، ارزشمندترین چیز خود اطلاعات است که بدون بها در اختیار غرب قرار می‌گیرد. خودمان می‌دهیم و پول هم رویش می‌گذاریم. یک عده روشنفکر شروع کرده‌اند به ترویج این مسأله که باید ماهواره در خانه همه باشد. اما باید به همه یاد بدهیم که کانال‌های بد را نبینند.

چرا به یزید لعنت می‌فرستیم؟ چون علاوه بر قتل امام حسین یزید سکولار بود. مشروب می‌خورد و نمازش را هم می‌خواند. ما هم در شبکه تلگرام که کثیف‌ترین اطلاعات و بدترین توهین‌ها به ائمه مذهبی ما در آنجا به وفور یافت می‌شود آمده‌ایم کانال مذهبی راه انداخته‌ایم و این همسایگی با فحشا و بی‌دینی، یعنی سکولاریسم.

چرا شاه را از ایران بیرون کردیم؟ شاه که مسلمان بود. مکه می‌رفت. مسجد می‌ساخت. حوزه علمیه می‌ساخت. چون سکولار بود. مشروب می‌خورد. زنش بی‌حجاب بود. روبه‌روی در مهدیه تهران مشروبخانه بود.

می‌گفت نه نمازگزار کاری به من داشته باشد، نه مشروب‌خور. هیچ کدام هم با همدیگر کاری نداشته باشند.

مدتی پیش یک شرکت اسرائیلی به بعضی از مساجد عربستان هدیه‌ای داده است. هدیه‌ای که داده بود دستگاه وضوگیر بود.

در آمریکا کلمه free به معنی رایگان نیست، بلکه به معنی آزاد است. نرم‌افزاری آزاد است که به شما اجازه می‌دهد از بخشی از امکاناتش استفاده کنید و پول مستقیم از شما نگیرد. در عوض شما هم به او اجازه می‌دهید که عکس و فیلم و اطلاعاتتان را بگیرد و بفروشد.

پیش از این دوربین‌های فیلم‌برداری یک درپوش داشت که موقع فیلم برداری باید آن را کنار می‌زدیم. علت این که نور برای لنز دوربین‌ها بسیار مضر است. پس چرا دوربین موبایل‌های ما هیچ کدام درپوش ندارند؟

تلویزیون‌هایی تولیدشده به نام تلویزیون‌های هوشمند که بعضاً دوربین دارند. شرکت سامسونگ اسفند سال ۹۳ اطلاعیه داد که جلوی گوشی‌ها و تلویزیون‌های هوشمند خود حرف‌های خصوصی زنید. چون ما می‌خواهیم فیلم بگیریم. بعداً ناراحت نشوید.

روزی ۲۵۰ بار موقعیت مکانی شما به اینترنت ارسال می‌شود.

علت این که از نیروهای نظامی خواسته می‌شود که از گوشی‌های اندرویدی استفاده نکنند این مطلب است. یک ابزار صد درصد جاسوسی وارد خانه ما می‌شود.

الان سرویس‌های جاسوسی می‌دانند کدام یک از ما اصولگرا هستیم. کدام اصلاح‌طلب هستیم. کدام مذهبی سفت و سخت هستیم. کدام مذهبی ظاهری هستیم.

یک عکس که توسط کاربر ایرانی از طریق این شبکه‌ها بارگذاری می‌شود در ۱۶ نقطه دنیا کپی می‌شود.

شجره اینترنت: ریشه درخت اینترنت در ایالات متحده آمریکا است و یک

تعدادی شرکت وظیفه پشتیبانی و مدیریت اینترنت جهانی را بر عهده دارند. درخت اینترنت دو سگ نگهبان دارد؛ FBI پلیس فدرال و NSA آژانس امنیت ملی آمریکا که مامور هستند بر عملکرد اینترنت نظارت کنند که اینترنت علیه منافع ملی آمریکا فعالیت نکند.

اینترنت بعد از رسیدن به ایران به شرکت ارتباطات زیرساخت می‌رسد؛ یعنی این شرکت نماینده رسمی آژانس امنیت ملی آمریکا در ایران است و طبق مصوبه تنظیم مقررات تاسیس شده است. تنظیم مقررات یعنی مقررات ایران بر حسب مقررات آمریکا تنظیم شود. در هیچ کجای جهان سازمانی به نام تنظیم مقررات وجود ندارد. حتی در رژیم صهیونیستی سازمان تقنین مقررات وجود دارد که قواعد را تصویب می‌کند و به آمریکا اعلام می‌کند که مقررات دریافت اینترنت ما این است، باید رعایت کنید.

شرکت اینترنت زیرساخت، اینترنت را از آمریکا می‌گیرد و در اختیار ISPها (مثلاً شاتل) و اپراتورها (مثلاً همراه اول) و وایمکسها (مثلاً مبین نت) قرار می‌دهد.

طبق قرآن چیزی که ریشه‌اش در کفر باشد شجره خبیثه است. پس محصولات این شجره خبیثه هم خبیثه است.

تا جایی کاربرد موبایل توسط ما زیاد شده است که در خلوت‌ترین لحظات هم از آن استفاده می‌کنیم و شب‌ها آخرین چیزی که به آن نگاه می‌کنیم و صبح اولین چیزی که چک می‌کنیم موبایل ماست. به حدی که گفته می‌شود موبایل از شخصیت و منش ما بیشتر از اطلاعاتی که خود ما از خودمان داریم اطلاعات دارد.

چرا جامعه آلوده می‌شود؟ چون شجره خبیثه در همه جای این جامعه ریشه دوانده است. این اینترنتی که اکنون در ایران در حال استفاده است در هیچ جای جهان به این شکل استفاده نمی‌شود. بعضی از کشورها باید ۱۵ سال تلاش کنند تا به جایگاه ما برسند.

زمانی که اینترنت وارد ایران شد ما در حوزه فناوری اطلاعات جزو ۱۰ کشور اول دنیا بودیم. الان جزو ده کشور آخر دنیا هستیم. هر چقدر سرعت اینترنت افزایش پیدا می‌کند سیر نزولی ما در حوزه فناوری اطلاعات افزایش پیدا می‌کند. سرعت از سال ۷۲ تا الان ۱۰۰ برابر افزایش یافته است. سازمان اقتصاد جهانی می‌گوید اگر مصرف اینترنت در ایران به همین شکل ادامه داشته باشد ایران تا ۵ سال آینده ۱۲ پله دیگر سقوط می‌کند.

علت این موضوع آن است که در بحث اینترنت از کابل مخابراتی تا ابزارهای استفاده از اینترنت همه چیز وارداتی است. هر چه نرم‌افزار خارجی تولید شود کشوری که آن نرم‌افزارها را تولید کرده پیشرفت می‌کند و کشور مصرف‌کننده پسرفت می‌کند.

هر کس به هر قدر که به این شجره خبیثه کمک کند به همان اندازه به اسلام خیانت کرده است.

راهکارهای تحقق جهاد کبیر در فضای مجازی

راهکارها: اولین و مهم‌ترین کاری که ما می‌توانیم در این حوزه انجام دهیم مطالبه‌گری است. اینترنت سالم، سریع، ارزان و امن یعنی همان شبکه ملی اطلاعات که ده پانزده سال پیش توسط مقام معظم رهبری مطرح شد. دستورها را مطالبه کنید. از هر طریقی که می‌توانید؛ بیانیه دادن، مقاله نوشتن، حضور در سخنرانی مسئولان و اعتراض به آنها و

نهیضت پرشش‌گری: نوشتن نامه به مسئولان کشور و سوال کردن از عملکردشان. از آنها سوال کنید که شما چگونه از فرزندان در برابر این سیل فضای مجازی محافظت می‌کنید. چگونه کاری می‌کنید که از این شبکه‌ها استفاده کنیم بدون این که اطلاعاتمان از کشور خارج شود.

حضرت آقا می‌گوید؛ باید در فضای مجازی یک انقلاب صورت گیرد.

ما مطالبه اجرای قانون داریم. ماده ۴۶ و ۴۷ برنامه پنجم می‌گوید دولت

باید ظرف یکسال شبکه ملی فضای مجازی را تاسیس کنید.
جهاد تبیینی را انجام دهید. همین نکات را به دیگران بگویید.
خودمان را از ابتلا نجات دهیم. انسان مبتلا نمی تواند ادعایی داشته باشد.
اول خودمان را نجات دهیم.

از نرم افزارهای ایرانی به جای نرم افزارهای خارجی استفاده کنیم. امروز به
ازای هر نرم افزار خارجی یک نرم افزار ایرانی هم تولید شده است. کم
کیفیتی اش را تحمل کنید که این تحمل جهاد امروز است. مثل سروش /
بیسفون / سلام و... به جای تلگرام و... .

از همین نرم افزارها هم بیش از یکی دو ساعت استفاده نکنید.
به جای ایمیل و جی میل از چاپار، رایانا و... استفاده کنید.
به جای گوگل صددرصد اسرائیلی از یوز و پارسی جو و سلام استفاده
کنید.

گوشی دست دوم نفروشید و گوشی دست دوم هم نخرید. از گوشی های
معمولی استفاده کنید. اگر می خواهید با گوشی فعالیت انجام دهید با گوشی
اندرویدی فقط استفاده اینترنتی کنید.

از گوشی های داخلی استفاده کنید. شرکت جی ال ایکس ۳۵۰۰ کارگر در
خرمشهر داشت؛ الان فقط ۸۰ کارگر دارد، بقیه اخراج شده اند.

با موبایل هایتان عکس خصوصی نگیرید. برای عکس گرفتن از دوربین
دیجیتال استفاده کنید و برای دیدن آنها از تلویزیون یا از آلبوم های دیجیتال
استفاده کنید.

روزنه‌های قلب در انتخابات آمریکا

ایالات متحده آمریکا با ادعای پیش‌قراولی در جهان دموکراسی، سیستم انتخاباتی خود را نمونه موفقی از در این جهان می‌داند تا آنجا که خود را به عنوان کشور انتخابات معرفی می‌کند، اما این روزها خبرهای خوبی در مورد این سیستم و شهرت انتخاباتی آمریکا به گوش نمی‌رسد. دونالد ترامپ، نامزد جمهوری‌خواهان، مدعی قلب از طرف دموکرات‌ها در انتخابات ماه نوامبر ریاست جمهوری شده و گفته که هیلاری کلینتون، نامزد دموکرات‌ها، با قلب می‌تواند در این انتخابات پیروز شود. هر چند که ادعای او در مورد قلب را می‌توان یک شگرد تبلیغاتی علیه رقیب دموکرات باشد، اما به نظر می‌رسد که او در این ادعا تنها نیست و هستند بسیاری از شهروندان آمریکایی که با او هم‌عقیده هستند. اسکات مک لارتنی از حزب سبز آمریکا هم مدعی قلب در انتخابات ریاست جمهوری است و می‌گوید که قوانین دسترسی به صندوق‌های رأی مانع از حضور نامزدهای مستقل در روند انتخابات این کشور است.

به نظر می‌رسد که ترامپ با شگرد تبلیغاتی خود موضوعی را زنده کرده که در سال‌های گذشته وجود داشت، اما به دلیل همان شهرت پیش‌قراولی آمریکا، کسی حاضر به طرح جدی آن نبود، اما حالا معلوم شده که سیستم انتخاباتی آمریکا پر از روزنه‌های قلب است.

نگرانی عمومی

نظرسنجی انجام‌شده توسط بلومبرگ حکایت از نگرانی دست کم یک‌سوم از رأی‌دهندگان آمریکا از بروز قلب در انتخابات هشتم نوامبر ریاست جمهوری است و علاوه بر این تعداد، ۵۶ درصد از حامیان ترامپ به صورت

جدی معتقد به تقلب در این انتخابات هستند. باید توجه داشت که بلومبرگ از موسسات حامی کلinton است، اما نظرسنجی آن بیشتر دلالت بر تایید ادعای ترامپ از سوی پاسخ‌دهندگان بوده است. این به معنای نگرانی عمومی از سلامت و شفافیت انتخابات هشتم نوامبر است و به همین دلیل هم ترامپ از حالا به فکر تشکیل گروهی از ناظران انتخاباتی است تا با حضور در حوزه‌های رأی‌گیری مانع تقلب دموکرات‌ها در انتخابات بشوند. هر چند که او با این ناظران به فکر جلوگیری از تقلب است، اما باید گفت که با نگاهی به سابقه سیستم انتخاباتی آمریکا می‌توان روزه‌های مختلف و متنوعی از تقلب را مشاهده کرد که با ناظران انتخاباتی این روزه‌ها مسدود نمی‌شوند.

سابقه تقلب

مشهورترین مورد از تقلب در سال ۲۰۰۰ و در جریان انتخابات ریاست جمهوری اتفاق افتاد که جورج بوش از طرف جمهوری خواهان توانست ال‌گور دموکرات را شکست دهد و به ریاست جمهوری برسد. رقابت نزدیک بین این دو کار را به ایالت فلوریدا کشاند چنان که نتیجه این انتخابات پیروز نهایی را مشخص کرد و بوش تنها با ۵۳۷ رأی بیشتر از ال‌گور نتیجه این ایالت را برد تا به ریاست جمهوری برسد. بازشماری آرا همان زمان غوغایی به بار آورد و در حالی ال‌گور از ادامه مبارزه با بوش انصراف داد که بسیاری معتقد بودند در شمارش آرا تقلب شده اما بعد معلوم شد که جب بوش، فرماندار وقت فلوریدا، تمهیداتی به نفع برادرش در نظر گرفته بود. یکی از این تمهیدات حذف هزاران آمریکایی آفریقایی تبار و لاتین تبار بود که آنها از رأی دادن محروم می‌کرد و باعث می‌شد تا از سبد رأی ال‌گور کم بشود. پاملا کارلان، معاون دادستان کل حقوق مدنی، بعد چند سال تحقیق در این موضوع اعلام کرد: «هزاران رأی‌دهنده که بی‌شک حق رأی داشتند، از رأی دادن محروم شدند». برای اصلاح این تقلب انتخاباتی قانون فدرال «کمک به رأی در

آمریکا» دو سال بعد تصویب شد، اما تقلب باز چهار سال قبل در همین ایالت تکرار شد.

ریک اسکات، فرماندار جمهوری‌خواه فلوریدا، نام ۲۷۰۰ نفر را از فهرست رای‌دهندگان حذف به این ادعا که آنها آمریکایی نیستند اما بعد دروغی این ادعا معلوم شد. جودیت براون دیانیس، مدیر انجمن حقوق مدنی پروژه پیشرفت، در نامه‌ای به اسکات نوشت: «همه ما می‌دانیم که فلوریدا در حذف رأی‌دهندگان اقلیت‌ها سرآمد است، این را در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴ با ایجاد فهرست دروغین از مجرمان و حذف ده‌ها هزار آمریکایی آفریقایی‌تبار که حق شرکت در انتخابات را داشتند، به اثبات رساند. فلوریدا برای حفظ یک‌پارچگی انتخابات باید از روند جلوگیری شرکت برخی از شهروندان در انتخابات دست بردارد». هر چند که تقلب اسکات تاثیری در نتیجه نهایی نداشت و باعث پیروزی هم‌حزبی جمهوری‌خواه او در انتخابات ریاست جمهوری نشد، اما تقلب ۲۰۰۰ حساس و تعیین‌کننده بود و همان تقلب پیروزی بوش را رقم زد تا بعد فرمان لشکرکشی‌ها به خاورمیانه را امض کند.

ابزار تقلب

روپرت کورنول در روزنامه ایندپندنت از «سرکوب مشارکت» در سیستم انتخاباتی آمریکا می‌گوید؛ چرا که حاکمیت آمریکایی با ادعای سکانداری جهان آزاد اجازه گزارش تقلب در انتخابات خود را نمی‌دهد. او از دو وجه نقشه تا اندازه‌ای جامع از ابزارهای تقلب در انتخابات آمریکا را ترسیم می‌کند. وجه نخست ارتباط به ویژگی هر ایالت از ۵۱ ایالت آمریکا دارد که باعث می‌شود تا هر ایالت ساعت رأی‌گیری خاص خود، قوانین و فرم‌های رأی‌گیری خاصی داشته باشد و دولت هر ایالت و نه دولت فدرال است که تصمیم می‌گیرد هر رأی‌دهنده در زمان رأی دادن چه مدارکی را باید به همراه داشته باشد. وجه دوم عبارت از وضعیت به شدت دو قطبی در انتخابات آمریکا به

واسطه دو حزب دموکرات و جمهوری خواه است که از یک سو هر عضو سومی را از قبل حذف می کند و از سوی دیگر، وضعیت دو قطبی آن قدر حاد است که هر دست کاری و تقلب کوچک هم می تواند تعیین کند. این دو وجه از نقشه کورنول توضیح می دهد که چگونه جب بوش در ۲۰۰۰ و اسکات در ۲۰۱۲ در انتخابات ریاست جمهوری تقلب کردند یا این که چگونه ابزاری مثل نوع کارت شناسایی، میزان سواد و دانستن زبان انگلیسی یا زمان رای گیری و دیگر موارد مبدل به ابزار تقلب می شوند. برای مثال، ایالت تگزاس از ۲۰۱۱ تنها سند گواهی حمل اسلحه و کارت شناسایی صادر شده از سوی مقامات را برای رای دادن قبول دارد، در حالی که گواهی حمل اسلحه بیشتر در دست اعضا و حامیان جمهوری خواه است تا دموکرات و داشتن کارت شناسایی هم اجباری نیست و بسیاری از شهروندان آن را ندارند.

یکی دیگر از ابزارهای قابل توجه تقلب تایید یا رد صلاحیت رأی دهندگان قبل از زمان رای دادن است. در واقع، هر صاحب رأی در سیستم انتخاباتی آمریکا برای انداختن رای خود در صندوق باید قبل اقدام به ثبت نام کرده باشد و مقامات دولتی هم با بررسی پرونده او صلاحیتش را برای رای دادن تایید یا رد می کنند. ادعا می شود که این روش برای ممانعت از جعل هویت لازم است اما باید توجه داشت که طی قریب به یک دهه و نیم تنها ۳۱ نفر به دلیل تقلب و جعل هویت مجرم شناخته شده اند و این موضوع به آن حدی نیست که برای احراز هویت رأی دهندگان ضرورتی داشته باشد. در مقابل، احراز هویت و تایید یا رد صلاحیت رأی دهندگان ابزار مناسبی به دست مقامات ایالتی می دهد تا جریان انتخابات را با حذف تعداد مورد نظر از رأی دهندگان، جریان انتخابات را مهندسی بکنند. با توجه به این میزان از تنوع و کثرت ابزارهای تقلب در سیستم انتخاباتی آمریکا باید گفت که گذاشتن ناظر در حوزه انتخاباتی هیچ تاثیری برای جلوگیری از تقلب ندارد و نمی تواند روزهایی را ببند که از طریق آنها مهندسی انتخابات انجام می شود.

وظایف و اختیارات ریاست جمهوری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

دکتر هادی رجبی

رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور بعد از رهبر است که توسط رأی عمومی مردم انتخاب می‌شود. پس از ایجاد تغییرات قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، اقتدارات رئیس‌جمهور به نحو چشمگیری افزایش یافت، تا جایی که اینک، برای ایفای نقش‌های سیاسی محوله دارای ابتکار عمل مؤثر می‌باشد.

مطابق با قانون اساسی، رئیس‌جمهور مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را عهده‌دار است. او رئیس قوه مجریه است. امضای عهدنامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و مسائل مربوط به دیگر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، برنامه‌ریزی ملی، بودجه و وظیفه انتصابات دولتی، انتصاب وزراء، استانداران و سفرا، از جمله وظایف رئیس‌جمهور است. همچنین رئیس‌جمهور رئیس شورای عالی امنیت ملی و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی است. رئیس‌جمهور برای مدت چهار سال توسط رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود و نباید برای بیش از دو دوره متوالی در این سمت باقی بماند. تعیین حوزه وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور در جمهوری اسلامی ایران، وابسته به اصولی است که قانون اساسی عهده‌دار تبیین این موضوع است. در ادامه سعی خواهد شد تا به بررسی این وظایف و اختیارات در قانون اساسی پرداخته شود. همچنین با مرور وظایف و اختیارات رهبری در قانون اساسی به این سوال که آیا مقام معظم رهبری این اختیار را در چارچوب قانون اساسی جمهوری دارد تا در امور اجرایی مداخله نماید؟ پاسخ داده خواهد شد.

وظایف و اختیارات رئیس جمهور در قانون اساسی:

- مسئولیت اجرای قانون اساسی: یکی از مهم‌ترین وظایف رئیس جمهور اجرای قانون اساسی است و می‌تواند از طریق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی و پیگیری اقدامات لازم را به عمل آورد و در صورت توقف یا عدم اجرای اصلی از اصول قانون اساسی به نحو مقتضی اقدام نماید؛ اصل ۱۱۳ قانون اساسی در این باره به صراحت بیان کرده است: «پس از مقام رهبری، رئیس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد».

در صورت توقف یا عدم اجرای اصلی از اصول قانون اساسی رئیس جمهور در اجرای وظایف خویش برای اجرای قانون اساسی به نحو مقتضی اقدام می‌نماید و برای این منظور می‌تواند مراتب را به اطلاع بالاترین مقام مسئول مربوطه برساند و علت توقف یا عدم اجرا را خواستار گردد. مقام مسئول موظف است پاسخ خود را به طور مشروح و با ذکر دلیل به اطلاع رئیس جمهور برساند. در صورتی که پس از بررسی به تشخیص رئیس جمهور توقف یا عدم اجرا ثابت گردد، نسبت به اجرای اصل یا اصول مربوطه و رفع عوارض ناشی از تخلف اقدام و در صورتی که تخلف مربوط به نخست‌وزیر و وزراء باشد، به مجلس شورای اسلامی ارجاع می‌دهد و در غیر این صورت پرونده امر به مرجع صالح ارسال خواهد شد. به منظور اجرای صحیح و دقیق قانون اساسی، رئیس جمهور حق اخطار و تذکر به قوای سه‌گانه کشور را دارد. رئیس جمهوری می‌تواند سالی یک بار آمار موارد توقف، عدم اجرا و نقض و تخلف از قانون اساسی را با تصمیمات متخذة تنظیم کند و به اطلاع مجلس شورای اسلامی برساند (قانون وظایف و اختیارات ریاست جمهوری).

رئیس جمهور برای این مسئولیت دلایل توجیهی قابل قبولی وجود دارد.

رئیس جمهور: ۱ - نماینده منتخب و مستقیم مردم و یکی از مظاهر برجسته حاکمیت ملی است (اصل ۱۱۴)؛ ۲ - عالی‌ترین مقام رسمی کشور پس از مقام رهبری است (اصل ۱۱۳)؛ ۳ - مورد تأیید مقام رهبری است (اصل ۱۱۰)؛ ۴ - رئیس قوه مجریه است (اصل ۱۳۳). به این ترتیب، می‌توان وی را پس از رهبری، مناسب‌ترین مقام برای ایفای وظیفه «مسئولیت اجرای قانون اساسی» دانست. در عین حال، باید در نظر داشت که مقام معظم رهبری، عالی‌ترین مقام رسمی کشور، ناظر بر قوای سه‌گانه و مافوق رئیس‌جمهور است.

- ریاست هیأت وزیران: این مسئولیت بر اساس اصل ۱۳۴ قانون اساسی بر عهده رئیس جمهور نهاده شده است: «ریاست هیأت وزیران با رئیس جمهور است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگ ساختن تصمیمات وزیران و هیأت دولت می‌پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خط‌مشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می‌کند. بر همین اساس، رئیس جمهور پس از تنفیذ و سوگند، اعضای هیأت دولت خود را به مجلس معرفی می‌کند و پس از رأی اعتماد مجلس، کابینه تشکیل می‌شود. رئیس جمهور در برابر مجلس، مسئول اقدامات هیأت وزیران است و عزل وزرا نیز در اختیار او است. رئیس جمهور بر کار وزیران نظارت کرده و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگ ساختن تصمیمات وزیران اقدام می‌کند (قاضی، ۱۳۸۲، ۲۴۲). هرچند هر یک از وزیران مسئول اقدامات و وظایف خویش است، اما رئیس جمهور مسئول اقدامات وزرا در مقابل مجلس است.

- توشیح قوانین و عهدنامه‌ها: بر اساس اصل ۱۲۳ قانون اساسی، رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس شورای اسلامی یا نتیجه همه‌پرسی را که پس از طی مراحل قانونی به وی ابلاغ شده است، امضا کند و برای اجرا در اختیار مسئولان و مجریان مربوط قرار دهد. در حقیقت مصوبات قانونی و

عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌ها وقتی لازم‌الاجرا می‌شوند که از طرف رئیس‌جمهور رسماً امضا و به مأموران اجرایی کشور ابلاغ شود. همچنین طبق اصل ۱۲۵ قانون اساسی امضای تمام عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با دیگر دولت‌ها پس از تصویب مجلس بر عهده رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی وی نهاده شده است.

- اختیار وضع آیین‌نامه‌های اداری: طبق اصل ۱۳۸ قانون اساسی، هیأت وزیران می‌تواند برای انجام وظایف قانونی خود به وضع نظامات و آیین‌نامه‌های عمومی مبادرت کنند؛ تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت، پس از تصویب هیأت وزیران به اطلاع رئیس‌جمهور می‌رسد. رئیس‌جمهور در صورتی که آن را خلاف قانون تشخیص داد، نظر خود را با ذکر دلیل به دولت اعلام می‌نماید. قبل از هرگونه اصلاحات لازم، موارد خلاف قابل اجرا نخواهد بود. در صورت اجرا بدون رعایت مقررات این ماده، رئیس‌جمهور می‌تواند دستور توقف اجرا را صادر نماید. اگر اختلاف نظر بین رئیس‌جمهور و هیأت دولت در مخالفت با قانون به جهت استنباط از قوانین باشد، نظر رئیس‌جمهور معتبر است. بدیهی است در صورت وجود تفسیر قانون عادی و یا تفسیر قانون اساسی، رئیس‌جمهور موظف به مراجعه به آن است.

- اعزام سفیران به خارج و پذیرش سفرای خارجی: سفیران به پیشنهاد وزیر امور خارجه و تصویب رئیس‌جمهور تعیین می‌شوند. انتصاب سفیران ایران در خارج از کشور با پیشنهاد وزیر خارجه و تصویب رئیس‌جمهور صورت می‌گیرد و امضای استوارنامه سفیران ایران و پذیرش استوارنامه سفیران کشورهای دیگر در ایران نیز از وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور است. شرکت در کنفرانس‌ها، سمینارها و اجلاس‌های بین‌المللی که در سطح عالی‌ترین مقام اجرایی کشورها تشکیل می‌شود، در اختیار رئیس‌جمهور است.

- اعطای نشان‌های دولتی: طبق اصل ۱۲۹ قانون اساسی اعطای نشان‌های دولتی با رئیس‌جمهور است. به منظور اجرای اصل ۱۲۹ نشان‌های کشوری به پیشنهاد وزرای ذی‌ربط و تصویب هیأت دولت، نشان‌های لشکری به پیشنهاد رئیس ستاد مشترک و تصویب فرمانده کل قوا یا مقام مجاز از طرف وی، به وسیله رئیس‌جمهور اعطا می‌شود.

- ریاست شورای عالی امنیت ملی: طبق اصل ۱۷۶ قانون اساسی به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل می‌شود. شورای عالی امنیت ملی، به منظور تأمین منافع ملی، پاسداری از انقلاب اسلامی، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل می‌گردد تا سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور را تعیین نماید. بدین منظور، شورا حق دارد همه فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور را با آن سیاست‌ها هماهنگ نموده و در صورت لزوم و در مواقع تهدیدهای مخل امنیت و استقلال، نسبت به بهره‌گیری از همه امکانات مادی و معنوی کشور اتخاذ تصمیم نماید. هر چند که این شورا متشکل از رؤسای قوای سه‌گانه، نمایندگان رهبری و برخی از مسئولان رده‌های بالای کشوری و لشکری است، اما کار آن اتخاذ تصمیم شایسته برای اجرای صحیح امور دفاعی امنیتی می‌باشد. به عبارت بهتر، حاصل کار شورا عبارت از یک تصمیم اجرایی عالی است که از طریق مشارکت و هم‌فکری رؤسای قوای مقننه و قضائیه و همچنین نمایندگان رهبری با اعضا و دست‌اندرکاران قوه مجریه اتخاذ می‌شود. بنابراین، وظیفه‌ای که بر عهده شورای امنیت ملی قرار دارد، در واقع از امور قوه مجریه به شمار می‌رود. پس، منطقی و شایسته است که رئیس‌جمهور در مقام ریاست قوه مجریه، ریاست شورای عالی امنیت ملی را بر عهده داشته باشد.

- ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی: «انقلاب فرهنگی» به خاطر درگیری‌های فکری موجود در دانشگاه‌ها و ناآرامی‌هایی که به دنبال داشت، به همت و به دستور امام خمینی(ره) ایجاد شد. بدین ترتیب که ابتدا با فرمان ۱۳۵۹/۳/۲۳ «ستاد انقلاب فرهنگی» به منظور اسلامی نمودن برنامه‌ها و خط‌مشی فرهنگی کشور تشکیل گردید و سپس با فرمان مورخ ۱۳۶۳/۹/۱۹ «شورای انقلاب فرهنگی» تأسیس شد. با وجود آن که شورای مذکور از تأسیسات قانون اساسی به شمار نمی‌رود، اما به عنوان یک نهاد مهم که دست‌اندرکار سیاست‌گذاری‌های فرهنگی کشور است وجود و حضور فعال دارد. اعضای این شورا متشکل از رؤسای قوای سه‌گانه و تعدادی از شخصیت‌های علمی و فرهنگی کشور هستند که ریاست آن از ابتدای تأسیس تاکنون بر عهده رئیس‌جمهور است.

- مسئولیت اجرای بازنگری قانون اساسی: «رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس‌جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی پیشنهاد می‌نماید». این شورا متشکل و مرکب از اعضای مختلف مقرر در قانون اساسی می‌باشد که مسئولیت اصلی بررسی و بازنگری اصول اصلاحی و یا متمیمی پیشنهادشده از طرف رهبری را بر عهده دارد.

رئیس‌جمهور دارای وظایف و اختیارات دیگری نیز هست که عبارتند از: مسئولیت مستقیم سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، عضویت در شورای موقت رهبری، تعیین دو نماینده در شورای نظارت بر صدا و سیما و غیره (هاشمی، ۱۳۸۱، ۲۸۳).

با توجه به مشخص بودن مدیریت اجرایی کشور در سطح قوای سه‌گانه این تصور که رهبری نیز یک مدیریت اجرایی است، اشتباه است، بلکه رهبری، مراقبت‌کننده از حرکت کلی نظام محسوب می‌شود. همان‌گونه که

پیش از این نیز گفته شد رهبری، عالی‌ترین مقام رسمی کشور، ناظر بر قوای سه‌گانه و مافوق رئیس‌جمهور است. مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرماید: «در واقع رهبری، یک مدیریت کلان ارزشی است. گاهی اوقات فشارها، مضیقه‌ها و ضرورت‌ها، مدیریت‌های گوناگون را به بعضی از انعطاف‌های غیر لازم یا غیر جایز وادار می‌کند؛ رهبری بایستی مراقب باشد، نگذارد چنین اتفاقی بیفتد» (مقام معظم رهبری، ۹۰/۷/۲۴).

تا جایی که حرکت کلی نظام به خطر نیفتاده رهبری در تصمیم‌گیری‌ها نیز دخالتی ندارد. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «این مسئولیت بسیار سنگینی است. این مسئولیت، مسئولیت اجرایی نیست؛ دخالت در کارها هم نیست. حالا بعضی‌ها دوست می‌دارند همین طور بگویند: فلان تصمیم‌ها بدون نظر رهبری گرفته نمی‌شود. نه؛ اینطور نیست. مسئولین در بخش‌های مختلف، مسئولیت‌های مشخصی دارند. در بخش اقتصادی، در بخش سیاسی، در بخش دیپلماسی، نمایندگان مجلس در بخش‌های خودشان، مسئولان قوه قضائیه در بخش خودشان، مسئولیت‌های مشخصی دارند. در همه این‌ها رهبری نه می‌تواند دخالت کند، نه حق دارد دخالت کند، نه قادر است دخالت کند؛ اصلاً امکان ندارد. خیلی از تصمیم‌های اقتصادی ممکن است گرفته شود، رهبری قبول هم نداشته باشد، اما دخالت نمی‌کند؛ مسئولیتی دارد، به مسئولیتش باید عمل کنند. بله، آنجایی که اتخاذ یک سیاستی منتهی خواهد شد به کج شدن راه انقلاب، رهبری مسئولیت پیدا می‌کند [که ورود پیدا کند]» (مقام معظم رهبری، ۹۰/۷/۲۴).

کتابنامه

- ۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به ضمیمه نظریات تفسیری شورای نگهبان درباره اصول قانون اساسی (۱۳۸۷). تدوین هوشنگ قاضی‌زاده، انتشارات بابک، چاپ اول.

- (۲) قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۲). بایسته‌های حقوق اساسی، تهران، نشر میزان، چاپ دهم.
- (۳) قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۵). برگرفته از
سایت: <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/> ۹۱۳۰۸
- (۴) مقام معظم رهبری (۱۳۹۰/۷/۲۴) بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با دانش‌گاهیان استان کرمانشاه، به نقل از سایت:
<http://farsi.khamenei.ir>
- (۵) هاشمی، سید محمد (۱۳۸۱). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر دادگستر، ج ۲.

اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل

علیرضا داداشی جوکندان^۱

ابوالقاسم اثنی عشری^۲

میلاد رحمتی طولارود^۳

چکیده

موضوع اقتصاد مقاومتی با توجه به تاکیدات، بیانات و ارائه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از سال ۱۳۹۲ به بعد توسط مقام معظم رهبری؛ مورد توجه قرار گرفته است. با توجه ایشان؛ اقتصاد مقاومتی یک اقتصادی است که هم روند روبه رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند و هم آسیب پذیریش کاهش پیدا کند؛ یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی طوری باشد که در برابر ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های گوناگون خواهد بود؛ کم‌تر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند.

۱ - گروه مدیریت، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

۲ - عضو هیات علمی دانشگاه پیام‌نور

۳ - دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات عرب، دانشگاه فرهنگیان امام علی (ع) رشت

پس از گذشت سه سال تاکنون اقدامات عملی در شأن سیاست‌های اقتصاد به صورت قابل صورت نگرفته است با وجود اینکه بکارگیری اقتصاد مقاومتی عامل رشد و پویایی اقتصاد با رویکرد جهادی با ویژگی‌هایی چون اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، برون‌گرا و پیشرو می‌باشد.

لذا لازم است قوای کشور بی درنگ و با زمان‌بندی مشخص، اقدام به اجرای آن نمایند و با تهیه قوانین و مقررات لازم و تدوین نقشه راه برای عرصه‌های مختلف، زمینه و فرصت مناسب برای نقش‌آفرینی مردم و همه فعالان اقتصادی را در این جهاد مقدس فراهم آورند.

واژگان کلیدی: اقتصاد دستوری، مقاومت، اقتصاد مقاومتی

۱- مقدمه

قدمت تاریخی اندیشه‌های اقتصادی قرن‌ها پیش یعنی حدود به ششصد سال قبل از میلاد مسیح، با گفته‌های افلاطون و ارسطو در رابطه با مسائل اقتصادی و ارائه ی آن بصورت آگاهی‌های فلسفی آن‌ها در ارتباط با مباحث و مسائل اقتصادی ارائه گردید. بعدها نیز ابن خلدون طوسی در قرن چهاردهم میلادی و دیگر دانشمندان مسلمان مانند فارابی ایرانی در قرن دهم میلادی به ترتیب حدود چهارصد تا هشتصد سال قبل از آدام اسمیت؛ مسائل اقتصادی جامعه ی انسانی را مورد بررسی قرار دادند. در تاریخ اقتصادی، تدوین مبانی علم اقتصاد به سال ۱۷۷۶ میلادی باز می‌گردد. زمانی که آدام اسمیت اسکاتلندی، بنیانگذار علم اقتصاد و موسس مکتب کلاسیک، کتاب معروف ثروت ملل خود را به رشته ی تحریر درآورد.

لیکن تا زمانی که جوامع بشری با مسئله ی "سازماندهی" تولید، مبادله و توزیع کالاها رو به رو نشده بودند، هیچ گونه نیازی به علم خاصی به نام اقتصاد وجود نداشت زیرا انسان‌ها یک روش مشترک برای حل این مسائل

نداشته اند و این اعمال را به طرق بسیار متفاوتی انجام می‌دادند. همزمان با تبدیل نظام سرمایه داری تجاری (سوداگری) به سرمایه داری صنعتی در قرن هجدهم، مسئله ی "سازماندهی" نظریه‌های اقتصادی نیز در کنار آن رو به گسترش نهاد (تفضلی، ۱۳۹۲).

باتوجه به اینکه اهداف کشورهای استکباری با پیدایش ایدئولوژی نظام اسلامی ایران در تضاد می‌باشد، این موضوع باعث شد که جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب با چهار گروه از تحریم‌های اقتصادی مواجه گردد: نخستین گروه از تحریم‌ها بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی شکل گرفت و "جیمی کارتر" رئیس جمهور وقت آمریکا، دستور توقیف بالغ بر ۱۲ میلیارد دلار از دارایی‌های منقول و غیرمنقول ایران در ایالات متحده آمریکا و همچنین نقود ایرانی در بانک‌های این کشور را صادر کرد. علاوه بر این، دولت آمریکا از تحویل برخی تجهیزات نظامی خریداری شده پیش از پیروزی انقلاب همانند هواپیماهای اف ۱۶، ناو و قطعات یدکی نظامی که بهای آن را دریافت کرده بود سر باز زد. پس از تجاوز نظامی رژیم بعث عراق به خاک ایران، کشورمان با دومین گروه از تحریم‌ها مواجه شد. در این مقطع ایالات متحده با همراهی کشورهای اروپایی، ژاپن، کانادا، استرالیا و تعدادی دیگر از کشورها، جمهوری اسلامی ایران را با برخی تحریم‌ها مواجه ساختند و عملاً بیش از ۳۰ کشور در کنار آمریکا و رژیم صدام به مقابله با نظام نوپای اسلامی پرداختند. یکی از دلایل اصلی این حمایت‌ها، هراس از گسترش نفوذ جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی و انقلابی در رژیم‌های دست‌نشانده منطقه و لرزه‌های مداوم آن برپایه‌های نظام‌های غربی بود که سبب شد تا سازمان ملل متحد نیز به عنوان ابزار تحقق منافع و خواسته‌های نامشروع قدرت‌ها درآید. گروه سوم تحریم‌ها علیه ملت ایران، پس از پایان جنگ تحمیلی هشت‌ساله و این بار نیز با هدایت آمریکا و رژیم صهیونیستی و با هدف منع سرمایه‌گذاری در ایران و بازسازی ویرانی‌های جنگ انجام شد و تقریباً ۱۵ سال به طول انجامید و تا سال ۱۳۸۴ خورشیدی ادامه یافت. این تحریم‌ها در

دوران "بیل کلینتون" رئیس جمهوری وقت آمریکا به قانون "داماتو" مشهور شد که براساس آن هرگونه سرمایه گذاری بیش از ۲۰ میلیون دلار در ایران منع شد. اما چهارمین دسته از تحریم‌ها که امروزه با آن مواجهیم و در واقع می‌توان گفت شدیدترین تحریم‌هایی است که کشورمان از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون با آن مواجه بوده است، در راستای سیاست قدیمی "ارائه ی مشوق برای پیش بردن به سوی هدف و ارائه تنبیه برای رفتار بد" یا همان استراتژی نخ نما شده ی "چماق و هویج" قابل ارزیابی است. غرب در این مرحله از تحریم‌ها کوشیده تا با دخالت دادن شورای امنیت سازمان ملل در وضع تحریم‌ها علیه ملت ایران، وجه‌های قانونی! به تروریسم مالی خود ببخشد و از سوی دیگر با مطالعه ی در نقاط آسیب پذیر اقتصاد ایران، تحریم‌های یکجانبه خود علیه ملت ایران را هدفمندتر سازد (گزارشی از شورای اقتصاد معاونت صدا و سیما، ۱۳۹۱). درمقابل، کشور برای مقابله با این تهدیدات و ساختار نامطلوب نظام اقتصادی نیاز به یک الگوی اسلامی و مقاوم نیاز داشت که در اواخر سال ۹۲ بوسیله ی ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی این امکان به حول قوه ی الهی صورت خواهد گرفت.

باید توجه داشت که اقتصاد ایران دارای ظرفیت‌های بالقوه بالایی است. ایران از لحاظ موقعیت جغرافیایی در موقعیت ویژه‌ای قرار گرفته است. ایران از ظرفیت ترانزیتی بالایی برخوردار است و می‌تواند پل ارتباطی میان آسیا و اروپا را برقرار سازد زیرا یکی از کوتاه ترین مسیرها در زمینه ی ارتباط بین آسیای میانه و اروپاست. همچنین ایران دارای ظرفیت بالایی به لحاظ تنوع آب و هوایی است. تنوع آب و هوایی در ایران باعث شده است تا ایران به لحاظ موقعیت توریستی شرایط ویژه‌ای داشته باشد. یکی دیگر از ظرفیت‌ها و مزیت‌های اقتصاد ایران، نیروی کار جوان و تحصیل کرده است. سرمایه گذاری بر روی تحصیلات عالی و تحصیلات تکمیلی طی سال‌های پس از انقلاب باعث شده تا نیروی کار جوان و تحصیل کرده ی زیادی در حال حاضر در بازار کار فعال باشد. همچنین سایر مزایا و ظرفیت‌های ایران مانند

برخورداری از منابع طبیعی معدنی و فسیلی و به خصوص نفت خام و گاز طبیعی نیز در زمره ی ظرفیت‌های اقتصاد ایران قرار می‌گیرند. در اقتصاد مقاومتی باید تلاش شود تا ضمن توجه به متنوع سازی منابع، از تمامی ظرفیت‌های اقتصاد استفاده شود (تاری و کاویانی، ۱۳۹۲).

براین اساس ضرورت و اهمیت تحقیق در گرو بیانات مقام معظم رهبری پیرامون اقتصاد مقاومتی می‌باشد که نخستین بار در دیدار با جمعی از کارآفرینان کشور در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱۶ جمله‌ای با مضمون اینکه "ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور پدید بیاوریم" بیان فرمودند و در ادامه نیز با ارائه ی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در اواخر سال ۱۳۹۲ مسئولان را موظف به اجرای آن کرده اند. به همین خاطر ما هم اقتصاد مقاومتی را به دلیل اهمیتی که دارد واکاوی قرار داده ایم. اهمیت و ضروریات اقتصاد مقاومتی از منظر مقام معظم رهبری عبارتند از:

۱. مقابله با هجمه‌ها و تهدیدهای اقتصادی خارجی؛
۲. پیشگیری از تضعیف اقتصاد کشور و دلسردی مردم از نظام اسلامی؛
۳. اقتصاد مقاومتی پاسخگوی ظرفیت‌های فراوان مادی و معنوی کشور؛
۴. اقتصاد مقاومتی راه حلی برای حل مشکلات مزمن و دیرپای کشور؛
۵. مقابله با بحران‌های اقتصادی جهانی (بیانات مقام معظم رهبری در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

۲- پیشینه تحقیق

➤ دکتر حسین رضایی و عاطفه شیراوی (۲۰۱۵) در پژوهش خود با عنوان بررسی تاثیر قومیت گرایی و اقتصاد مقاومتی بر مزیت رقابتی پایدار به این نتیجه رسید که قومیت گرایی و اقتصاد مقاومتی تاثیر مثبت و معنی داری بر مزیت رقابتی دارد.

➤ فائزی و نوروزی (۲۰۱۴) در پژوهش خود با عنوان بررسی تاثیر مولفه‌های اقتصاد مقاومتی بر ایجاد مزیت رقابتی در سازمان‌ها به این

نتیجه رسیدند که اقتصاد مقاومتی و همه ی مولفه هایش به خصوص دو مولفه ی تاکید بر تولیدات داخلی و افزایش بهره وری، تاثیر بسزایی در ایجاد مزیت رقابتی در سازمان ایفا می کنند.

➤ نایب حقیقی و سالاریان (۲۰۱۴) در پژوهش خود به بررسی نقش فرهنگ در بازاریابی بین المللی با تکیه بر اقتصاد مقاومتی پرداخته اند. در این پژوهش به این نکته اشاره دارد که یکی از فاکتورهای موفقیت در فعالیت های بازاریابی جهانی، شناخت عامل و علاقه های فرهنگی بازار هدف است. نتایج نشان داد که رابطه مستقیمی بین فرهنگ و بازاریابی وجود دارد. به عبارت دیگر، بازاریابی بین المللی متکی به این موضوع است که تصمیمات بازاریابی مطابق با هنجارهای فرهنگی می باشد و این معیارها؛ معیارهای پذیرش بازاریابی یا رد آن می باشد.

➤ محمد یاری و محمدرضا حسین پور (۲۰۱۴)، در پژوهش خود با عنوان ارائه ی عملکرد نمونه اقتصاد مقاومتی در دانشگاه های آزاد اسلامی استان کرمان به این نتیجه دست یافت که عامل توجه به کارآفرینی به همراه اقتصاد دانش محور، توجه به شرکت های دانش بنیان، مدیریت مصرف و استفاده ی حداکثری از منابع و زمان در بالاترین اولویت تنظیم نظریه اقتصاد مقاومتی در مقایسه با سایر عوامل قرار دارد.

➤ علی اسدی (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی به این نتیجه رسید که اقتصاد مقاومتی محصول اقتصاد اسلامی است که در شرایط بروز ناملایمات، حوادث، بحران ها یا در مسیر اهداف، پویا و پایدار به تخصیص بهینه منابع می پردازد. از این رو اقتصاد اسلامی لزوما اقتصاد مقاومتی است زیرا در یک نظام اسلامی؛ ظرفیت ها و قابلیت های علم اقتصاد و مکتب اقتصادی را توانمند دارد و از نهادهای اقتصادی و اجتماعی مناسب هم بهره مند می شود.

➤ مجید فشاری و جواد پورغفار (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران؛ ضمن تعریف و بیان مفهومی اقتصاد مقاومتی و همچنین شاخص‌ها و مؤلفه‌های آن، به ارائه ی راهکارهای مناسب برای ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی و راه حل مقابله با تحریم‌ها و همچنین تقویت توان و ظرفیت تولید داخلی پرداخته اند.

➤ دکتر فتح ا... تار و زهرا کاویانی (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان اقتصاد مقاومتی را اقتصادی می‌دانند که توانایی مقابله با شوک‌های وارد شده بر اقتصاد را دارد و باید قابلیت انعطاف در شرایط مختلف و توانایی عبور از بحران را داشته باشد. برای دستیابی به چنین اقتصادی لازم است نگاه بلندمدت به سیاست‌های اقتصادی وجود داشته باشد و زیرساخت‌های اقتصاد به گونه‌ای طراحی شود تا چارچوب کلی اقتصاد در برابر انواع ناملازمات تقویت گردد. همچنین باید با توجه به شرایط جاری اقتصاد کشور و تحریم‌های بین المللی تحمیل شده، سیاست‌های خاص و گاهی متفاوت از شرایط عادی اتخاذ گردد. در این صورت اقتصاد مقاومتی در یک بازه زمانی کوتاه مدت نیز قابل تعریف است که به منظور عبور از شرایط بحران کوتاه مدت طراحی شده است. این گزارش به عنوان مطالعه مقدماتی درخصوص اقتصاد مقاومتی به تبیین گام‌هایی که در شناخت اقتصاد مقاومتی لازم است برداشته شود، پرداخته اند.

➤ محمدصادق تراب زاده جهرمی و دیگران (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان بررسی ابعاد و مولفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت ا... خامنه‌ای تلاش کرده اند که با تحلیل سخنان رهبری معظم و با بهره گیری از روش نظریه پردازی داده بنیاد، مدل مفهومی سخنان ایشان پیرامون ابعاد، ویژگی‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی را استخراج نمایند.

➤ سیدحسین میرمعزز (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تاکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)، با ارائه ی فرضیه اقتصاد مقاومتی شکل خاصی از نظام اقتصاد اسلامی است که در حمله همه جانبه اقتصادی دشمن که کیان نظام اسلامی را به خطر می اندازد به اثبات این فرضیه می پردازد و پیشنهاد می کند که نظام اقتصادی اسلامی در این وضعیت با تغییر در اولویت هدف ها و به تبع آن در اصول راهبردی و سیاست های کلان و حاکمیت روحیه جهادی بر رفتارهای اقتصادی دولت و مردم می توان راهبردی کلان طراحی نماید که تهدید را تبدیل به فرصت کرده و باعث رشد جهشی شود.

۳- مبانی نظری

۳-۱- علم اقتصاد

برای علم اقتصاد در تاریخ عقاید اقتصادی تعاریف زیادی به وسیله ی اقتصاددانان ارائه شده است:

"ارسطو" اولین دانشمندی است که برای اولین بار علم اقتصاد را تعریف کرد. ریشه ی کلمه اقتصاد از واژه ی Oikonomia به مفهوم "تدبیر منزل یا مدیریت خانه یا سیاست اداره ی خانوار" گرفته شده است. شاید تعریف ارسطو به این دلیل باشد که در یونان قدیم با آنکه بنگاه اقتصادی ناشناخته نبود ولی فعالیت اصلی تولید کالاهای کشاورزی بود. به همین دلیل "خانوار" به عنوان هسته ی اصلی فعالیت اقتصادی - که غالباً از طریق بازار انجام می شود - به شمار می رفت.

"آدام اسمیت" اقتصاد را علمی می داند که در آن چگونگی تولید، مصرف و توزیع ثروت بررسی می شود. بعد از اسمیت، "دیوید ریکاردو" هدف اساسی علم اقتصاد را "توزیع ثروت" می داند و به توزیع، بیشتر از تولید اهمیت می دهد.

"آلفرد مارشال" هدف اقتصاد را رفاه انسان و ثروت را وسیله ای برای

رسیدن به این هدف می‌دانست و معتقد بود که اقتصاد از یک طرف با مطالعه در مورد ثروت و از طرف دیگر با مطالعه درباره ی رفاه انسان سر و کار دارد و اهمیت مسئله ی دوم زیاده‌تر از اهمیت مطلب اول است.

"لاینول رابینز" معنقد است که علم اقتصاد؛ علم تخصیص اقتصادی بهینه ی منابع تولید است. به این مفهوم که رفتار بشر را به صورت رابطه ی بین منابع و عوامل تولید کمیاب که موارد استفاده ی مختلف دارند و هدف‌های مادی وی-که نامحدودند- مطالعه می‌کند. از این نظر علم اقتصاد مطالعه ی روش صرفه جویی است که با کاربرد آن مهم ترین خواسته‌ها انتخاب می‌شود و منابع تولید به گونه‌ای برای تولید کالاها و خدمات تخصیص می‌یابد که از آن بیشترین کارایی اقتصادی حاصل شود.

"مارگت" می‌گوید: اقتصاد جدید باید نشان دهد که چگونه تحولات سیستم یعنی اقتصاد جامعه روی کردارها و تصمیمات افراد اثر می‌کند... و بالاخره "لودینگ فون میزس" علم اقتصاد را منطقی برای اتخاذ تصمیمات عقلایی (چه در شرایط کمیابی و چه در شرایط فراوانی) می‌داند. حساب عقلایی و منطق اقتصادی (Praxeology) از نظر این اقتصاددان اتخاذ روشی است که منابع در دسترس را طوری تخصیص دهد که خواسته‌های انسانی که دارای اهمیت اساسی است ارضاء شوند. بدین ترتیب، منطق اقتصادی درواقع چگونگی ترکیب و تخصیص عوامل کمیاب تولید به منظور ایجاد کارایی اقتصادی و حداکثر رضایت خاطر در جامعه ی اقتصادی است.

با توجه به تعاریف متفاوت از علم اقتصاد؛ حتی گاهی یکی از اقتصاددانان به نام "جاکوب واینر" پیرامون تعریف علم اقتصاد این طور اظهارنظر می‌کند: اقتصاد کارهایی است که اقتصاددانان انجام می‌دهند!

آخرین تعریف علم اقتصاد تعریفی است که توسط "پل ساموئلسن" ارائه شده است که به نظر می‌رسد مناسب و جامع باشد. در این تعریف، ساموئلسن از تعریف رابینز الهام می‌گیرد و معتقد است: علم اقتصاد عبارت است بررسی روش‌هایی است که بشر به وسیله ی پول یا بدون آن، برای تخصیص منابع

کمیاب به منظور تولید کالاها و خدمات در طی زمان و همچنین برای توزیع آن‌ها بین افراد و گروه‌ها در جامعه به منظور مصرف در زمان حال و آینده انتخاب می‌کند (تفضلی، ۱۳۹۲).

۲-۳- اقتصاد اثباتی و اقتصاد دستوری

بطور کلی علوم اقتصادی را می‌توان به دو قسمت اثباتی و دستوری (هنجاری) تقسیم کرد. اقتصاد اثباتی اقتصادی است که در آن نظریه ی اقتصادی به صورتی که وجود دارد مورد بحث قرار می‌گیرد و به هیچ وجه وارد این بحث ارزشی که آیا یک عمل اقتصادی خوب است یا بد نمی‌شود. درحالی که در اقتصاد دستوری از خوب یا بد بودن و اینکه چه باید کرد و چه نباید کرد صحبت می‌شود. بنابراین اقتصاد دستوری دارای ابعاد اخلاقی و ارزشی است.

برای مثال، هنگامی که ما در مورد قانون تقاضا و قانون عرضه صحبت می‌کنیم و می‌گوئیم که مقدار تقاضا با قیمت رابطه ی معکوس و مقدار عرضه با قیمت رابطه ی مثبت دارد. این قوانین در حوزه ی اثباتی قرار می‌گیرد و اقتصاد آزاد مدنظر می‌باشد اما هنگامی که می‌گوئیم برای کاهش قیمت کالای معینی؛ دولت باید دخالت کند و با یارانه یا سوبسید و سایر روش‌های ممکن قیمت را تعدیل کند، از آنجاکه موضوع جنبه ی ارزشی پیدا کرده و کلمه ی باید در آن به کار رفته است، به قلمرو اقتصاد دستوری یا هنجاری وارد شده‌ایم.

بنابراین به طور خلاصه، اقتصاد اثباتی از "آنچه هست" و یا "آنچه به صورت نظریه ی اقتصادی موجود است یا به وجود می‌آید" صحبت می‌کند و وارد اظهارنظرهای اخلاقی و ارزشی نمی‌شود درحالی که اقتصاد دستوری از "آنچه که باید باشد یا به وجود آید" سخن به میان می‌آورد و خوب و بد بودن آن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در این راستا، اقتصاد دستوری مربوط به طرح سیاست‌های اقتصادی می‌شود که برای مقابله با مشکلات و مسائل

اقتصادی جامعه (چه در سطح خرد و چه در سطح کلان) لازم است. بعضی از اقتصاددانان معتقداند که علوم اقتصادی مطالعه‌ی توأم اقتصاد اثباتی و اقتصاد دستوری است و هرگاه در جریان عملکرد نظریه‌های اقتصادی اثباتی مشکلاتی پیش آید، اقتصاد دستوری باید با طرح سیاست‌های اقتصادی مناسب برای حل آن وارد عمل شود. براساس استدلال "لیوت"، اقتصاد اثباتی از اقتصاد دستوری و مسائل آن از یکدیگر مستقل نیست بلکه با هم رابطه‌ی نزدیکی دارند. از آنجا که دامنه‌ی نظام اقتصادی وسیع و بنابراین تعداد متغیرها در آن بی شمار است، وظیفه‌ی اقتصاددانان فقط تجزیه و تحلیل مقولات اقتصاد اثباتی نیست بلکه شامل طرح سیاست اقتصادی و برنامه‌هایی می‌شود که جامعه‌ی اقتصادی را در صورتی که از نتایج موردنظر و یا مطلوب عملکرد نظریه‌های اثباتی برخوردار نشود؛ به امکان پیدایش چنین نتایجی نزدیک کند (تفضلی، ۱۳۹۲).

۳-۳- ظهور دین اسلام و گسترش تمدن اسلامی

طرز تفکر اسلامی مبنی بر همبستگی میان فرد و جامعه، به زندگی مسلمانان قدرت و نیروی محرک بخشید. در چارچوب این طرز تفکر، تضمین سعادت دنیوی و اخروی و حفظ شخصیت فرد و جمع لازم و ملزوم یکدیگر شناخته شد و بدین علت دانشمندان مسلمان با علاقه‌ی فراوان، به جانب علوم و فنون روی آوردند و از فرهنگ و فلسفه یونان بهره گرفته و نتیجه آن را با طبایع و قرایح اقوام عرب و ایرانی آمیختند و در همه زمینه‌ها به کشفیات و تحقیقات جدیدی نایل آمدند. دانشمندان اسلامی معتقد بودند دانش عالی‌ترین زیور انسان است (تفضلی، ۱۳۹۲).

۳-۴- جهان‌بینی متفاوت نظام‌ها در رابطه با علم اقتصاد

به لحاظ اهمیت، مسئله‌ی اقتصاد در مکاتب مختلف با دیدگاه‌های متفاوت مبتنی بر جهان‌بینی‌های آن‌ها تفسیرهای متعددی شده است.

این موضوع در مکاتب مادی به هدف زندگی فردی و اجتماعی تبدیل شده است به طوری که همه چیز را برای اقتصاد و تامین معاش و رفاه مادی و دنیوی پیگیری می‌کنند. در تاریخ تکامل علم اقتصاد؛ مکاتب مختلفی از این نگرش‌ها برای تبیین رفتارهای اقتصادی بشر ظهور یافته‌اند و پس از مدتی با پیدایش دیدگاه‌های مکاتب جدیدتر حذف یا به حاشیه رفته‌اند. مکاتب مادی برخلاف آنچه تصور می‌شود، اقتصاد را وسیله‌ای برای توسعه و سلطه اندیشه‌های خود در سطح جهان قرار می‌دهند.

در کنار این دیدگاه‌های مادی‌نگر، مکاتب الهی و آخرت‌نگر هستند که اقتصاد را نه هدف زندگی بشر؛ بلکه وسیله‌ای برای حیات بشر می‌دانند تا به آن هدف‌های متعالی دست یابند. در این دو دیدگاه، دو نگاه کاملاً متفاوت به اقتصاد مشاهده می‌شود.

تفاوت نظام‌ها در امور اقتصادی به هدف غایی آن‌ها مربوط می‌شود. هدف غایی را هم چارچوب مکتب اقتصادی تعیین می‌کند (اسدی، ۱۳۹۳). مطمئناً اقتصاد مقاومتی درمقابل اقتصاد سرمایه داری و مبتنی بر اقتصاد اسلامی است. خاستگاه اقتصاد اسلامی نیز قلب انسان هاست و زمانی اقتصاد اسلامی در جامعه جاری می‌شود که ابتدا مسئولین و مدیران ارشد در باطن خویش اقتصاد اسلامی را بپذیرند و این تفکر را در عمل به بخش‌های مختلف جامعه القا کنند (بزرگی، ۱۳۹۳).

۳-۵- نظام اقتصاد اسلامی

نظام اقتصادی اسلام، مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری و روابط اقتصادی در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف است که از کتاب، سنت پیامبر اکرم و امامان معصوم (ع) استنباط می‌شود (میرمعزی، ۱۳۹۰). علم اقتصاد اسلامی دانشی است که رفتارهای بشر را به منظور کشف راه‌های توزیع عادلانه ثروت‌ها و درآمدها و کشف راه‌های استفاده از منابع در جهت تأمین نیازهای واقعی بشر، مورد مطالعه قرار می‌دهد (میرمعزی و

قائمی نیا، ۱۳۹۰).

در این تعریف، مقصود از رفتارهای بشر رفتارهای اقتصادی و غیراقتصادی وی است؛ البته رفتارهای اقتصادی نقش و اهمیت ویژه‌ای در تحلیل‌های اقتصادی دارند. براساس جهان بینی اسلامی رفتارهای بشر، بعدهای مادی و مجرد دارد و سنت‌های الهی بر آن حاکم است؛ بنابراین در علم اقتصاد رفتارها باید با این جهان بینی مورد مطالعه قرار گیرد. از طرفی دیگر علم اقتصاد با علم اخلاق ارتباط ویژه‌ای دارد. این ارتباط از آن رو است که یکی از علت‌های اصلی توزیع ناعادلانه و عدم استفاده درست از منابع در جهت نیازهای واقعی، اخلاق نادرستی است که در جامعه نهادینه شده و عدم تربیت درست انسان هاست. ظلم، اسراف، اتراف، تبذیر، تجمل گرایی و... اخلاق‌های منفی هستند که اگر در آحاد جامعه نهادینه شوند، باعث توزیع ناعادلانه و عدم استفاده درست از منابع خواهند شد و دربرابر عدالت ورزی، اعتدال، قناعت، زهد و ساده زیستی که اخلاق‌های مثبتی هستند و نهادینه شدن آن‌ها در جامعه یکی از علت‌های مهم توزیع عادلانه و استفاده درست از منابع خواهد بود (میرمعزی و قائمی نیا، ۱۳۹۰). براساس نظر شهید محمدباقر صدر، اسلام دارای مکتب اقتصادی است و نیازی به تقلید از تفکرات انحرافی نیست (بزرگی و دیگران، ۱۳۹۳).

البته باید به این نکته توجه داشت که اقتصاد اسلامی در قالب یک حکومت اسلامی تحقق می‌یابد. در واقع اقتصاد اسلامی با استفاده از ابزارهای علم اقتصاد و نهادها، در خدمت مکتب یا همان اهداف نظام اسلامی است. این اهداف شامل افزایش ثروت جامعه و به تبع آن ثروت افراد جامعه و رفاه عمومی در چارچوب تعالی دینی است. البته ابزار تحقق این اهداف؛ علم و تکنیک‌های اقتصادی می‌باشد (اسدی، ۱۳۹۳).

۳-۶- مقاومت و اقتصاد

مقاومت از ریشه «قوم» و از باب مفاعله است و مفاهیمی مانند قوام، قیام،

استقامت، مستقیم و قیمت، هم از این ماده اشتقاق یافته اند. باب مفاعله وقتی استعمال می‌شود که برای فعل؛ طرف دیگری هم وجود داشته باشد، مانند مکاتبه که در معنای عمل نوشتن میان دو نفر به کار می‌رود. بنابراین استعمال صفت مقاومتی برای اقتصاد، دلالت بر حالتی از اقتصاد می‌کند که اولاً؛ در ساخت درونی خودش از قوام و استحکام لازم برخوردار باشد و ثانیاً در مواجهه با عوامل تهدیدزای خارجی نیز بتواند قوام و پایداری خود را حفظ نماید (انجمن اقتصاد اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۹۳).

خداوند متعال در قرآن کریم در رابطه با صبر و استقامت

می‌فرمایند:

"وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِن تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَ تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا" (نساء، آیه ی ۱۰۴)

معنی: "(و نباید از تعقیب کردن) در کار دشمنان سستی و کاهلی کنید که اگر شما از آنان به رنج و زحمت می‌افتید آن‌ها نیز از دست شما رنج می‌کشند جز اینکه شما به لطف خدا امیدوارید و آن‌ها چون بی‌ایمانند به خدا) امیدی ندارند و خدا دانا و حکیم است (امیدواران را) محروم نمی‌سازد". البته فشار اقتصادی به انواع و اقسامش علیه پیروان حق، در تاریخ سابقه دارد و می‌توان به قضایای محاصره ی پیامبر و اصحابشان و مسئله ی شعب ابوطالب، قطع عایدات فدک در زمان حضرت علی (ع) و... اشاره نمود. در زمان پیامبر (صلی‌الله و علیه و آله) یکی از روش‌های منافقان برای پراکنده ساختن افراد از اطراف ایشان مسئله ی اقتصادی و در فشار اقتصادی گذاشتن آن‌ها بود (انجمن اقتصاد اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۹۳).

خداوند در قرآن در این باره چنین می‌فرماید:

"هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ"

(منافقون، آیه ۷)

معنی: "این همان مردم بد خواهند که می‌گویند بر اصحاب رسول خدا اتفاق مال مکنید تا از گردش پراکنده شوند در صورتی که خدا را گنج‌های زمین و آسمان‌ها است لکن منافقان درک آن نمی‌کنند."

خداوند درباره ی آثار و نتایج صبر و استقامت در قرآن کریم می‌فرماید:

"فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا" (انشراح، آیه ی ۵ و ۶)

معنی: "پس با هر سختی البته آسانی هست* و با هر آسانی البته سختی هست."

"إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَابْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ" (فصلت، آیه ی ۳۰)

معنی: "آنانکه گفتند محققا پروردگار ما خداست و بر این ایمان پایدار ماندند فرشتگان (رحمت) بر آن‌ها نازل شوند (و مژده دهند) که دیگر هیچ ترس و حزن و اندوهی از گذشته خود ندارید و شما را به همان بهشتی که (انبیاء) وعده دادند بشارت باد."

"وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا" (الجن، آیه ی ۱۶)

معنی: "و اگر که بر طریقه اسلام و ایمان پایدار بودند البته به آن‌ها آب علم فراوان و رزق وسیع نصیب می‌گردانیم."

عوامل موثر در شکل‌گیری مقاومت در اقتصاد

♦ ساختار، بویژه سطح سرمایه انسانی، سرمایه سازمانی و وجود صنایع پیشرو در اقتصاد؛

♦ میزان انعطاف‌پذیری و پیش‌بینی تدابیر لازم برای مواجهه با شوک‌های ناگهانی؛

♦ تنوع و صادرات کشورها و عدم وابستگی به یک کالای خاص؛

♦ درس گرفتن از تجارب گذشته؛

- ◆ حکمروایی مؤثر و اجرای سیاست‌های مناسب اقتصادی؛
- ◆ افزایش مشارکت در مواقع بحران؛
- ◆ ایجاد ذخایر استراتژیک برای آمادگی مواجهه با شوک ناگهانی؛
- ◆ داشتن زیربناهای مناسب؛
- ◆ آموزش مقاومت فردی در سطح جامعه؛
- ◆ طراحی شبکه‌ای سیستم برای جلوگیری از کار افتادن یک جزء از سیستم (دانش جعفری، ۱۳۹۲).

۳-۷- مقاومت اقتصادی و اقتصاد مقاومتی

تفاوت اقتصاد مقاومتی با مقاومت اقتصادی در این است که مقاومت اقتصادی می‌تواند ناظر بر یک اقدام تدافعی و موردی باشد که در کنار سایر انواع مقاومت‌ها در مقابل دشمن انجام می‌شود بدون آنکه ماهیت و ساختار اصلی اقتصاد را تحت تاثیر قرار دهد ولی اقتصاد مقاومتی؛ اقتصادی است که با درک عمیق از اینکه همواره دشمن در کمین اقتصاد ملی است و مداوم در حال برنامه ریزی و اقدامات تهاجمی و تخریبی است، ماهیت و ساختار خود را به گونه‌ای سامان می‌دهد که در فرض وجود دشمن هم به فعالیت خود ادامه دهد به گونه‌ای که نه تنها عملیات دشمن موجب توقف فعالیت‌ها نشود بلکه حتی الامکان با تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها و خنثی نمودن نقشه‌های دشمن، پویایی و رشد نیز تحقق یابد. با عنایت به تبیین ذاتی ماهیت انقلاب اسلامی و ارزش‌های حاکم بر جریان‌های مسلط اقتصادی در عرصه ی جهانی و با توجه به تجربه ی سی و هفت ساله نظام جمهوری اسلامی در مواجهه با توطئه‌های استکبار جهانی، طراحی اقتصاد مقاومتی برای جمهوری اسلامی یک ضرورت انکار ناپذیر است. بنابراین اقتصاد مقاومتی یک امر موقتی نیست بلکه به خاطر تقابل ذاتی اندیشه اسلامی با اندیشه ی سکولاریسم و لزوم کسب قدرت بازدارندگی که فکر دسیسه را از ذهن دشمنان خارج کند اقتصاد ما همواره باید توان مقاومت را داشته

باشد) انجمن اقتصاد اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۹۳).

در اقتصاد مادی نگر فقط با ابزارهای اقتصادی و تدابیری مانند تغییر اولویتهای اقتصادی؛ برنامه ی مقاومت را طراحی می کند. در مکاتب الهی و توحیدی علاوه بر استفاده از ابزارهای علمی برنامه ریزی اقتصادی، از ظرفیتهای اعتقادی و ارزشی، نواقص برنامه ریزیهای تخصصی را پوشش می دهد(اسدی، ۱۳۹۳).

۳-۸- انواع اقتصاد و رابطه ی آنها با اقتصاد مقاومتی

۳-۸-۱- اقتصاد ریاضتی و اقتصاد مقاومتی

اقتصاد ریاضتی ناشی از نداری است، همچون کشورهای یونان، اسپانیا، پرتغال و اخیراً ایتالیا و آمریکا که به نداری افتاده و از فرط آن به ریاضت دچار شده اند. این کشورها با بدهکاری و کسری بودجه های فراوانی روبرو شده اند در نتیجه می گویند باید ریاضت کشید و سخت زندگی کرد تا بتوان دوام آورد. اقتصاد مقاومتی ناشی از نداری نبوده بلکه ناشی از دارایی است و علت مقاومت، ضربات دشمن است. یعنی اگر دشمنی نباشد دارایی ها به اندازه ای هست که کفایت نماید و به توسعه ی همه جانبه کمک کند. اقتصاد مقاومتی یعنی داشته هایمان را مدیریت کنیم. جا دارد با توجه به طبیعت، استعاره ای از زندگی مورچه ها و برخی دیگر از حیوانات برای ارائه ی مفهوم اقتصاد مقاومتی مدنظر قرار داد. در اقتصاد ریاضتی دشمنی وجود ندارد به فرض مثال، هیچ اتحادیه و کشوری، اروپا را تحریم نکرده ولی مردمان این قاره در حال تحمل ریاضت اقتصادی هستند. ریاضت اقتصادی اروپا نتیجه ی سوء تدبیرها و پول هایی است که سران حکومت در جهت جنگ افروزی و تشدید اختلافات در خاورمیانه خرج کرده اند(قوامی، ۱۳۹۳).

۳-۸-۲- اقتصاد مقاوم و اقتصاد توسعه ی یافته

نظریه نئوکلاسیک ها و رادیکال ها براین پایه استوار است که آنها سرمایه

گذاری را به واسطه خصوصی کردن بنگاه‌های دولتی، تشویق صادرات و تجارت آزاد، حذف مقررات زاید دولتی و انحرافات قیمتی به عنوان عاملی مثبت در رشد اقتصادی تلقی می‌کنند و نیز سرمایه‌گذاری از نوع خارجی را عاملی برای انتقال سرمایه، تکنولوژی پیشرفته و مدیریت کارآمد می‌دانند که منجر به افزایش رفاه اجتماعی می‌شود (ابراهیمی و زیرک، ۱۳۹۱).

در الگوهای کلاسیکی و نئوکلاسیکی، اقتصاد توسعه یافته می‌تواند دارای تعامل پویا با اقتصاد جهانی باشد و مبادلات تجاری را براساس مزیت رقابتی با جامعه جهانی شکل دهد اما وقتی شرایط تعامل با اقتصاد جهانی محدود شده باشد چه باید کرد؟ (تاری و کاویانی، ۱۳۹۲).

بنابر نظریه مکتب وابستگی، کشورهای در حال توسعه از طریق مناسبات بازرگانی غیرمنصفانه و نابرابر با کشورهای پیشرفته صنعتی تحت استثمار و وابستگی قرار دارند و به این ترتیب تجارت خارجی عملاً به صورت ابزارهایی برای تحکیم این تابعیت درآمده است (ابراهیمی و زیرک، ۱۳۹۱).

در اقتصاد مقاومتی نگاهی واقع‌گرا (و نه خوشبینی افراطی الگوهای نئوکلاسیکی) به جهان خارج وجود دارد و فرض نمی‌کند که کشور می‌تواند کلیه نیازهای خود مانند فناوری‌های پیشرفته را از سایر کشورها تهیه کند. از سوی دیگر کشور با بیان صحیح مواضع حق طلبانه‌اش در سطح بین‌المللی، خود را از امکان ارتباطات سالم با جهان خارج محروم نمی‌سازد و احتیاجی به در پیش گرفتن سیاست‌های پرهزینه خوداتکایی در همه زمینه‌ها ندارد. بنابراین شاخص‌های ارتباط با جهان خارج مانند میزان سرمایه‌گذاری خارجی به کل سرمایه‌های کشور نسبت به سایر کشورهای در حال پیشرفت، اندازه کم‌تری دارد.

در این راستا کشور به شکل کارآمد به متنوع سازی کلیه سرمایه‌های خود اعم از انسانی، فیزیکی و اجتماعی دست می‌زند تا آثار منفی حرکات خصمانه دشمنان را به حداقل برساند. اقتصاد مقاوم در بلندمدت اقتصادی است که در آن کشور وابستگی کم‌تری به یک کالای صادراتی خاص با اقتصاد تک

محصولی مانند نفت خام دارد. هرچند که متنوع‌سازی یا رهایی از اقتصاد تک محصولی ویژگی مشترک هر کشور توسعه یافته‌ای است اما در اقتصاد مقاومتی این عمل با دقت بیشتر و در حوزه‌های بزرگ‌تر (با نگاه به صنایع راهبردی) رخ می‌دهد. به همین ترتیب اجرای سیاست‌های ارتقادهنده کارآیی مانند خصوصی سازی با دقت بیشتری در اقتصاد مقاومتی اجرا خواهد شد تا دشمنان نتوانند از بیکاری حاصله به نفع خود بهره‌برداری کنند. اهمیت فوق العاده پس انداز در اقتصاد مقاومتی ایجاب می‌کند تا دولت سیاست‌های فعال تری را در این زمینه ایفا کند. در حوزه‌ی بازارهای مالی، توجه به ابزارهای کارآمد مالی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است با این حال با توجه به آنکه بازار سهام تا حد بیشتری از تحولات بین‌المللی آسیب می‌پذیرد، نقش بانک پررنگ‌تر خواهد بود، هرچند که بازار سهام نیز به فعالیت خود ادامه می‌دهد (تاری و کاویانی، ۱۳۹۲).

۳-۸-۳- اقتصاد اسلامی و اقتصادی مقاومتی

در آموزه‌های اسلامی می‌توان مواردی را یافت که هم به عنوان شاخص‌های یک اقتصاد اسلامی و هم به عنوان شاخص‌های یک اقتصاد مقاومتی قابل شناخت است که به شرح ذیل می‌باشد:

۱. **نفی سبیل:** این قاعده هرگونه تسلط کفار بر مسلمین را در هر زمینه‌ای از جمله سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی، جایز نمی‌شمارد.

۲. **عدم اسراف:** در فعالیت‌های اقتصادی به معنای افراط کردن و تجاوز نمودن از حد میانه و اعتدال است، چه در رفتارهای مصرفی و چه در فعالیت‌های تولیدی.

۳. **نهی از اخلال نظام:** هر سیاست یا فعالیتی که ارتکاب یا ترک آن موجب مختل گردیدن نظم و نسق جامعه گردد، حرام است.

۴. **نهی از اتراف:** رفتار و عمل اقتصادی است که از سوی برخی از

سرمایه داران و ثروتمندان انجام می‌شود. به این معنا که مال و ثروت زیاد، آنان را به رفتار ضد اخلاقی و ناهنجار می‌کشاند (تاری و کاویانی، ۱۳۹۲).

۳-۹- تعریف اقتصاد مقاومتی

هنگامی که بحث اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، تصور ما از اقتصاد نوعی اقتصاد اسلامی است که ریشه در جهان بینی توحیدی دارد و مقوله‌های مادی، معیشت و معنویت را در یک تفسیر و یک الگوی خاص دنبال می‌کند. در تفکر اسلامی؛ هر تلاشی برای ایجاد توازن در معیشت امری اقتصادی محسوب می‌شود. این توازن، قلمروهای مختلفی دارد. ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که مبادله در آن وجود دارد و در این مبادله هزینه، منافع و درآمد وجود دارد. از این رو در تفکر اسلامی اقتصاد برابر است با توازن در زندگی و معیشت. اقتصاد از این حیث، نوعی بی‌نیازی است؛ یعنی می‌بایست به کمک توازن‌ها نیازها را رفع کنیم. اقتصاد مقاومتی به نظام اقتصادی ملت، یا گروه اجتماعی مقاومی اشاره دارد که در راستای احقاق حقوق خود یا پیگیری اهداف سیاسی که از نظر آن‌ها برحق است، مبارزه می‌کنند (فشاری و پورغفار، ۱۳۹۳).

اقتصاد مقاومتی به مقاومت اقتصادی ملی در مقابل اثرات بالقوه و حاضر و همچنین اختلالات داخلی و خارجی‌ای که در راه رشد و دستیابی به اهداف با انعطاف پذیری، رویکرد بلندمدت، کاربردی و نگرشی برون گرا اشاره دارد (رضایی و شیراوی، ۲۰۱۵، ۳).

اقتصاد مقاومتی به افزایش مقاومت اقتصادی در برابر دشمنان؛ برای به دست آوردن کنترل اقتصادی بر آن‌ها اشاره دارد (تراب زاده و دیگران، ۱۳۹۲، به نقل از فائزی و نوروزی، ۲۰۱۴، ۳).

اقتصاد مقاومتی یک سیستم اقتصادی مرتبط با سیاستی فراگیر و سیاست‌های امنیتی طراحی شده توسط نظام جهت مقاومت در برابر اقدامات مخرب رژیم‌های استکباری از قبیل تاثیرات اقتصادی، تحریم و دیگر اقدامات

ظالمانه می‌باشد(عسگری، ۲۰۱۲، به نقل از اسدی و دیگران، ۲۰۱۵، ۱۱). اقتصاد مقاومتی یک نوع الگوی اقتصادی است که برگرفته از فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و انقلابی است و خصلت بارز آن توانمندی اقتصاد کشور در مقابله با تهدیدهای دشمن و تبدیل آن‌ها به فرصتی برای پیشرفت بیشتر است. براین اساس اقتصاد مقاومتی، به معنای یک نوع اقتصادی است که اولاً در ساخت درونی خودش برخوردار از قوام باشد و ثانیاً درمقابل تهدیدات بیرونی نیز قدرت ایستادگی و پایداری داشته باشد(انجمن اقتصاد اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۹۳).

۳-۹-۱- سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

اجرای منویات و اوامر ولی فقیه که واجب شرعی است؛ مستلزم فهم صحیح اوامر و نواهی و درک مبانی و چارچوب‌های اندیشه‌ای رهبری انقلاب اسلامی است و از سوی دیگر تلاش برای ماندگاری و دوام تاثیر این اندیشه، منوط به واکاوی مولفه‌ها و چارچوب‌های آن است.

قالب‌هایی که از آن طریق سیاست‌های مدنظر ولی فقیه تبیین می‌شوند، دو نوع "نهادی یا ساختاری" و "رسانه ای" را شامل می‌شوند. در نوع اول، سیاست‌ها در قالب رسمی و با عناوینی چون: سیاست‌های کلی نظام، پس از تصویب در مجمع تشخیص مصلحت نظام و تایید رهبری ابلاغ می‌گردد و در نوع دوم، تمامی بیانات و دستورات ولی فقیه در سخنرانی‌ها و دیدارها به شکل شفاهی و مکتوب، محتوای سیاسی است که عموماً گستره‌ای فراتر از نوع اول را دربر می‌گیرند(تراب زاده جهرمی و دیگران، ۱۳۹۲).

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغ شده توسط مقام معظم رهبری بدین ترتیب می‌باشد:

۱. تأمین شرایط و فعال سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی با تسهیل و تشویق

همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم درآمد و متوسط.

۲. پیشتازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان در منطقه. ۳. محور قراردادن رشد بهره وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور.

۴. استفاده از ظرفیت اجرای هدفمند سازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی.

۵. سهم بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آن‌ها در ایجاد ارزش، بویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه.

۶. افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (بویژه در اقلام وارداتی) و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص.

۷. تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا).

۸. مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت پذیری در تولید.

۹. اصلاح و تقویت همه جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش

واقعی.

۱۰. حمایت همه جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزش آوری مثبت از طریق:

- تسهیل مقررات و گسترش مشوق‌های لازم؛
- گسترش خدمات تجارت خارجی و ترانزیت و زیرساخت‌های مورد نیاز؛
- تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات؛
- برنامه ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل دهی بازارهای جدید، و تنوع بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به ویژه با کشورهای منطقه؛

• استفاده از ساز و کار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز؛

- ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات با هدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف.

۱۱. توسعه ی حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه ی اقتصادی کشور به منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج.

۱۲. افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب پذیری اقتصاد کشور از طریق:
- توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان بویژه همسایگان؛

- استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی؛
- استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای.

۱۳. مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز از طریق:
- انتخاب مشتریان راهبردی؛
 - ایجاد تنوع در روش‌های فروش؛
 - مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش؛

- افزایش صادرات گاز؛
 - افزایش صادرات برق؛
 - افزایش صادرات پتروشیمی؛
 - افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی.
۱۴. افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور به منظور اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز و تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز، بویژه در میادین مشترک.
۱۵. افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (براساس شاخص شدت مصرف انرژی) و بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع.
۱۶. صرفه جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور و هزینه‌های زاید.
۱۷. اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی.
۱۸. افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت.
۱۹. شفاف سازی اقتصاد و سالم سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و
۲۰. تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه.
۲۱. تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن بویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی.
۲۲. دولت مکلف است برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با

همهانگ سازی و بسیج پویای همه امکانات کشور، اقدامات ذیل را معمول دارد:

- شناسایی و بکارگیری ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب؛
 - رصد برنامه‌های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن؛
 - مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و به هنگام در برابر مخاطرات و اختلال‌های داخلی و خارجی.
۲۳. شفاف و روان سازی نظام توزیع و قیمت گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار.
۲۴. افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن (مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۹۲).

۳-۹-۲- ارکان اصلی اقتصاد مقاومتی

- ✓ تحکیم پایه‌های ایمانی و فرهنگی؛
- ✓ تلاش و مدیریت جهادی؛
- ✓ توزیع عادلانه امکانات و مواهب؛
- ✓ اصلاح الگوی مصرف (انجمن اقتصاد اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۹۳).

۳-۹-۳- خطرانی که در اقتصاد کنونی ایران وجود دارد و اقتصاد مقاومتی باید طراحی و بازسازی ساختار این حوزه‌ها را در اولویت قرار دهد:

- ❖ خطرپذیری وابستگی درآمد دولت به نفت؛
- ❖ خطرپذیری وابستگی واردات ایران به نفت؛
- ❖ خطرپذیری ساختار تجارت خارجی ایران؛
- ❖ خطرپذیری رشد بالای نقدینگی و تورم؛
- ❖ خطرپذیری کاهش اشتغال در اقتصاد ایران؛

❖ خطرپذیری افزایش نرخ ارز در اقتصاد ایران؛

سایر موارد خطرپذیر اقتصاد کشور عبارتند از:

- ✓ وابستگی مواد غذایی مردم به واردات؛
- ✓ وابستگی دارویی ایران به واردات؛
- ✓ کالاهای تولید داخل وابسته به واردات؛
- ✓ ایجاد محدودیت در مبادلات ارزی ایران توسط کشورهای تحریم کننده؛
- ✓ افزایش مخارج دولت؛
- ✓ افزایش تسهیلات تکلیفی؛
- ✓ افزایش معوقات بانکی؛
- ✓ افزایش بدهی دولت به پیمانکاران؛
- ✓ تعیین نرخ دستوری نرخ سود تسهیلات بانکی؛
- ✓ رشد حبابی بورس؛
- ✓ توان مالی صندوق‌های بازنشستگی؛
- ✓ آلودگی‌های زیست محیطی و ... (دانش جعفری، ۱۳۹۲).

۳-۹-۴- الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی

۱. الزامات بخش دولتی:

تقویت تولید ملی از طریق حمایت از کار و سرمایه ایرانی؛ پشتیبانی دولت از تولیدات صنعتی و کشاورزی داخلی؛ سیاستگذاری و جهت گیری‌های کلی در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی؛ ثبات در تامین ارز واحدهای تولیدی؛ توجه و کنترل میزان نقدینگی در اقتصاد (متناسب کردن رشد نقدینگی با میزان رشد تولید داخلی)؛ ثبات در تصمیم گیری جهت حفظ امنیت اقتصادی؛ مردم محوری (سیاست گذاری، نظارت، هدایت و پشتیبانی دولت در این راستا)؛ اجرای برنامه‌ای بلند مدت برای کم کردن وابستگی به نفت؛ استفاده صحیح از صندوق توسعه ملی؛ به روز کردن آمار و اطلاعات اقتصادی کشور و

۲. الزامات بخش مردمی:

حضور جهادگونه در عرصه‌های اقتصادی؛ اهمیت دادن به تولید داخلی و مصرف تولیدات ملی؛ توجه خاص به تولید کالاهای استراتژیک و اساسی؛ قطع واسطه‌های زائد از اقتصاد؛ افزایش تقوا و معنویت در بین مردم؛ فرهنگ مقاومت (ترویج فرهنگ مصرف کالاهای داخلی و اجتناب از مصرف کالاهای خارجی)؛ نهادینه سازی اخلاق تجارت اسلامی؛ دانش‌محوری؛ فسادستیزی؛ اصلاح الگوی مصرف و ... (انجمن اقتصاد اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۹۳).

۳-۹-۵- اقدامات پیشنهادی جهت تحقق اقتصاد مقاومتی

۱. ترویج گفتمان اقتصاد مقاومتی و ایجاد حساسیت در مردم (در این جهت باید نخبگان وارد این میدان شده و با درگیر کردن گروه‌های گوناگون مردمی در پدید ساختن ستادهای تبلیغاتی اقتصاد مقاومتی به وسیله ی رسانه‌های مردمی پرداخته شود)؛

۲. مشارکت به مثابه ی مصرف کننده فعال در مسائل اقتصادی (درگیر کردن مردم درباره ی اصلاح الگوی مصرف به صورت جدی تر و ارائه ی الگوی مصرف مطلوب و منطقی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی جهت مشخص شدن اینکه چه مصرف کنند و چگونه این کار صورت بپذیرد)؛

۳. مشارکت اقشار مختلف مردم در تولیدات کشور (فضایی باید در کشور و جامعه حاکم شود که همه ی مردم خودشان را مولد در اقتصاد و شریک در پیشرفت و مقاومت کشور حس کنند و بر آن ببالند. ابتکارها و خلاقیت‌های فردی و گروهی در خدمت تولید و اقتصاد قرار گرفته و سرمایه‌های کوچک و کم حجم در تولید به کار گرفته شوند)؛

۴. ارائه الگوی تعاون اقتصادی مردم و بسترسازی دولتی در زمینه‌های ذیل:

- گسترش فرهنگ تعاون در جامعه؛
- توسعه و ترویج فرهنگ رقابت و منع انحصار؛
- توسعه و گسترش فرهنگ اسلامی در فعالیتهای اقتصادی (شفیعا و موسوی لقمان، ۱۳۹۲).

۳-۱۰- مردم و اقتصاد مقاومتی مردمی

نقش مردم در اقتصاد بسیار مهم است. ایران در جایگاه کشور اسلامی که از ابتدا بر پایه ی ظلم ستیزی و مقاومت در برابر کفر و استکبار جهانی پایه‌های خود را بنا نهاده، توانسته است الگویی از مشارکت مردمی را به تصویر بکشد (شفیعا و موسوی لقمان، ۱۳۹۲).

اصل بر آزادی مردم در فعالیتهای اقتصادی آنها است مگر آنکه حرمت شرعی یک فعالیت، تصرف یا مخالفت آن با مصالح اسلام یا مسلمانان ثابت شود (میرمعزی، ۱۳۸۷). درحقیقت، مردم سالاری اقتصادی دینی باید در عرصه ی اقتصادی به جای سرمایه سالاری اقتصادی حاکمیت پیدا کند (یوسفی، ۱۳۹۱).

مشارکت اقتصادی در اثرگذاری بر شیوه و پویای تولید، روابط حاکم بر این پویای و وسایل مادی تولید برای رفع نیازهای مادی و افزایش تولید متمرکز است که در قالب مداخله و درگیر شدن افراد در نظام تصمیم گیری مربوط به تخصیص منابع اقتصادی و مشارکت در سیاست توسعه اقتصادی نمود پیدا می‌کند (غفاری، ۱۳۸۰).

در حوزه اقتصاد اسلامی مسئولیت‌های مردم عبارت هستند از:

- رعایت قوانین شرعی و حکومتی اسلام؛
- کمک به تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلامی؛

- کسب اموال در راه حلال و به بهترین وجه و صرف آن در راه حلال و به بهترین وجه؛
 - مال مسلم محترم است و هیچ کس حق ندارد در مال دیگری تصرف کند یا به مال وی تعدی کند و اگر تعدی کرد ضامن است؛
 - کمک به رفع فقر؛
 - پرداخت حقوقی که به مال تعلق می‌گیرد؛
 - مسولیت آباد کردن زمین و ... (میرمعزی، ۸۷).
- جا دارد که به این نکته اشاره شود که اقتصاد مقاومتی مختص زمان تحریم و جنگ نیست بلکه یک چشم انداز بلندمدت پیش روی اقتصاد ایران است زیرا اقتصاد ایران در سایه ی تفکر جمهوری اسلامی همیشه آماج حملات دشمنان خواهد بود (بزرگی و دیگران، ۱۳۹۳).

روش تحقیق

این تحقیق از جنبه نوع گردآوری داده‌ها توصیفی می‌باشد و هدفی که دنبال می‌کند از نوع بنیادی نظری و کاربردی است زیرا با استفاده از نتایج تحقیقات، در پی اصلاح و بهبود وضعیت نظام اقتصادی کشور به منظور اثرگذاری مثبت آن‌ها در وضعیت سیاسی- اجتماعی کشور است. نظریات کارشناسان و مفاهیم مرتبط از طریق بررسی جدیدترین آثار و یافته‌های منتشره شناسایی شده و مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. جستجوی منابع با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، بهره برداری از مجلات تخصصی و سایت‌های مرتبط انجام گرفته است.

یافته‌ها

با توجه به تحقیقات پیشین و مبانی نظریه‌ای این پژوهش و در نظر گرفتن شرایط کشور پس از انقلاب اسلامی و پیشرفت‌های فراگیر ناشی از آن، دشمنان جمهوری اسلامی ایران تلاش‌های خود را با هدف جلوگیری از

رشد و توسعه ی همه جانبه ی این ملت با هجمه هایی از جمله بحران های مالی، اقتصادی، سیاسی و ... بر این ملت وارد نمودند. کشوری که نوپا و دارای منابع مادی و معنوی و همچنین نیروی انسانی بالقوه می باشد ولی از لحاظ اقتصادی دارای اقتصادی است که میراثی را به یک می کشد که قبل از انقلاب؛ با ضعف همراه بود و پس از انقلاب نیز بوسیله ی اعمال هشت سال جنگ تحمیلی و تحریم ها بر این ملت؛ بر مشکلات ساختاری اقتصاد آن افزوده شد. مشکلات اقتصادی در دهه اخیر؛ مسئولان را بر آن داشت که راهکارهایی را برای مقابله با این تهدیدها و تبدیل این تهدیدها به فرصت ها به موازات ایجاد و حفظ رشد اقتصادی ارائه نمایند. این راهکارهای منتج به سیاست های جامع و فراگیر اقتصاد مقاومتی از سوی مقام معظم رهبری در ۲۹ بهمن ماه سال ۱۳۹۲ با اهداف:

- ✓ تأمین رشد پویا و بهبود شاخص های مقاومت اقتصادی؛
 - ✓ حفظ دستاوردهای کشور در زمینه های مختلف؛
 - ✓ تداوم پیشرفت و تحقق آرمان ها، اصول قانون اساسی، سند چشم انداز بیست ساله، سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی؛
 - ✓ اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، انعطاف پذیر، فرصت ساز، مولد، درون زا و برون گرا، پویا و پیشرو با عینیت بخشیدن به الگوئی الهام بخش از نظام اقتصادی اسلامی ابلاغ گردید.
- لذا اجرای این سیاست ها بر تمام مسئولین واجب می باشد و باید بوسیله ی همکاری عموم آحاد مردم به آن جامه ی عمل پوشاند.

بحث و نتیجه گیری

براین اساس لزوم اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی که گفتمان توسعه مستمر و الگوی اقتصادی بومی منحصر به فرد اسلامی ایرانی است، می تواند با مقاوم سازی اقتصاد ملی در برابر تهدیدات، با ایجاد توان تحریم شکنی تحریم های بالقوه آتی و تبدیل آن ها به فرصت ها و ایجاد رشد اقتصادی با

رویکردی باتوان ایستادگی در برابر ظالم و قدرت‌های استکباری زورگو و عقب راندن نظام سلطه؛ بر موانعی که با هدف کندکردن توسعه و رشد اقتصادی و یا فروپاشی نظام سیاسی کشور باشد، غلبه نماید و در عرصه ی جهانی به عنوان کشوری موثر درآئیم که جهان را تحت تاثیر خود قرار دهیم.

با توجه به مباحث مربوطه، کشور ما کشوری است که به عنوان یک نظام دین محور شناخته می‌شود و ایدئولوژی متضادی با کشورهای غربی و مادی گرا دارد و این نکته باعث بوجود آمدن معادلات جدیدی در فضای سیاسی عصر کنونی گردیده است. در نتیجه این تضادهای ایدئولوژیکی موجب این شد که کشورهای مخالف؛ درصدد نابودی و محو چنین دیدگاه‌هایی نسبت به جهان و انسان برآیند. یکی از راه‌های مبارزه با کشور ما، جنگ اقتصادی است. جنگی که به تعبیری پس از انقلاب اسلامی جمهوری اسلامی ایران آغاز شده است و سعی در تضعیف تدریجی اقتصاد ملی و درنتیجه فروپاشی یا تغییر دارد. با این شرایط با توجه به مطالعات پیرامونی نظام اقتصادی کشور توسط اساتید و متخصصان این حوزه، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی که یک نقشه ی مهندسی شده است؛ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردید. اقتصاد مقاومتی خود نوعی از نظام اقتصاد اسلامی می‌باشد و با ارائه ی برنامه‌ها، سعی در رشد و توسعه ی اقتصادی کشور دارد. از دیدگاه استراتژیکی، هدف اقتصاد مقاومتی مقابله با تحریم‌ها و ایجاد تهدیدات به فرصت‌های عوامل محیط پیرامونی و خارجی است و از منظر داخلی علاوه بر هدف ایجاد عدالت اجتماعی (که از اهداف یک حکومت اسلامی به شمار می‌رود)؛ بر کسب اقتدار بین المللی و بقای کشور، اثبات عملی کارآمدی نظام دینی و اسلامی، مرجعیت بین المللی و ... تاکید دارد. باید این را مدنظر قرار داد که در روزهای اخیر توافقاتی جهت لغو تحریم‌ها انجام گرفته است. با فرض عملی شدن این توافق، باز هم باید هوشیار بود که با افزایش درآمدهای دولت و درنتیجه افزایش توان اقتصاد کشور، مجددا بیماری هلندی شامل حال کشور نشود و از روی شکم سیری؛ کشور به دام برنامه‌های بلندپروازانه، واردات،

وابستگی و مصرف گرایی صرف روی آورد که در صورت اعمال مجدد تحریم‌های احتمالی به دلیل ادامه ی مبارزه ی جمهوری اسلامی ایران با استکبار، بازگشت به عقب کرده باشیم. لذا با توجه به غنایی اقتصاد مقاومتی؛ اجرایی شدنش باید در شرایط مختلف مدنظر باشد.

امید است که تمامی دستگاه‌های اجرایی کشور (که موظف به اجرای این سیاست‌ها می‌باشند) با مشارکت آحاد مردم، بوسیله ی اجرای این الگو؛ زمینه ی گسترش سبک زندگی با مقتضیات انقلاب اسلامی و اهدافش را در جامعه فراهم نمایند.

پیشنهادهای کاربردی

- ۱- تطبیق برنامه ریزی‌های سازمان‌ها و صنایع کشور براساس الگوی اقتصاد مقاومتی؛
- ۲- بکارگیری توان مردم در اجرایی نمودن این سیاست‌ها از طریق اعطای ارائه ی تسهیلات، آموزش و پشتیبانی‌های حمایتی؛
- ۳- توجه به رویکردهای مزیت کامل، نسبی و رقابتی در صادرات و واردات کالاها و خدمات و همچنین در امر تولید.
- ۴- توجه ویژه به امر بازاریابی در صنعت؛
- ۵- تلاش در جهت کاهش هزینه‌های تمام شده و افزایش کیفیت کالاها و خدمات؛
- ۶- لزوم پیگیری دستگاه‌های نظارتی همچون مجلس شورای اسلامی درخصوص بررسی و نظارت بر عملکرد سازمان‌های دولتی (چه میزان سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را عملی کرده اند)؛
- ۷- ارائه شاخص‌های اقتصاد مقاومتی برای اندازه گیری عملکرد سازمان‌های دولتی؛
- ۸- مدنظر قرار دادن پیشینه و سوابق سازمان‌ها و دولت‌های بین المللی در انجام مبادلات و ...

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه از محیی الدین مهدی الهی قمشه‌ای.
۲. ابراهیمی، محسن و زیرک، معصومه. (۱۳۹۱). رابطه علی شاخص مقاومتی و سرمایه گذاری در ایران- تحلیلی اجربی از اقتصاد مبتنی بر رویکرد مقاومتی، مجله اقتصادی- دوماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره‌های ۹ و ۱۰، آذر و دی، صفحات ۲۵-۴۶.
۳. اسدی، علی. (۱۳۹۳). نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال دوم(شماره ۵)، صفحات ۲۵-۳۹.
۴. انجمن اقتصاد اسلامی حوزه علمیه. (۱۳۹۳). اقتصاد مقاومتی از منظر دین(مفاهیم، مبانی، الزامات و سیاست‌ها)، مجله مبلغان، شماره ۱۷۹، خرداد.
۵. بزرگی، علی اصغر؛ بزرگی، مریم و روحانی، آسیه. (۱۳۹۳). اقتصاد مقاومتی- شاخصه‌های تبدیل بحران به فرصت، اولین کنفرانس بین المللی اقتصاد؛ مدیریت؛ حسابداری و علوم اجتماعی، رشت، ۳۱ خرداد.
۶. تاری، فتح ا... و کاویانی، زهرا. (۱۳۹۲). اقتصاد مقاومتی و مولفه‌های آن، فصلنامه ی سیاست کلان، سال دوم(شماره ۲)، صفحات ۲۷-۴۷.
۷. تراب زاده جهرمی، محمد صادق؛ سجادیه، سید علیرضا و سمیعی نسب، مصطفی. (۱۳۹۲). بررسی ابعاد و مولفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت ا... خامنه ای، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم(شماره ۳۲)، صفحات ۳۱-۴۶.
۸. تفضلی، فریدون. (۱۳۹۲). تاریخ عقاید اقتصادی از افلاطون تا دوره ی معاصر(از ۶۰۰ قبل از میلاد تا ۲۰۰۰ میلادی)، انتشارات نشر نی، ویراست سوم، چاپ یازدهم.

۹. گزارشی از شورای اقتصاد معاونت صدا و سیما. (۱۳۹۱). اقتصاد مقاومتی در افق رسانه، ماهنامه ی علمی تخصصی صدای جمهوری اسلامی ایران، سال یازدهم (شماره ۶۸)، صفحات ۳۹-۵۶.
۱۰. دانش جعفری، داوود. (۱۳۹۲). اقتصاد مقاومتی- مفاهیم، قلمرو و راهکارها، بیست و سومین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی ثبات اقتصادی و حمایت از تولید، ۵ و ۶ خرداد.
۱۱. شفیعا، محمدعلی و موسوی لقمان، سیده اشرف. (۱۳۹۲). نقش مردم در پیشرفت اقتصادی در اندیشه‌های مقام معظم رهبری، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال سیزدهم (شماره ۵۱)، صفحات ۳۵-۶۱.
۱۲. فشاری، مجید و پورغفار، جواد. (۱۳۹۳). بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران، مجله اقتصادی، شماره‌های ۵ و ۶، مرداد و شهریور، صفحات ۲۹-۴۰.
۱۳. قوامی، سید صمصام الدین. (۱۳۹۳). آنچه تاکنون از اقتصاد مقاومتی بیان نشده است، خبرگزاری حوزه، تیرماه.
۱۴. غفاری، غلام رضا. (۱۳۸۰). تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر مشارکت اجتماعی اقتصادی سازمان یافته روستاییان به عنوان مکانیزمی برای توسعه روستایی ایران، پایان نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۱۵. مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت جهاد کشاورزی. (۱۳۹۲). سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ویژه نامه شماره ۱.
۱۶. میرمعزی، سیدحسن (۱۳۸۷)، آزادی‌ها و مسولیت‌های اقتصادی مردم از دیدگاه اسلام، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره ۳۲، بهار، صفحات ۳۷-۶۲.
۱۷. میرمعزی، سیدحسین. (۱۳۹۰). نظام اقتصادی اسلام (مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱۸. میرمعزی، سید حسین و قائمی نیا، علی اصغر. (۱۳۹۰). نقدی بر تعریف علم اقتصاد از منظر مبانی اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال یازدهم (شماره ۴۳)، صفحات ۵-۲۶.
۱۹. یوسفی، احمدعلی. (۱۳۹۱). الگوی مردم سالاری اقتصادی- بستر آزادی اقتصادی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دوازدهم (شماره ۴۸)، صفحات ۵۲-۷۶.
۲۰. Asadi, Ali; Maleki Shahrivar, Mojtaba & Esmaili, Seyyed Meisam. (۲۰۱۵). Passing through Sanctions by Resistive Economy, The open access Journal of Resistive Economics (OAJRE), Volume ۶, Number ۳۸.
۲۱. Faezi, Morteza & Norouzi, Hosein. (۲۰۱۴). Analyzing effect of Resistive Economy's Components on Creating Competitive advantage in organizations, International Journal of Management Studies, Vol. ۳, NO.۲. Page: ۹۷-۱۰۸.
۲۲. Naeaj Haghighi, Ali & Salarian, Shideh. (۲۰۱۴). The Role of Culture in International Marketing, Relying on Resistive Economy, The open access Journal of Resistive Economics (OAJRE), Volume ۵, Number ۳۴.
۲۳. Rezaei, Hosein & Shiravi, Atefeh. (۲۰۱۵). Analysis of the Impact of Ethnocentric and Resistive Economy on Sustainable Competitive Advantage (Case Study: Automotive Parts Manufacturing Companies), The open access Journal of Resistive Economics (OAJRE), Volume ۸ Number ۵۰-۵۶.

-
۲۴. Yari Naserieh, Mohammad & Hosseinipour, Mohammad Reza. (۲۰۱۴). Presenting performance sample of Resistive Economy in Islamic Azad Universities of Kerman Province in ۲۰۱۳, International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences , Vol. ۴, No. ۶.